

پژوهش های تجربی حسابداری^۱

دکتر علی ثقفی
امیر پوریان‌سب

مقدمه

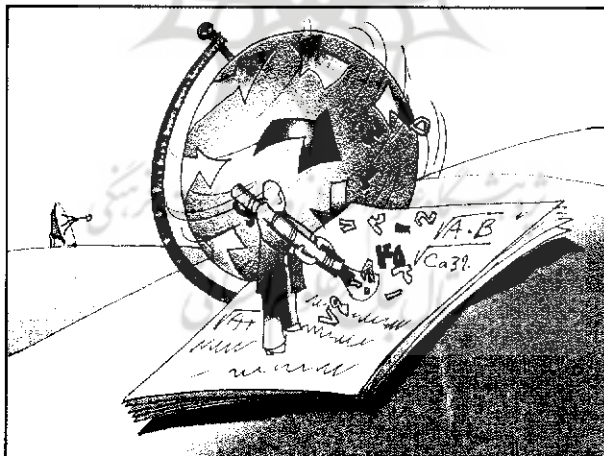
در چند دهه گذشته، اهداف، روش شناسی ها، و فلسفه های زیرساختی پژوهش حسابداری عمیقاً دگرگون شده است. این دگرگونی ها تا اندازه زیادی بازتابی از تغییرات در نظریه اقتصاد مالی^۱ است. حتی عده ای بر این باورند که عمیقاً از آنها نشئات گرفته اند. روندهای کنونی پژوهش حسابداری در بطن سه رویکرد عمده به پژوهش و نظریه

(۱) سرشست پژوهش های حسابداری را بسنماید، (۲) ربط پذیری این پژوهش ها را با تحلیل گری مالی نشان دهد، و (۳) یافته های پژوهش ها را خلاصه کند.

سه رویکرد به نظریه حسابداری - نگاه کلی

پیکره ۱، سه رویکرد به نظریه حسابداری را بازنمایی می کند. رویکرد اول، رویکرد

کلاسیک به نظریه حسابداری، تا پیش از نیمه اول دهه ۱۹۶۰ رایج بود و هنوز هم چارچوب زیرساختی اکثر مقررات و ضوابط حسابداری کنونی را تشکیل می دهد. این رویکرد می کوشد تا بر پایه چشم اندازهای نظری، "درست ترین" بازنمایی حسابداری را از واقعیت حقیقی^۱ (اما مشاهده ناپذیر)



دگرگونی های اهداف، روش شناسی ها، و فلسفه های زیرساختی پژوهش حسابداری بازتابی از تغییرات در نظریه اقتصاد مالی است

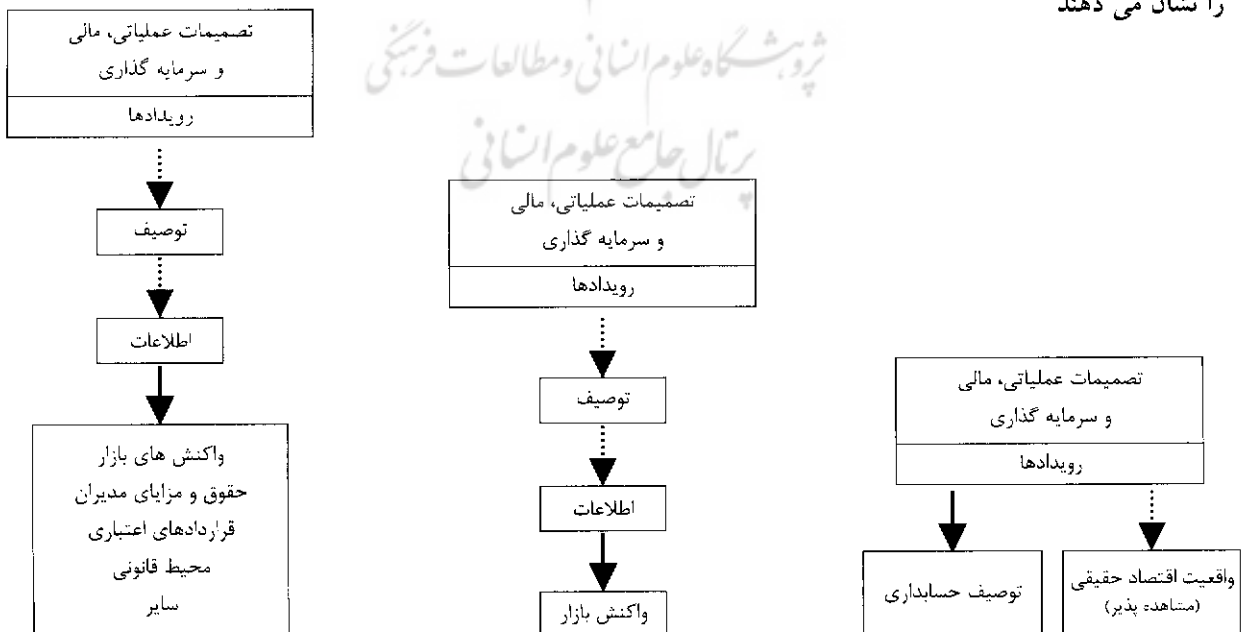
حسابداری پرورش یافته اند. امروزه در اکثر نوشته های دانشگاهی این سه رویکرد را با نام های رویکرد کلاسیک، رویکرد پژوهش های مبتنی بر بازار، و رویکرد اثباتی رده بندی می کنند. این نوشتار کوششی برای بازنگری و موشکافی تمام این پژوهش ها نیست، اما بر آن است تا

تاثیرپذیر از صورت های مالی را در بر می گیرد: مانند طرح های پاداش مدیران، مشروط تعهدآور بدهی ها، و انبوهی از مقررات ارگان های دولتی که شرکت را متأثر می کنند. دوم و از اولی هم مهم تر، چون طبق این رویکرد صورت های مالی بر عرصه های دیگر نیز تأثیر دارند، بنابراین همواره محرک هایی وجود دارند که باعث می شوند سیستم های حسابداری به مبدد بازخورد، علاوه بر اندازه گیری نتایج تصمیمات بر آنها نیز تأثیر بگذارند. این برهم کنش های بازخوردی نه تنها بر تصمیمات عملیاتی مدیریت که بر گزینش های مدیریت از میان انبوه روش های گزینه حسابداری تأثیر می گذارند.

این سه رویکرد رقیب با گذر زمان و در واکنش به نتایج پژوهش ها و دست آوردهای جدید در عرصه اقتصاد اطلاعات و نظریه های مالی رشد و تکامل یافتند.

پژوهش های تجربی که در دهه ۱۹۶۰ با قیل و قال و وعده و وعید بسیار آغاز شدند، در گذر زمان تنها به پشتوانه معنی داری (یا نبود معنی داری) اقتصادی نتایج و پیچیدگی های عناصر واقعیت، یا آنچه دانشگاهیان به آن هنجارشکنی^۲ می گویند، گرم تر شدند.

پیکره ۱: بازنمایی اجمالی سه رویکرد به نظریه و پژوهش حسابداری. پیکان های ممتد، محورهای تمرکز پژوهش ها را نشان می دهند



(ج) حسابداری اثباتی

(ب) پژوهش مبتنی بر بازار

(الف) نظریه کلاسیک

رویکرد کلاسیک

صورت‌های مالی ارزیابی شود. بنابراین کانون تمرکز پژوهش‌های حسابداری به ربط‌پذیری اطلاعات گزارش‌های حسابداری با تصمیمات استفاده‌کنندگان معطوف شد.

با این حال، مقررات‌گذاران حسابداری هیچ‌گاه کاملاً این رویکرد جدید (تجربی) به نظریه حسابداری را باور نکردند. دلیل ناباوریشان هر چه باشد، اعم از این که با فلسفه این رویکرد مخالف باشند یا نتایج آن را دارای ملازمات عملی ندانند، جای تأمل و بحث دارد. مهم است بدانیم قواعد حسابداری کنونی، که پیکره اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی را ساخت می‌بخشند، عموماً تحت سیطره و محصول رویکرد کلاسیک هستند.

پژوهش‌های مبتنی بر بازار

پیشرفت‌های نظریه مالی، که در اواسط و اواخر دهه ۱۹۶۰ روی داد، کاتالیزور اصلی تغییر در پژوهش حسابداری است. فرضیه‌های بازار کارآ و نظریه پرتفولیوی نوین دو پیشرفت عمده در متون مالی است که در طول این دوره عمیقاً بر پژوهش حسابداری تأثیر گذاردند. در ادامه به توصیف آنها می‌پردازیم.

نظریه بازار کارآ

در جوامع مالی دانشگاهی و حرفه‌ای گرایش گسترده به (و پذیرش فزاینده) فرضیه‌های بازار کارآ (EMH) زیربنای اصلی رویکرد جدید به نظریه و پژوهش حسابداری، است. EMH را **یوگن فاما**^{۱۱} بازشناسی و تعریف کرده است. وی می‌گوید: «بازاری کارآ است که در آنجا قیمت‌های دارایی‌ها بازتاب کامل تمام اطلاعات در دسترس باشند». «بازتاب کامل» بدین معنی است که هیچ‌کس با آگاهی از اطلاعات مجالی نمی‌یابد تا از آنها سود بسازد، زیرا قیمت‌ها اطلاعات را در ذات خود نهفته دارند. افزون بر این، به محض این که اطلاعات دانسته شوند بی‌درنگ و بدرستی در قیمت‌ها ضبط و مصادره می‌شوند.

طبق فرضیه‌های بازار کارآ، اطلاعات، بر حسب سه صورت متفاوت از EMH، به سه مجموعه تقسیم می‌شوند:

رویکرد کلاسیک به نظریه حسابداری از دیدگاه‌های هنجارگذار^{۱۲} نشأت می‌گیرد. نویسندگانی مانند ادواردز^{۱۳} و بل^{۱۴} (۱۹۶۱)، چمبرز^{۱۵} (۱۹۶۶)، و استرلینگ^{۱۶} (۱۹۷۰) به ارزیابی روش‌ها و فنون حسابداری می‌پرداختند تا ثابت کنند که اطلاعات حسابداری تا چه اندازه به تصویر «حقیقی» شرکت نزدیکند. مفاهیمی مانند سود اقتصادی و رابطه‌اش با سود حسابداری در کانون این بحث‌ها و جدل‌ها قرار داشت.

رویکرد کلاسیک به مدد منطق قیاسی روش‌های حسابداری راستین را از مجموعه مفاهیم، اصول، و اهداف موضوعه استنتاج می‌کند.

این رویکرد تلویحاً در بردارنده این دیدگاه است که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی اساساً صورت‌های مالی را با ارزش‌های ظاهری^{۱۷} می‌پذیرند (و به آنها واکنش نشان می‌دهند)؛ به همین دلیل، این رویکرد، اهمیت زیادی را برای حصول اطمینان از بازتاب وضعیت مالی حقیقی در صورت‌های مالی قائل است. افزون بر این، طبق این رویکرد ذات و جوهره واکنش‌های استفاده‌کنندگان به صورت‌های مالی پیش‌بینی‌پذیر و بدیهی می‌نماید. به همین دلیل هیچ کوشش آشکاری برای آزمون (تجربی یا دیگر آزمون‌های) روابط میان صورت‌های مالی و انگیزه‌های استفاده‌کنندگان و/یا واکنش‌های آنان به اطلاعات صورت‌های مالی به عمل نمی‌آید.

در مرحله اولیه شرح و بسط این رویکرد، آموزه‌های **گراهام**^{۱۸} و **داد**^{۱۹} بیشترین نفوذ و تسلط را در جوامع مالی دانشگاهی و حرفه‌ای داشت. در دنیایی که **گراهام** و **داد** ترسیم می‌کنند، سهام‌داران ارزش ذاتی هستند، و سرمایه‌گذاران قادرند با استفاده از نسبت‌ها و فنون تحلیل‌گری مالی که مبتنی بر داده‌های صورت‌های مالی است به فیلترهایی دست یابند و به کمک آنها سهام بیش یا کم ارزش‌گذاری شده را شناسایی کنند.

اما در محافل دانشگاهی رویکرد سنتی محبوبیتش را به دلیل آزمون‌ناپذیری‌اش از دست داد. در آن زمان استدلال می‌شد که فایده‌مندی اطلاعات حسابداری فقط باید با مشاهده اثرات آنها بر تصمیمات استفاده‌کنندگان

تمام اطلاعات در دسترس است.

ویلیام بیور^{۱۳} (۱۹۷۳) در این خصوص می‌گوید:

"این اشتباه سرانجام به این ادعا انجامید که داده‌های حسابداری بی ارزش است ... اما بازار کاراً به هیچ طریقی به این ملازمات نمی‌انجامد. اتفاقاً این خیلی خوب است که داده‌های صورت‌های مالی دقیقاً همان چیزی باشند که بازار را کاراً می‌کند."

نظریه پرتفولیوی نوین

نظریه پرتفولیوی نوین (MPT) دومین روندی است که از عرصه نظریه مالی بر نظریه و پژوهش حسابداری تأثیر گذاشت. این نظریه با صورت‌بندی مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (CAPM) به منصفه نمود رسید. CAPM رابطه بین بازده انتظاری و ریسک یک سهم عادی را چنین بازگو می‌کند:

$$E(R_i) = R_f + B_i[E(R_m) - R_f]$$

که در آن:

$$R_f = \text{نرخ بازده سهم } i;$$

$$R_f = \text{نرخ بازده بی ریسک};$$

$$R_m = \text{نرخ بازده بازار};$$

B_i = بتای شرکت i که هم‌روندی^{۱۴} بازده‌های شرکت i را با کل بازار اندازه می‌گیرد؛ و

$E(*)$ = نماد بازنمایی کننده ارزش انتظاری.

بنابراین بازده تحقق یافته سهم i [با حذف نماد انتظاری $E(*)$] عبارت است از:

$$R_i = R_f + B_i[R_m - R_f] + e$$

در رابطه بالا، e عبارت از بازده غیرمنتظره یا غیرعادی است. به عبارت دیگر، e بخشی از بازده تحقق یافته یک سهم را بازنمایی می‌کند که (با در نظر گرفتن شرایط کنونی بازار) گویای انحراف از بازده انتظاری اش است.

به موجب نظریه پرتفولیوی نوین، ریسک‌های بالاتر با بازده‌های بالاتر (انتظاری) همبسته‌اند. اما این رابطه فقط در مورد آن بخش از ریسک صادق است که نمی‌توان با تنوع

۱. صورت ضعیف. مجموعه اطلاعات فقط دربرگیرنده اطلاعات مربوط به قیمت‌های گذشته اوراق بهادار است.

۲. صورت نیمه قوی. مجموعه اطلاعات دربرگیرنده تمام اطلاعات در دسترس همگان است.

۳. صورت قوی. مجموعه اطلاعات دربرگیرنده تمام اطلاعات از جمله اطلاعات خصوصی (درونی و محرمانه) است.

در این دوره، در متون حسابداری و مالی انبوهی از شواهد تجربی برای پشتیبانی از صورت‌های ضعیف و نیمه قوی فراهم آمد. طبق صورت نیمه قوی برای پیش‌بینی قیمت‌های آینده نمی‌توان از دنباله قیمت‌های گذشته اوراق بهادار استفاده برد و کامیاب شد. از این رو، به نظر می‌رسد فنون نمودارکشی (مانند الگوهای سر و شانه، سقف‌های دوگانه و نظایر این‌ها) و دیگر انواع تحلیل‌های فنی که امروزه به گستردگی در تحلیل‌گری مالی استفاده می‌شوند بی‌معنی و بی‌فایده‌اند.

به موجب صورت نیمه قوی فرض می‌شود مجموعه اطلاعاتی که در بازارهای مالی استفاده و بی‌درنگ در قیمت‌ها مصادره می‌شود شامل تمام اطلاعات در دسترس همگان، مانند صورت‌های مالی، گزارش‌های دولتی، گزارش‌های صنعت، و تحلیل‌های مالی است. صورت نیمه قوی EMH دو نوع پیامد کلیدی را برای پژوهش، سیاست‌گذاری و تحلیل حسابداری به دست می‌دهد.

نخست، صورت‌های مالی تنها منبع اطلاعاتی برای تصمیمات سرمایه‌گذاری نیست. دوم، و از اولی هم مهم‌تر، سوداگری بر اساس اطلاعات هیچ بهره و نصیبی را به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نخواهد رساند. بنابراین، پیامد دوم دست‌آویزی نیرومند برای حمله مستقیم به تحلیل‌گری بنیادی شد - در تحلیل‌گری بنیادی، گرانیکاه تحلیل‌های مالی یافتن سهامی است که نسبت به ارزش ذاتی‌شان بیش یا کم ارزشگذاری شده‌اند. بخش جالب و طنزآمیز این استدلال آنجا است که بسیاری از تحلیل‌گران بنیادی (که در جستجوی موقعیت‌های استثنایی هستند) نیز اطمینان دارند هیچ سود و سودایی را نمی‌توان یافت. نتیجه پژوهش‌های آنان نشان می‌دهد که قیمت‌ها بازتابی کامل از

بخشی از آن گریخت. ریسک را به دو مقوله سیستماتیک و ناسیستماتیک تقسیم می‌کنند. ریسک سیستماتیک معرف بخشی از عدم قطعیت فراروی شرکت است که دلیلش وجود عوامل مشترک ریسک در بین تمام شرکت‌ها، همچون چرخه کسب و کار، نرخ‌های بهره، و مانند این‌ها است. به موجب CAPM، بتای شرکت یا B_i اندازه این ریسک را بازنمایی می‌کند.

ریسک ناسیستماتیک، معرف عدم قطعیت خاص یک شرکت است. بازده ناسیستماتیک همان بازده غیر عادی یا e_i است که پس از احتساب اثرات سیستماتیک رخ می‌دهد. سرمایه‌گذاران می‌توانند ریسک ناسیستماتیک را با گزینش پرتفولیوی متنوع و رنگارنگ مهار کنند. چون با تنوع بخشی می‌توان از کمند این ریسک گریخت، بنابراین سرمایه‌گذاران با پذیرش این ریسک به پاداش (بازده‌های بالاتر) نمی‌رسند؛ چرا که نرخ بازده غیر عادی منتظره عبارت از $E(e_i)=0$ است. از طرف دیگر، ریسک سیستماتیک، که نمی‌توان با تنوع بخشی از آن گریخت، با تولید بازده انتظاری بالاتر به سرمایه‌گذار پاداش می‌دهد.

MPT و CAPM به چند طریق در شرح و بسط نظریه حسابداری دخیل بوده‌اند. نخست این که چون بازده انتظاری شرکت‌ها به ریسک ناسیستماتیک وابسته نیست، بنابراین اطلاعات مربوط به پیش‌بینی وضع شرکت عمدتاً نامربوط است. تنها چیزی که اهمیت دارد ریسک سیستماتیک شرکت و رابطه‌اش با کل پرتفولیو است.

بنابراین قابلیت داده‌های حسابداری برای پیش‌بینی و به دست دادن اندازه‌ای از ریسک، زمینه‌ای را برای پژوهش حسابداری فراهم می‌کند تا در جست‌وجوی شواهدی باشد که نشان دهد با استفاده از این داده‌ها می‌توان پیش‌بینی اندازه‌های ریسک، مانند بتا، را بهبود بخشید. جالب این است که این روند پژوهش، بر خلاف ادعایش، اساساً بیش از این نقش برجسته تری را بازی نمی‌کند.

با وجود این، یافته‌های تجربی اخیر، دوباره نگاه‌ها را به این عرصه از مدیریت ریسک خیره کرده است. فاما^۵ و فرنچ^۶ (۱۹۹۲)، بر خلاف روابط پیش‌بینی شده به وسیله CAPM، نتیجه گرفتند که در دوره ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۰، بتا با بازده‌های

میانگین سهام ارتباط نداشته است. از طرف دیگر، فاما و فرنچ و دیگران دریافتند که اندازه‌هایی مانند اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، اهرم، و نسبت قیمت به سود، با بازده‌های میانگین ارتباط دارند. دوباره در این نوشتار به سراغ نهفته‌های این یافته‌ها در ارتباط با ریسک، CAPM، و مسئله ناکارایی بازار باز خواهیم گشت.

دوم، CAPM و MPT با فراهم آوردن مدلی برای اندازه‌گیری واکنش‌های بازار به بازده‌ها و سودها، بر تکامل نظریه حسابداری تأثیر گذاشتند. یافته‌ها نشان می‌دهند که انحرافات از سودهای انتظاری بر نرخ بازده تحقق یافته یا از آن هم مهم‌تر، بخش غیرمنتظره یا بازده غیر عادی (e_i)، تأثیر دارند.

این دو واقعیت، پژوهشگران را به وادی پژوهش‌های مبتنی بر بازار کشاند. این پژوهش‌ها را می‌توان در سه مقوله زیر رده‌بندی کرد:

- ۱- آزمون‌های EMH در برابر رویکرد کلاسیک
- ۲- آزمون‌های محتوای اطلاعاتی گزینه‌های حسابداری
- ۳- آزمون‌های روابط سود/بازده

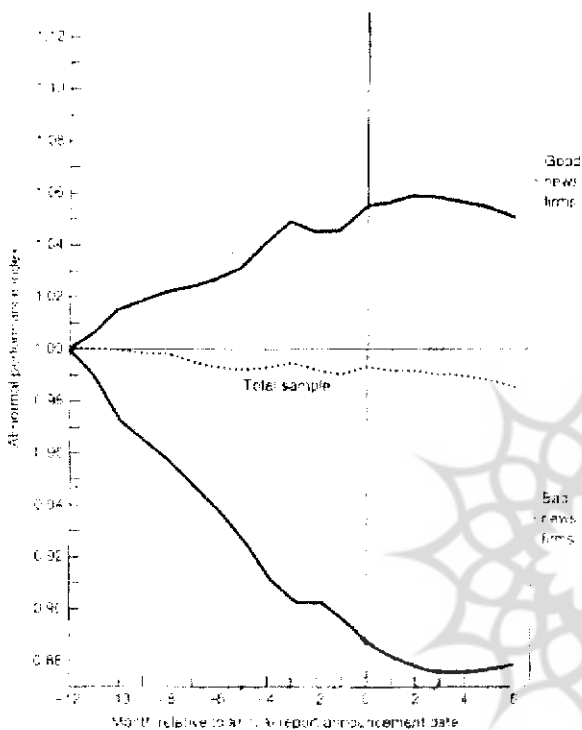
آزمون‌های EMH در برابر فرضیه‌های مکانیکی

فرضیه‌های مکانیکی، که مشتمل بر رویکرد کلاسیک به نظریه حسابداری است، اساساً مدعی هستند که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، اطلاعات صورت‌های مالی را با ارزش‌های ظاهری می‌پذیرند. پیش‌بازر این فرضیه آن است که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به دیگر منابع اطلاعاتی دسترسی ندارند یا صورت‌های مالی را از بابت اثرات روش‌های حسابداری گزینه تعدیل نمی‌کنند. روشن است که فرضیه‌های مکانیکی در تقابل با EMH، که قائل به بازتاب تمام اطلاعات در دسترس در قیمت‌ها است، قرار دارند.

فرضیه‌های مکانیکی با مطالعه و بررسی واکنش‌های بازار سهام به تغییر روش‌های حسابداری به محک آزمون درآمدند. بدین صورت که تأثیرپذیری قیمت‌های سهام از روش‌های حسابداری سودافزا اما بی‌تأثیر بر جریان نقدی آزمون شد. بنابراین فرضیه‌های مکانیکی ما را بر آن می‌دارند

همان گونه که پیکره ۲ نشان می‌دهد، یک سال قبل از تاریخ اعلام سود واکنش بازار به بازده‌های غیرعادی خوب/بد شروع می‌شود.

پیکره ۲ نتایج پژوهش بال و براون.



افزون بر این، محتوای اطلاعاتی اندکی در زمان اعلام سود وجود دارد. برآوردهای بال و براون نشان داد که ۸۰٪ تا ۸۵٪ عملکرد غیرعادی بازار پیش از انتشار گزارش سالانه رخ داده است.

این واقعیت حاکی از آن است اگرچه سودها اندازه‌های معنی‌داری از عملکرد مالی شرکت هستند، اما عمدتاً در زمان انتشار حشو و زائد هستند و یا تأثیری اندک بر بازار دارند یا اصلاً تأثیر ندارند.

پیش‌دستی بازار به سودهای گزارش شده، پرسش‌هایی را پیرامون به‌هنگامی گزارش‌های سالانه به میان آورد و به ما یادآور شد که گزارش سالانه تنها منبع اطلاعاتی در دسترس بازارگاه‌ها^{۱۱} نیست. منابع رقیب اطلاعاتی درباره کل اقتصاد، صنعت شرکت، و خود شرکت از دیگر منابع مانند رسانه‌ها، گزارش‌های دولتی، انجمن‌های صنعتی، گزارش‌های

تا منتظر افزایش قیمت‌های سهام باشیم. اما EMH حجت می‌آورد که بازار گول تغییرات را نمی‌خورد و ملاً قیمت‌های سهام واکنش نشان نمی‌دهند.

نهایتاً آزمون فرضیه‌های مکانیکی در برابر EMH از مد افتاد. با این که اختلاف نظر بسیار زیادی در خصوص اطلاعاتی وجود داشت که بازار به آنها واکنش نشان می‌دهد، اما همگان بر سر EMH اتفاق نظر داشتند (یعنی، بازار با چشم بسته و کورکورانه از سودهای گزارش شده پیروی نمی‌کند و قیمت‌ها را بر اساس آنها تعدیل نمی‌کند). این باور که بازار کورکورانه از ارقام گزارش شده پیروی نمی‌کند پژوهشگران را به این پرسش رساند که پس بازارها چگونه به اطلاعات حسابداری واکنش نشان می‌دهند. با تحلیل مطالعه سرنوشت ساز بال^{۱۷} و براون^{۱۸} (۱۹۶۸) به بهترین وجه می‌توان به ذات روش‌شناسی و فلسفه زیرساختی این شیوه پژوهش پی برد.

مطالعه بال و براون

هدف بال و براون مستندسازی همبستگی بین قیمت‌های (بازده‌های) اوراق بهادار و سودهای حسابداری شرکت‌ها بود. بدین منظور آنان در نمونه‌هایشان شرکت‌ها را به گروه‌های "خوش‌خبر" و "بدخبر" تقسیم کردند. یک شرکت در صورتی به عنوان خوش‌خبر (بدخبر) طبقه‌بندی می‌شد که سودش بزرگ‌تر (کوچک‌تر) از سودهای پیش‌بینی شده با مدل سری‌های زمانی بود. بنابراین، دو پرتفولیو بر اساس بخش‌بندی خوش‌خبرها و بدخبرها ایجاد شد.

یافته‌های اصلی بال و براون در پیکره ۲ بازتولید شده است. این پیکره بازده‌های غیرعادی چندساله را بین پرتفولیوهای خوش‌خبر و بدخبر مقایسه می‌کند. شرکت‌های خوش‌خبر (بدخبر) به‌طور میانگین از بازده‌های غیرعادی مثبت (منفی)، که با e اندازه‌گیری می‌شود، برخوردارند. بال و براون همبستگی روشنی (تجربی) را بین سودها و واکنش بازار سهام نشان دادند.

این نتایج، به‌رغم گشودن درهای جدید به روی محافل پژوهشی آینده، پرسش‌های پرشماری را نیز به میان آورد.

تحلیل گران مالی، و اعلامیه‌های مدیریت، و نیز خود گزارش‌های میان دوره‌ای شرکت در دسترس است.

پژوهش **بال** و **براون** باعث انفجار عظیم پژوهش‌های تجربی حسابداری در دو دهه بعدی شد. اینک قاطعانه می‌توان آن پژوهش‌ها را به دو مقوله، شامل آزمون‌های محتوای اطلاعاتی سود و آزمون‌های روابط بین بازده‌های سهام و سودهای گزارش شده، توصیف کرد.

مطالعات محتوای اطلاعاتی

بال و **براون** رشته‌ای از مطالعات را برانگیختند که در صدد آزمایش و بررسی "محتوای اطلاعاتی" داده‌های حسابداری برآمدند. در این پژوهش‌ها، محتوای اطلاعاتی بر حسب واکنش بازار به سودهای اعلام شده و نیز انحراف سودهای اعلام شده از سودهای انتظاری اندازه‌گیری می‌شود. رویه‌ای که عموماً پژوهشگران در محاسبه بازده‌های غیرعادی انباشته به کار می‌برند حاصل اندازه‌گیری سود با استفاده از گزینه‌های حسابداری است. مثلاً **بیور** و **داکس**^{۱۱} (۱۹۷۲) محتوای اطلاعاتی سودها را با احتساب و بدون احتساب مالیات تعویقی مقایسه کردند. دیگران، محتوای اطلاعاتی سودهای قسمت‌ها، اقلام غیرعادی، اجاره‌های سرمایه‌ای، روش‌های حسابداری گزینه برای تجهیزات نفت و گاز، و مانند این‌ها را آزمایش کردند.

درابتدا، پژوهشگران دلیل می‌آوردند که اگر قرار باشد یک روش حسابداری گزینه برگزیده شود، مطلوب‌ترین گزینه آن است که بیشترین واکنش بازار را برانگیزد (یعنی دارای بیشترین محتوای اطلاعاتی باشد). در این اوضاع و احوال، پژوهشگران در صدد استنتاج نهفته‌ها و ملازمات استاندارددگذاری از یافته‌هایشان برآمدند. این مفهوم بزودی به چالش کشیده شد، نه به این دلیل که سودها به واکنش‌های بازار نامربوط‌اند، بلکه چون هر تراکنش (خرید و فروش سهم) یا تغییر در قیمت‌های بازار وضع برخی را نسبت به دیگران بهتر می‌سازد.

بنابراین، تصمیم‌گیری درباره بهترین گزینه لزوماً متضمن قضاوت‌هایی پیرامون تأثیرگذاری بر پیامدهای اجتماعی و رفاه عمومی است، که به نظر می‌رسد ماهیتاً

سیاسی هستند و در ورای قلمرو پژوهش دانشگاهی قرار دارند.

بی میلی به تجویز راه حل‌های هنجاری باعث شد تا از شمار پژوهش‌ها در این عرصه کاسته شود؛ اما پژوهش‌های بازار ادامه یافتند و فقط محور تأکید تغییر کرد. زمان بازشناسی تلویحی توافقی هزینه/مزایای افشاء فرا رسیده بود.

رابطه بین سود و بازده‌های سهام

مطالعات رابطه سود/بازده، بی تردید فراگیرترین نوع پژوهش‌های بازار بود. برخی مطالعات بازار دامنه‌ای فراگیر داشتند، برخی دیگر، فقط مطالعات قبلی را با تأکید بر اصلاح و پالایش روش‌شناسی‌شان همانندسازی کردند. نتایج همه این پژوهش‌ها تا اندازه‌ای ناامیدکننده بود، و هیچ موفقیت عمده‌ای را برای درک نقش سود حسابداری در فرایند تولید بازدهی سهام حاصل نکرد.

افزون بر این برخی از پژوهش‌ها شواهدی را به دست دادند که با صورت قوی کارایی بازار در تضاد بود. سازماندهی و طبقه‌بندی ماهیت این پژوهش با رجوع به مطالعه **بال** و **براون** به بهترین وجه انجام می‌شود. مطالعه آنان شامل مقوله‌های به هم مرتبط زیر است:

- ۱- متغیر حسابداری،
- ۲- متغیر مبتنی بر بازار، و
- ۳- آزمون‌های رابطه بین پارامترهای خوش‌خبری/بدخبری و بازده‌های غیرعادی.

متغیر حسابداری

گزینه‌های متغیر حسابداری مناسب، **بال** و **براون** از علامت خطای پیش‌بینی سود خالص سالانه و سود هر سهم (EPS) استفاده کردند. **بیور** و همکارانش (۱۹۷۹) بزرگای خطا را با وزن‌بندی پرتفولیوهایشان به میزان اندازه خطا بررسی کردند. پژوهشگران دیگر [مانند **فوستر**^{۱۲} (۱۹۷۷)؛ **بانگه**^{۱۳} و **لورک**^{۱۴} (۱۹۸۴)] سودهای سه‌ماهه را آزمایش کردند و دریافتند که گزارش‌های سه‌ماهه نیز دارای محتوای اطلاعاتی است.

با وجود این، شماری از مطالعات [مثلاً پژوهش‌های

سری‌های زمانی، با استفاده از داده‌های سالانه و/یا سه ماهه، با یکدیگر و نیز با داده‌های مشابه تولید شده توسط تحلیل گران مالی و مدیریت مقایسه شد تا دو پرسش مستقل اما تقریباً مرتبط آزمایش شود:

- ۱- کدام مدل پیش‌سنجی یا کدام پیش‌سنجی، بیشترین قابلیت پیش‌بینی را دارد؟
- ۲- کدام مدل پیش‌سنجی یا کدام پیش‌سنجی، دقیق‌ترین بازتاب از انتظارات بازار است؟

پرسش نخست از حوصله این بحث خارج است. اما پژوهش درباره پرسش دوم نشان داد که پیش‌سنجی‌های تحلیل گران مالی تخمین بهتری از انتظارات بازار در مقایسه با مدل‌هایی به دست می‌دهد که صرفاً متکی به سری‌های زمانی تاریخی سودهای گزارش شده هستند. این برتری و بهتری در واقع به این حقیقت باز می‌گردد [براون و همکاران، (۱۹۸۷)] که تحلیل گران هم اطلاعات بهنگام تر و هم مجموعه گسترده‌تری از اطلاعات را در اختیار دارند و پیش‌سنجی‌های خود را بر اساس آنها استوار می‌نمایند.

این حقیقت که انتظارات بازار با پیش‌سنجی‌های تحلیل گران مالی سازگار است پژوهشگران را به آزمایش این پرسش‌ها راهبر شد که تحلیل گران مالی تا چه اندازه بازار را هدایت می‌کنند و بسا بازار تا چه اندازه انتظاراتش را از پیش‌سنجی‌های تحلیل گران برمی‌گیرد. در این مطالعات پی برده شد که واقعاً بازار به پیش‌سنجی‌های تحلیل گران واکنش نشان می‌دهد. گیولی^{۲۰} و لاکونیشاک^{۲۱} (۱۹۷۹) نشان دادند که با سودآوری بر اساس بازنگری و اصلاح پیش‌سنجی‌های سود تحلیل گران می‌توان به بازده غیرعادی دست یافت. این حقیقت دوباره پرسش‌هایی را درباره کارایی بازار سرمایه به میان آورد.

متغیر مبتنی بر بازار

افق (پنجره) اندازه‌گیری عملکرد بازار. بال و براون، بازده‌های ماهانه یک سال کامل را بررسی کردند. دیگر مطالعات نیز، بسته به موضوع بررسی، از بازده‌های هفتگی (یا روزانه) در دوره‌های قبل و بعد از اعلام سود استفاده کردند.

پرسش کاوی^{۲۲} بال (۱۹۷۸) و جوی^{۲۵} و جونز^{۲۶} (۱۹۷۹) [برای مستندسازی جنبش‌ها و تکان‌های^{۲۷} پس از اعلام سود شروع شد، و نتایج آنها نشان داد که الگوی بازده غیرعادی مثبت (منفی) تا مدتی پس از اعلام سودهای سه ماهه خوش‌خبر (بدخبر) تداوم می‌یابد. این پدیده بر خلاف آموزه‌ها و گواهی‌های EMH است که مدعی است اطلاعات بی‌درنگ در قیمت‌ها مصادره می‌شوند.

گونیدس^{۲۸} (1975، 1978) و رونین^{۲۹} و سیدان^{۳۰} (۱۹۸۱)، در میان دیگران، بر تعریف درست سود (سود عملیاتی، سود عملیات مستمر، یا سود خالص) تأکید کردند. آنان تاثیر درج ارقام خاص، یا مکرر یا غیرمترقبه را بر بازده‌های اوراق بهادار آزمایش کردند. در دهه ۱۹۸۰ در پی سیل تجدید ساختارها و دیگر فرونویسی‌ها^{۳۱} بار دیگر پژوهش در این عرصه برانگیخته شد.

با تأکیدی که در حسابداری و امور مالی بر جریان‌های نقدی صورت گرفت، پژوهشگران نیز به آزمایش محتوای اطلاعاتی جریان‌های نقدی در مقایسه با سودهای خالص روی آوردند. نتایج این پژوهش‌ها عموماً نشان دادند که داده‌های جریان‌های نقدی برتر از داده‌های سودهای مبتنی بر سیستم تعهدی نیستند.

برخی پژوهشگران در پاسخ به انتقادهایی [نگاه کنید به لو^{۳۲} (۱۹۸۹)] که به موجب آنها استفاده از اعداد یگانه را برای تبیین رفتار بازده بسیار ساده‌انگارانه دانسته می‌شد، به آزمایش رابطه‌ای بین بازده‌ها و اجزای گوناگون سود (لایپ^{۳۳}، ۱۹۸۶) و بین بازده‌ها و اجزای جریان نقدی (لیونات^{۳۴} و زاروین^{۳۵}، ۱۹۹۰) روی آوردند. نهایتاً، افشای الزامی سود جامع، دالی‌وال^{۳۶}، سویرامانیان^{۳۷}، و ترزوانت^{۳۸} (۱۹۹۹) را به مقایسه عملکرد سود جامع با سود خالص برانگیخت.

انتظارات از متغیرهای حسابداری

یکی از محصولات فرعی پژوهش پیرامون رابطه‌ای سود/بازده، که به سرعت به یکی از عرصه‌های عمده پژوهش حسابداری تبدیل شد، تدارک زمینه شرح و بسط و ساخت مدل‌های پیش‌سنجی^{۳۹} سود است. مدل‌های ساده و پیچیده

بررسی عوامل موثر بر عدم استفاده مدیران در تصمیم گیری از اطلاعات حسابداری مدیریت

دکتر قدرت اله طالب نیا
هما رستمی

کنترل منابع، ارزیابی عملکرد، تصمیم گیری استفاده نمایند، که آشنایی با عوامل فنی از قبیل آگاهی با مفاهیم و کاربردهای حسابداری مدیریت داشته باشند و همچنین تلاش نمایند که تاثیر منفی عوامل رفتاری و فرهنگی در استفاده از اطلاعات حسابداری مدیریت را به حداقل برسانند.



بیشترین علل عدم استفاده مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت به ترتیب اولویت عوامل رفتاری و فرهنگی و فنی می باشد

مقدمه

سیستم حسابداری مدیریت از جمله سیستمهای اصلی و اساسی سیستم اطلاعات مدیریت شمرده می شود. بنابراین، وظیفه سیستم حسابداری مدیریت تامین نیازهای اطلاعاتی سطوح مختلف مدیران در زمینه های برنامه ریزی و کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری است. (جوادی جادو، ۱۳۸۰، ۹۴) جان بل و انصاری و توماس کلامر در مقاله ای با

چکیده مقاله

اطلاعات حسابداری مدیریت برخلاف اطلاعات حسابداری مالی که در شرکت ها به منظور پاسخگویی استفاده کنندگان برون سازمانی طراحی می شوند به مدیریت در برنامه ریزی، کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری کمک موثری می نماید.

این مقاله به مطالعه عوامل

موثر بر عدم استفاده مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت از قبیل عوامل رفتاری، فرهنگی و فنی می پردازد. نتایج تحقیق نشان می دهد بیشترین علل عدم استفاده مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت به ترتیب اولویت عوامل رفتاری و فرهنگی و فنی می باشد لذا زمانی مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت می توانند به طور موثر در برنامه ریزی،

مدیران مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. به طور کلی اهداف این تحقیق با توجه به اهمیتی که در عدم استفاده از اطلاعات حسابداری مدیریت توسط مدیران در برنامه ریزی، کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری گفته شد شناسایی موانع تنگناهای موجود و تاثیرگذار بر استفاده مدیران در تصمیم گیری ها از اطلاعات حسابداری مدیریت و اولویت بندی هر یک از عوامل شناسایی شده و تاثیر آن در تصمیم گیری مدیران است.

۱- اهداف تحقیق

۲- شناسایی موانع و تنگناهای موجود و تاثیرگذار بر عدم استفاده مدیران در تصمیم گیری ها از اطلاعات

حسابداری مدیریت

۳- فرضیه ها

۴- جامعه آماری

۵- روش جمع آوری اطلاعات و روش آزمون فرضیه ها

۶- نتایج آزمون فرضیه ها و تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

۷- نتیجه گیری و پیشنهادها

۱- اهداف تحقیق

به طور کلی اهداف این تحقیق با توجه به اهمیت موضوع و بیان مساله و سئوالات تحقیق به شرح زیر می باشد:

۱- شناسایی موانع تنگناهای موجود و تاثیرگذار بر استفاده مدیران در تصمیم گیری ها از اطلاعات

حسابداری مدیریت

۲- اولویت بندی هر یک از عوامل شناسایی شده و تاثیر آن در تصمیم گیری مدیران

۲- شناسایی موانع و تنگناهای موجود و تاثیرگذار بر عدم استفاده مدیران در تصمیم گیری ها از اطلاعات حسابداری مدیریت

با توجه به عدم استفاده مدیران از اطلاعات در جهت برنامه ریزی، کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری مدیران سه شاخص مطرح می گردد (انصاریان - ۱۳۸۳ - ۲۸)

۱- شاخص های فنی (مدیران کارکنان)

عنوان حسابداری مدیریت مفاهیم و شاخص های کلیدی محدوده حسابداری مدیریت را در سه شاخص عمده فنی، رفتاری و فرهنگی تعریف می نمایند.

یکی از مهمترین عوامل رشد و بقای واحدهای اقتصادی داشتن مدیران لایق و کارآمد می باشد که باید با استفاده بهینه از منابع حداکثر کارایی را ایجاد نمایند مدیرانی که برای حصول به این هدف بتوانند برنامه ریزی های دقیق داشته باشند و از طریق کنترل منابع، ارزیابی عملکرد بتوانند هنگام برخورد با وقایع پیش بینی نشده بهترین تصمیم را اتخاذ نمایند. در این راستا مهمترین ابزار یاری دهنده ایشان اطلاعات می باشد که به طور حتم بخش اعظم این اطلاعات را حسابداری تهیه و در اختیار مدیریت قرار می دهد. حسابداری مدیریت دانشی است که از طریق بکارگیری روش های عملیاتی موثر در فرآیند پردازش داده های مالی (تاریخی - جاری - آینده) یک واحد اقتصادی از یک سو مدیریت را در مسیر برنامه ریزی مناسب برای دستیابی به هدف های کنترل منابع و ارزیابی عملکرد، یاری می دهد و از سوی دیگر شرایط تصمیم گیری منطقی را برای دستیابی به هدف های مقرر فراهم می کند به بیان دیگر حسابداری مدیریت فرآیند تدارک و پردازش اطلاعات برای برنامه ریزی - کنترل - ارزیابی و تصمیم گیری است. از این رو نظام حسابداری مدیریت در برگزیده روش های جمع آوری داده ها - ترکیب و تحلیل آنها و ارائه اطلاعات مربوط به مدیران برای تصمیم گیری جامع و معمول و بررسی شرایط خاص است. در بررسی اولیه از شرکت ها مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت جهت برنامه ریزی، کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری استفاده نمی نمایند. مهمترین دلایل عدم استفاده آنها از اطلاعات حسابداری به عوامل فنی، رفتاری و فرهنگی نظیر: میزان آگاهی و اعتقاد مدیران موسسات و شرکت ها نسبت به استفاده از اطلاعات حسابداری مدیریت در تصمیم گیری - برنامه ریزی و کنترل، دانش نظری و تخصصی مسئولان مالی در جهت استفاده از سیستم حسابداری، میزان اجبار و الزام به استقرار سیستم حسابداری مدیریت بستگی دارد لذا این تحقیق درصدد آن است که این عوامل موثر در عدم استفاده از اطلاعات حسابداری توسط

۲- شاخص های رفتاری

۳- شاخص های فرهنگی

الف) شاخص های فنی مربوط به عدم استفاده مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت شامل:

۱- آشنا نبودن مدیران با مفاهیم و تکنیک های حسابداری مدیریت

یکی از مهم ترین دلایل عدم استفاده از سیستم حسابداری مدیریت آشنا نبودن مدیران موسسات، با مفاهیم و روش های حسابداری مدیریت می باشد، بنابراین اغلب

مدیران به دلیل داشتن اطلاعات ذهنی زیاد اهمیت و اعتبار کمتری برای اطلاعات حسابداری قائلند به طور خلاصه کمتر زمانی یافت می شود که بتواند بدون داشتن اطلاعات قابل اتکای حسابداری به فعالیت خود ادامه دهد و یا در بازارهای جهانی و پر رقابت امروزی پیشرفت کند (شاهنگ ۱۳۷۸-)

۸) لذا توسعه کاربردی سیستم های حسابداری مدیریت مستلزم آموزش مدیران موسسه های اقتصادی در زمینه برنامه ریزی کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری است (جوادی جادو-۱۳۷۸-۳۰).

۲- عدم تمایل مدیران نسبت به الگوبایی سیستم های موفق

در سال های اخیر صاحب نظران اعتقاد پیدا کرده اند که سیستم های حسابداری مدیریت باید به نحوی طراحی شود که در مرحله اول اطلاعات مالی مورد نیاز مدیریت را جهت برنامه ریزی دقیق و به موقع فراهم کند. با توجه به این که استفاده از اصول استانداردها و میثاق های پذیرفته شده در حسابداری مدیریت امکان پذیر نیست، اما صاحب نظران این رشته و کارگزاران آن عقیده دارند که می توان از الگوهایی که در موسسه های موفق برای طراحی سیستم های اطلاعاتی حسابداری مدیریت به کار رفته است، استفاده نمود، لذا این

تجارب موفق به تدریج موجبات تدوین استانداردها و رهنمودها را فراهم می آورد حتی باید تجربیات ناموفق اشتباهاتی را که سایر کشورها انجام داده اند باز شناخت و از انجام دادن آن دوری جست. شرکت جنرال موتورز اکنون هزینه دستمزد مهندسان خود را بر اساس تعداد تولید در دوره مالی بیش از یکسال سرشکن می کند، استدلال موسسه یاد شده در این کار این است که یک مدل مهندسی که به وسیله مهندسان طراحی می شود دست کم تا ۵ سال مورد استفاده قرار می گیرد، در نتیجه هزینه سیستم مهندسی مربوطه را بر میزان تولید در دوره استفاده از مدل مربوطه

سرشکن می کنند همین مثال نشان می دهد که دست کم در موارد بی شماری هزینه های سربار و ساعات های کارکنان هیچ ارتباطی با هم ندارند بررسی همین روش می تواند تاثیر بسزایی در برنامه ریزی های انجام شده برای محصولات، ارزیابی عملکرد کارکنان و سازمان، کنترل منابع و

استفاده از تکنیک های موجود در حسابداری و ادغام آن با علوم کامپیوتر، کمک خواهد کرد تا عامل یا عوامل محدود کننده، به درستی و به دقت شناسایی شود و استنتاج های لازم با ضریب اطمینان های بیشتری انجام شود

تصمیم گیری های آتی داشته باشد (جوادی جادو-۱۳۷۸-۱۳).

۳- تغییرات و جایجایی زود هنگام مدیران

نگهداری کارکنان سازمان ها به ویژه نگهداری مدیران ابعادی وسیع تر از ارتباط دادن انسان با حقوق و مزایای دریافتی، یا تامین بهداشت و ایمنی در محیط کار دارد همچنین نباید تصور شود که توقعات کارکنان در همه جا و در هر فضای کاری یکسان است و به راحتی می توان این توقعات را تشخیص داد (میر سپاسی - ۱۳۸۰-۲۷۸)

بهترین جنبه اهمیت نگهداری مدیران مربوط به موارد تقویت کننده روحیه و حفظ شئون انسانی کارکنان است که این عوامل عمدتاً جنبه روانی، معنوی، ارزشی، اقتصادی، می باشد با توجه به نکات ذکر شده ملاحظه می شود نگهداری منابع انسانی نسبت به گذشته ابعاد جدیدتری پیدا کرده است و طبعاً نباید این طور تصور شود که ابزار نگهداری

(نیری - ۱۲۲-۵۹).

از سال ۱۹۶۰ تحقیقات حسابداری مدیریت توجه خود را به تجزیه و تحلیل برنامه ریزی کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری در مورد جنبه های اقتصادی حسابداری مدیریت معطوف نموده است (ظروفچی - ۸۹-۷۲)، لذا تا زمانی که کارکنان آشنایی با روش های حسابداری نداشته باشند، نمی توانند اطلاعات حسابداری مدیریت را خوب ارزیابی نمایند.

۲- عدم ارتباط متقابل مدیران و کارکنان

ارتباطات فرآیندی محوری در تبادل اطلاعات بین اعضای سازمان می باشد که تعاملات قسمت های مختلف را برقرار می کند بنابراین یک ابزار موثر در هماهنگ سازی و کاربرد اثربخش منابع انسانی تلقی می شود که با استفاده از این منبع عمده، در کنار سیستم انگیزشی، مدیریت می تواند تدابیر لازم در ایجاد و تقویت ارتباطات در راستای برنامه ریزی مناسب و سازمان و جامعه اتخاذ نماید. متأسفانه به علت غیر ملموس بودن اثر ارتباطات در بهبود روابط انسانی، تامین رضایت کارکنان و افزایش اثربخشی و کارایی، برنامه ریزی کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری مدیران به آن توجه کافی نمی شود در حالی که اغلب سوء تفاهمات و اختلافات بی جهت در بین همکاران، ناشی از نبودن یک سیستم ارتباطات صحیح عرضی و طولی در سطوح مختلف سازمان می باشد. اجرا نشدن دستوراتی که به زعم دستور دهنده صحیح و منطقی است و یا درک دستورات به طور اشتباه و اجرای آن توسط مجریان که در نهایت، منجر به زیان سازمان و کارکنان آن می شود، معلول نا آگاهی متقابل و نقص ارتباط صحیح بین رئیس و مرئوس می باشد از طرف دیگر اطلاع از خواست ها و دریافت نظرات کارکنان و انتقال نظریات مدیران به آنها تنها در سایه یک سیستم ارتباطی صحیح امکان پذیر است (میرسپاسی - ۱۳۸۰-۳۵۹).

از مهمترین مسائلی که موجب می شوند مدیران نتوانند از اطلاعات حسابداری مدیریت در برنامه ریزی کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و نهایتاً تصمیم گیری استفاده کنند

افراد در سازمان صرفاً حقوق و مزایای مادی است. بنابراین بسیاری از مسائل جابجایی به علت سوء تفاهم و بدفهمی ایجاد می شود که این امر بدلیل نبود عوامل فنی در برنامه ریزی، کنترل منابع، ارزیابی عملکرد در تصمیم گیری مدیران ایجاد می شود (رابینز - ۱۳۷۸-۶۱۸).

ب) شاخص های فنی مربوط به کارکنان در عدم ارائه اطلاعات حسابداری مدیریت

۱- عدم آشنایی حسابداران با روش های حسابداری

با آنکه دانش و تکنولوژی اطلاعات در عصر حاضر به مقوله ای تحت عنوان عامل تحول تبدیل شده است اما نیاز به اطلاعات همزاد آدمی و برقراری ارتباط لازمه زندگی اجتماعی است در پاسخ به این نیاز فزاینده بود که دانش، تکنیک و وسایل پردازش اطلاعات و ارتباطات، در گذر زمان رو به توسعه و تکامل گذاشت. تحول در عرصه ماشین های مکانیکی در اوایل دهه ۱۹۵۰ موجب ابداع روش ها و زبان های برنامه نویسی گردید. در واقع استفاده از کامپیوتر در امور مالی و حسابداری عملیات ملال آور و تکراری دفترداری را به حداقل خود رسانید و موجبات برنامه ریزی کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری را به نحو مطلوب فراهم آورده است (جوادی جادو - ۱۳۷۸-۲۳). نگرش های مدیریت و الگوهای تصمیم گیری تحت تاثیر استفاده از تکنیک ها و ابزار کمی مانند برنامه ریزی خطی، آنالیز احتمالات و تئوری های تصمیم گیری تغییر یافته است استفاده از این گونه ابزارها در تصمیم گیری های روزمره امروزی گریزناپذیر است (فخاریان - ۱۳۷۸-۲۴).

امروزه نقش و تاثیر متقابل علوم بر کسی پوشیده نیست و دیگر نمی توان شاخه ای از علوم را بطور مجزا و بدون تاثیرگیری و یا کمک گیری از سایر شاخه های علوم و به صورت مجرد، مورد استفاده قرار داد این امر در خصوص پیش بینی های لازم برای بودجه بندی نیز صادق است. در اینجا استفاده از تکنیک های موجود در حسابداری و ادغام آن با علوم کامپیوتر، کمک خواهد کرد تا عامل یا عوامل محدود کننده، به درستی و بدقت شناسایی شود و استنتاج های لازم با ضریب اطمینان های بیشتری انجام شود

(مام بیگی - ۱۳۸۰-۷۲).

استفاده بهینه از اطلاعات ارائه شده توسط حسابداری مدیریت نه فقط مدیری متعهد به سبک تصمیم گیری بر مبنای اطلاعات را طلب می کند بلکه نیازمند محیطی است که در آن همه رفتارها و کردارها قانونمند و روشمند و هدفمند باشد (استحقاری - ۱۳۷۸-۲۷).

نقش اطلاعات حسابداری نیز همانند سایر اطلاعات افزایش دانستنی ها و یا کاهش احتمال اشتباه است برخلاف اطلاعات ذهنی اطلاعات حسابداری کمی و قابل رسیدگی است و اغلب کمک موثری به مدیران تصمیم گیرنده می کند از آنجا که بیشتر تصمیمات مدیران تبعات مالی دارد بنابراین نظام اطلاعات حسابداری به دلیل اهمیت نقش اطلاعات مالی بر تصمیم گیری از اهمیت بیشتری در مقایسه با سایر سازمان های اطلاعاتی برخوردار است اگر اطلاعات، صحیح، دقیق، به روز و به موقع به نحو صحیح ارائه شود سازمان به اهداف خود برای تصمیم گیری های بهینه، دست خواهد یافت بنابراین مدیران برای انجام وظایف خود در سازمان مجبورند به کرات تصمیم گیری نمایند و می بایست بر حسب اطلاعات ارائه شده بهترین راه حل های ممکن را شناسایی نمایند. با توسعه تکنولوژی ها و ایجاد تغییر و تحول در سیستم های تولید، سازمان ها با چنان پیچیدگی و تغییرات شدید روبرو شده اند که مدیران نمی توانند با اتکاء به تجربیات شخصی و فنی منعکس شده از حسابداری به وظایف خود به نحو احسن عمل نمایند سیستم اطلاعاتی حسابداری مدیریت با هدف کمک به مدیریت در امر برنامه ریزی کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری به وجود آمده و همگام با گسترش پیچیدگی سیستم تولید، رشد و گسترش یافته است، موفقیت حسابداری بستگی به این دارد که بتواند با ارائه اطلاعات حسابداری درست، تصمیم گیری مدیران را بهبود بخشد (بهرام فرد رسولی - ۱۳۷۷-۸۷).

همچنین عدم برخورداری از ویژگی های کیفی اطلاعات نیز، می توانند در میزان استفاده مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت در تصمیم گیری ها موثر واقع شود زیرا اطلاعاتی که فاقد ویژگی های کیفی قابلیت مقایسه، به موقع بودن، مربوط بودن و قابلیت اتکاء نباشد در عمل کاربردی نخواهد داشت

عادت های رفتاری حسابداران است، که از گذشته های دور در نظام بروکراسی ایران برجامانده است و آن این که حسابداران خودشان را از مدیرانشان جدا می دانند آنها در بهترین شرایط گزارشی حاوی یک دسته اعداد و ارقام تهیه می کنند، بدون اینکه تلاشی در زمینه کاربرد آنها نمایند و یا توضیح کافی در مورد آنها بدهند و یا تجزیه و تحلیل کافی در مورد آنها ارائه دهند. بدون شک در این شرایط مدیران با یک دسته اعداد و ارقامی که جهت برنامه ریزی گویا نیستند و برای کنترل منابع تجزیه و تحلیل نشده اند و یا اصطلاح هایی ناآشنا، روبرو می شوند و کم کم به ضرورت آنها در جهت ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری نیز تردید خواهند کرد (جوادی جادو - ۸۹-۲۷).

ارتباطات متقابل بدون داشتن هیچ گونه ابهام و یا صمیمیتی موجب می شود تا مدیران کارکنان و اعضای سازمان را افرادی زنده به حساب آورند و به نیازهای آنها توجه نمایند و برای آنان ارزش قائل شوند (رایینز - ۱۳۷۸-۶۰۵).

ارتباط متقابل مدیران موجب می شود، تصویری واقعی از نوع کارهایی که فرد جهت برنامه ریزی های آتی باید انجام دهد ارائه شود و بدین وسیله از ابزار ارتباطی بخوبی استفاده شود (همان مآخذ - ۶۱۸).

۳- عدم ارائه گزارشات اساسی و به موقع برای تصمیم گیری توسط واحد حسابداری

از مهم ترین اشکالات مدیران تصمیم گیری بر اساس مدارک ناقص است که این به چند علت می باشد:

نخست آنکه هدف ها استراتژی ها، برنامه ها و سیاست های شرکت جهت تصمیمات آتی به صورت متفکرانه و به روشنی تعیین نمی شوند که بتوان به عنوان چارچوبی در تصمیم گیری ها استفاده کرد. دیگر این که نبود کارمندان متخصص به تعداد کافی، برای کارهای تحلیلی و تحقیقی که لازمه تصمیم گیری های درست می باشد، بهای اندک به مساله تحقیقات و سرانجام بسیاری از مدیران آن قدر خود را مشغول کارهای اجرایی می کنند که نه وقت و نه تمایل آن را دارند که به مسائل تکنولوژی اقتصادی سیاسی و سایر عوامل سازمانی که بر مساله تصمیم گیری تاثیر می گذارد بپردازند

منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم‌گیری را به میل خود بهبود و افزایش دهند از طریق فراهم آوردن وسایل و فرصت‌هایی به منظور افزایش اطلاعات (تشکیل کارگاه راه‌اندازی همایش و آموزش‌های ویژه) می‌توان آنان را به پاداش‌های مورد نظر خود رسانید (همان مآخذ-۴۱۸).

دارا بودن انگیزه کار و جهت‌دهی به انگیزه‌های سالم یکی از مهمترین ضروریات کاربرد نیروی انسانی است (میرسپاسی-۱۳۷۸-۳۶۱).

انگیزه‌ها، هدف‌ها و شرایط محیطی مهمترین عوامل موثر بر رفتار سازمانی هستند که در مقوله شرایط محیطی، استراتژی‌های داخلی و خارجی نقش اساسی ایفاء می‌کنند رفتار سازمانی را ساختار سازمان و دیدگاه هدف مدار مدیریت تشکیل می‌دهد و در این شکل‌پذیری، ارزیابی و تحلیل مالی و حسابداری و ابزارهای کنترل اقتصادی با توجه به این دیدگاه نقش اساسی را بازی می‌کنند.

۲- عدم گرایش به روحیه همبستگی گروهی

بالاترین مقام اجرایی شرکت در انگلستان معمولاً مدیرعامل نامیده می‌شود از طریق رئیس هیات مدیره در برابر هیات و در برابر انجام مسئولیت‌های محول، نظیر مسئولیت اجرایی برنامه ریزی کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم‌گیری و سیاست‌ها و آئین‌نامه‌های آینده شده از جانب هیات مدیره مسئول شناخته می‌شود هرچند بسیاری از شرکت‌های انگلیسی یک مسئول اجرایی به تنهایی انتخاب نمی‌کنند و این وظیفه بین چند تن از معاونان و رئیس هیات مدیره و... تقسیم می‌شود. در کلیه شرکت‌هایی که فاقد انسجام لازم همبستگی باشند دیر یا زود شرکت‌ها با مشکل جدی مواجه خواهند شد به خصوص در شرایط رقابتی و زمانی که شرکت از نظر سوددهی وضعیت خوبی ندارند این وضعیت بحرانی تر است، لذا کنترل عملیات و وظایف با مشکل جدی مواجه خواهد شد (مام بیگی - ۱۳۸۰-۷۸).

کار گروهی موجب افزایش بازدهی و تولید می‌شود و موجب هم‌افزایی و بهبود فعالیت سازمان می‌شود ایجاد همبستگی و کار گروهی موجب افزایش رضایت شغلی می‌شود افراد نیاز به روابط اجتماعی دارند و کار گروهی موجب افزایش روابط

همچنین تنوع در ارائه گزارشات نیز می‌توانند مدیران را در استفاده از اطلاعات یاری دهد اگر سیستم حسابداری مدیریت قادر به ارائه گزارش‌های متنوع در سازمان نباشد موجب عدم استفاده بهینه در تصمیم‌گیری خواهد شد.

شاخص‌های رفتاری مربوط به عدم استفاده مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت شامل:

۱- عدم توجه به ایجاد سیستم‌های انگیزش رفتاری، تشویق، تنبیه

انگیزش عبارت است از نتیجه رابطه متقابل (تعامل) فرد با موقعیت یا وضعیتی که در آن قرار می‌گیرد. بدیهی است که افراد از نظریویایی انگیزشی با هم متفاوتند بنابراین به هنگام تجزیه و تحلیل مفاهیم انگیزشی نباید فراموش کرد که سطح یا میزان انگیزش بین دو نفر (وحتی یک نفر) در زمان‌های متفاوت فرق می‌کند. (رابینز-۱۳۷۸-۳۲۵)

اصولاً افراد متخصص، از افراد غیر حرفه‌ای متفاوتند آنها نسبت به سازمان‌ها با توجه به رشته تخصصی خود در بلندمدت احساس تعهد شدیدی می‌نمایند (وفاداری آنان بیشتر به حرفه است، در مقایسه با وفاداری به کارفرما). برای برنامه ریزی‌های جدید و به روز بودن باید مرتب آموزش‌های جدیدی را فراگیرند. تعهد به حرفه یا تخصص بدین معنی است که فرد متخصص کار هفتگی خود را پنج روز و روزانه بین هشت صبح تا پنج بعد از ظهر می‌داند، بنابراین چه چیز موجب افزایش انگیزه کارکنان متخصص و حرفه‌ای می‌شود؟ افراد متخصص به پدیده همیاری و کمک دیگران ارزش زیادی می‌دهند آنها می‌خواهند که دیگران هم مانند آنان بیاندیشند و برای جنبه‌هایی اهمیت قائل شوند که آنها به آن اهمیت می‌دهند این امر در مورد همه افراد متخصص صادق است زیرا آنها بیشتر به کار توجه می‌کنند و آن را در کانون و مرکز علاقه و زندگی خود قرار می‌دهند بنابراین اگر کسی بخواهد موجبات انگیزش افراد متخصص را فراهم آورد باید به این دیدگاه‌ها توجه نماید و باید همواره این افراد را به انجام طرح‌هایی گماشت که چالشگر یا هم‌آورد طلب باشد، به آنان آزادی و استقلال عمل زیادی داد تا آنطور که خود صلاح می‌دانند کار را سازماندهی نمایند و برنامه ریزی کنترل

متقابل افراد می‌شود و از عضویت در گروهی که در آن مشغول هستند احساس رضایت می‌کنند، این احساس رضایت موجب کاهش تنش و لذت بردن از کار می‌شود و موجب سهولت دسترسی به تحقق هدف می‌شوند از طرف دیگر به علت احساس تعهد نسبت به گروه، هدف‌های فردی را فدای هدف‌های گروهی می‌کنند (رابینز-۱۳۷۸-۵۶۶). در استفاده موثر از اطلاعات حسابداری توسط مدیران به این شاخص باید توجه شود. شاخص‌های فرهنگی مربوط به عدم استفاده مدیران از اطلاعات حسابداری شامل:

۱- نداشتن روحیه نوآوری فردی و اخلاقیت

مهمترین مساله حساس پیش روی مدیران در جامعه فرهیخته نوآوری و پیشتازی می‌باشد. دانش با شتاب دگرگون می‌شود و همواره چنین بوده است اما آنچه تازه است این که، دگرگونی‌های آن اینک با اهمیت می‌باشد در جامعه حرفه‌ای که تا نیمه‌های سده نوزدهم پابرجا بود دگرگونی‌های عمده شاید هر ۸۰ سال یکبار اتفاق می‌افتاد. نوآوری نظام یافته عبارت از جستجو در پی دگرگونی‌های هدفدار و سازمان یافته‌ای می‌باشد که در سایه تجزیه و تحلیل نظام یافته فرصت‌ها ممکن است نوآوری‌های اقتصادی و اجتماعی را به بار بیاورد (دراکر-۱۳۷۸-۴۴۶).

نوآوری نظام یافته این علاقه‌مندی را می‌طلبد که دگرگونی‌ها را به چشم فرصت‌های مناسب بنگریم. نوآوری خود به وجود آورنده دگرگونی نمی‌باشد. نوآوری در صورت پیروزی ممکن است اختلاف‌های ژرفی با گذشته به وجود آورد نوآوری‌های پیروزمند از دگرگونی‌ها بهره‌بردار می‌کنند ولی با فشار، تغییرات را تحمیل نمی‌کنند بسیاری از موانع و مشکلاتی را که بعنوان یک مدیر احساس می‌کنیم سد راه پیشرفت و موفقیت سازمان است در واقع عدم وجود تکنیک‌ها و امکانات فیزیکی نیست بلکه ریشه در باورها و ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی دارد مهمترین اصل جهت تشریح فرآیند نوآوری این است که مدیران ابتدا باید خود را تغییر دهند و سپس بتوانند سازمان را تغییر دهند.

در گذشته مدیر کسی بود که می‌توانست کار زیردستان را از همه بهتر انجام دهد ولی دگرگونی‌ها آن چنان با سرعت رخ

می‌دهند که دیگر هیچ کسی نمی‌تواند همه چیز دان باشد امروزه وضع چنین است که تنها با گذشت یک سال مدیر بسیار کمتر از کارمند خودش از آنچه وی انجام می‌دهد شناخت کامل دارد، که اگر این را نپذیریم مایه دردسرفراوان می‌شود. مدیرانی که سنتی می‌اندیشند نمی‌خواهند آسیب‌پذیری خود را با دیگران قسمت کنند یکی از بهترین صحبت‌های مدیران به کارکنان پذیرش ناآگاهی و آسیب‌پذیری است به اینگونه آنان علاقه مند می‌شوند عقاید خود را بی‌پرده در اختیار مدیران قرار دهند و تجربه‌هایشان را عرضه کنند و مدیر نیز به رهبری خوشرو و پشتیبان و تشویق‌کننده تبدیل می‌شود. مدیران گاهی سردرگم و هراسناک از راه دور می‌شوند که اگر درست با مسائل برخورد کنند اعتماد می‌آفرینند و دیگران رادار راه‌یادگیری و رشد تقویت می‌کنند و موجبات افزایش عملکرد کارکنان را فراهم می‌آورد (بلانچارد-۱۳۸۰-۱۴۳). لذا توجه نداشتن به این شاخص فرهنگی، مدیران به خوبی نمی‌توانند از اطلاعات حسابداری مدیریت استفاده نمایند.

۲- نداشتن روحیه تحمل مخاطره و تعارض

”مدیران غالباً” به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی تعارضات میان فردی مهم، نتیجه نواقص شخصیتی هستند آنان به افرادی که به طور مکرر درگیر تعارض اند عنوان مشکل‌آفرینان یا سیب فاسد می‌دهند و تلاش می‌کنند تا به عنوان راه حل تعارض آنان را منتقل یا اخراج کنند.“

این گفته از نتایج بررسی‌های تاننوم و واشمیت (۱۹۶۵) در مورد ارزیابی‌های عملکرد صورت گرفته است این تحقیق نشان می‌دهد که مدیران عموماً عملکرد ضعیف را به نواقص شخصیتی کارکنان نظیر تنبلی، فقدان مهارت یا فقدان انگیزه نسبت می‌دهند در عین حال موقعی که از کارکنان در مورد علل عملکرد ضعیف آنان پرسیده می‌شود عموماً آن را به مشکل محیطی، فقدان برنامه‌ریزی‌های صحیح و عرضه ناکافی منابع و همکاری‌ها که همکاری نمی‌کنند نسبت می‌دهند. در مقایسه این عوامل مهمترین منابع عبارت است از: تفاوت‌های فردی کمبود اطلاعات ناسازگاری نقش و فشار محیطی (دیویدای و تن کیم اس کمرون-۱۳۸۱-۱۳).

اوایل سال ۱۹۰۰ توسعه پیدا کرد در حالی که تا سال های پایانی دهه ۵۰ حسابداری سنجش مسئولیت مورد توجه قرار نگرفته بود. در این زمان بود که بتدریج حسابداری سنجش مسئولیت و تاثیر آن بر رفتار نیروی انسانی مورد توجه قرار گرفت و تحقیق در زمینه بررسی ارتباط بین علوم رفتاری و حسابداری مدیریت توسعه پیدا کرد، به ویژه پژوهش های هافستد (۱۹۶۸)، هاپ ود (۱۹۷۲)، واتلی (۱۹۷۸) نشان داد که کنترل بودجه ایی فرآیند سازمانی پیچیده ایی است که نیازمند توجه کافی به ارتباط نزدیک میان فرآیندهای کمی و واکنش های انسانی است (ظروفچی - ۱۳۷۸-۸۰). لذا توجه نداشتن به این شاخص فرهنگی، مدیران به خوبی نمی توانند از اطلاعات حیابداری مدیریت استفاده نمایند. با توجه به شاخص های فنی، رفتاری و فرهنگی ارایده شده در عدم استفاده از اطلاعات حسابداری مدیریت توسط مدیران فرضیه های تحقیق به شرح زیر ارایه می گردد.

۳- فرضیه های ارائه شده در تحقیق

با توجه به شناسایی موانع و تنگناهای موجود و تاثیر گذار بر عدم استفاده مدیران در تصمیم گیری ها از اطلاعات حسابداری مدیریت فرضیه های زیر مطرح می گردد تا اطلاعات بر مبنای آنها جمع آوری و سپس نسبت به تایید یا رد فرضیه ها اقدام گردد.

فرضیه ۱:

مهمترین عامل عدم استفاده مدیران از اطلاعات حسابداری مدیریت، نبود شاخص های فنی می باشد. شاخص های فنی شامل دو قسمت به شرح زیر می گردد.

الف - شاخص های فنی مربوط به مدیریت در عدم استفاده اطلاعات حسابداری مدیریت شامل:

۱- آشنا نبودن مدیران با مفاهیم و تکنیک های حسابداری مدیریت

۲- عدم تمایل مدیران نسبت به الگویابی سیستم های موفق

۳- تغییرات و جابجایی زود هنگام مدیران

ب - شاخص های فنی مربوط به کارکنان در عدم ارائه

اطلاعات حسابداری مدیریت مربوط شامل: ادامه در صفحه ۶۴

مدیران باید با نشان دادن علاقه و توجه واقعی خود، از طریق برنامه ریزی صحیح راهی برای حل مساله و تصمیم گیری به طور مشترک ایجاد کنند. مواقعی که شخص مشکل یا شکایتی را مطرح می کند با آن شکایت از روی بی علاقهی برخورد نشود اگرچه این امر ممکن است بسیار بدیهی به نظر آید ولی غالباً دشوار است. در عین حال عصبانی شدن و برافروختگی احساسی می تواند برای حل مساله بسیار زیان آور باشد. تعارض موضوعی دشوار و جدلی است که در فرهنگ ما مفاهیم ضمنی منفی دارد. ما برای مرادده با افراد از راه دوستی و رفاقت ارزش بالایی قائلیم. اگرچه بسیاری از افراد ارزش تعارض را به صورت ذهنی درک می کنند ولی هنگام مواجه با آن احساس ناراحتی می کنند که ناراحتی آنان ممکن است به علت درک نکردن فرآیند تعارض و نیز فقدان آموزش در مورد نحوه برخورد با تعارض باشد (همان مآخذ-۵۹). لذا توجه نداشتن به این شاخص فرهنگی مدیران، به خوبی نمی توانند از اطلاعات حسابداری مدیریت استفاده نمایند.

۳- نداشتن روحیه مسئولیت پاسخگویی

در یک تحلیل نهایی می توان گفت صفت مشترک تمام مدیران موفق توانایی آنها در قبول مسئولیت پاسخگویی است. رهبران موفق می توانند از هر چیز دست بکشند جز مسئولیت نهایی خویش (ماکسول - ۱۳۸۱-۱۳۵).

طی دهه های گذشته مدیران شرکت ها (به دلیل کمبود منابع در اختیار) تاکید داشته اند که خواستار نظامی برای کنترل فعالیت های کل شرکت برای برنامه ریزی کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری، هستند با توجه به این که مبنا و معیار کنترل، داشتن برنامه و بودجه است بدیهی است که مدیران خود باید در تنظیم آن بیشترین نقش را بر عهده بگیرند و مشارکتی فعال داشته باشند. اصولاً کنترل بدون وجود برنامه مفهومی ندارد بنابراین اولین مرحله در استقرار کنترل داشتن اهداف، برنامه ها و تعریف آنها و قبول مسئولیت فعالانه مدیران عالی شرکتها را طلب می کند (جوادی جادو- ۸۹-۹).

هزینه یابی استاندارد و فنون کنترل های بودجه ایی نیز از

کاربرد هزینه یابی بر مبنای فعالیت^۱ در مؤسسات آموزشی عالی

رافیک باغومیان^۲

چکیده

آوردن چنین نظامی، بدون شک تنها با ایجاد یک سیستم اطلاعاتی حسابداری کامل و اثربخش میسر خواهد شد. در این مقاله تلاش شده است تا یکی از کاربردهای اصلی سیستم اطلاعاتی حسابداری در محاسبه بهای تمام شده انواع فعالیت‌ها در مؤسسات آموزش عالی کشور معرفی و با ذکر مثالی؛ حداقل زمینه فکری به کارگیری چنین



به موجب ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ دانشگاه‌ها صرفاً بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاصی که به تصویب هیأت‌های امنای مربوط می‌رسد و مورد تأیید وزیر ذیربط قرار می‌گیرد، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، استخدامی کشوری و سایر قوانین و مقررات

روش‌های محاسبه‌ای در دانشگاه‌ها فراهم آید.

عمومی، اداری، مالی و استخدامی؛ اداره می‌شوند.

مقدمه

به موجب ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ دانشگاه‌ها صرفاً بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاصی که به

با استفاده از این فرصت پیشروی، دانشگاه‌ها باید از یک سو پاسخگوی نیازهای اجتماعی باشند؛ امری که خود مستلزم بازنگری در رشته‌های تحصیلی بر اساس بازار کار است و از سوی دیگر، باید یک نظام اداری مبتنی بر مدیریت علمی، پرتحرک، کم هزینه و کارا در آنها شکل گیرد. به وجود

امری عادی به شمار می آید و علاوه بر این، به رغم معرفی مداوم محصولات جدید، مدیران رغبتی برای تعطیل کردن خطوط تولید محصولات زیانده و غیر قابل عرضه؛ از خود نشان نمی دهند. از این گذشته، استفاده از شیوه های منسوخ شده قدیمی و دیوانسالاری موجود در شرکت مذکور، موجب ناکارایی امور و به وجود آمدن ضایعات شده است. در نتیجه، زمان لازم برای تکمیل هر واحد محصول که در گذشته چهار سال طول می کشید، اکنون به پنج سال و یا حتی بیشتر نیز رسیده است.

در این شرکت، مدیران اطلاعاتی در مورد بهای تمام شده و هزینه های مربوط به محصولات تولیدی ندارند. آنان فرض می کنند که هزینه تولید کلیه محصولات یکسان است و به همین دلیل، محصولات را به قیمت های مشابهی برای فروش عرضه می کنند.

از سوی دیگر، بودجه بخش های مختلف شرکت بر اساس تعداد واحدهای تولید شده مشخص می شود و به رغم اهمیت کیفیت خدمات ارائه شده، مدیران بیشتر نگران کمیت محصولات تولید شده می باشند تا کیفیت آن. بدین ترتیب، بخش هایی که نمی توانند به بودجه تعیین شده تولید دست یابند، به اجبار بخشی از بودجه تخصیص یافته خود را به شرکت باز می گردانند. در شرکت مذکور، نرخ سالانه افزایش بهای تمام شده محصولات، بیش از نرخ تورم است و هزینه های اضافی، به مشتریان تحمیل می شود. همچنین، در حالی که مشتریان همواره نارضایتی خود را از افزایش قیمت ها و کاهش کیفیت خدمات ارائه شده ابراز می دارند، هیچ کس کوچک ترین توجهی به خواسته های آنان نشان نمی دهد. البته، این همه در حالی است که به رغم کلیه مسائل عنوان شده؛ شرکت هنوز به حیات خویش ادامه می دهد. آیا چنین شرکتی که قادر باشد تحت شرایط مذکور به فعالیت خود ادامه دهد، واقعاً میتواند وجود داشته باشد؟ پاسخ مثبت است، شرکت مزبور یک مؤسسه آموزش عالی می باشد.

می توان ادعا کرد که مؤسسات آموزش عالی هم اکنون از لحاظ مالی در شرایط آشفته و نامطلوبی قرار دارند. به عنوان شاهد مثال، به ذکر نمونه هایی از این آشفتگی

تصویب هیأت های امنای مربوط می رسد و مورد تأیید وزیر ذیربط قرار می گیرد، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، استخدامی کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی، اداری، مالی و استخدامی؛ اداره می شوند. اعتبارات هزینه ای از محل بودجه عمومی دولت و بر اساس بهای تمام شده به دانشگاه ها اختصاص می یابد و اعتبارات تخصیص یافته، کمک دولت تلقی می گردد. از سوی دیگر، کمک مذکور به دانشگاه های دولتی بر مبنای هزینه سرانه تعیین می شود.

با استفاده از این فرصت پیشروی، دانشگاه ها باید از یک سو پاسخگوی نیازهای اجتماعی باشند؛ امری که خود مستلزم بازنگری در رشته های تحصیلی بر اساس بازار کار است و از سوی دیگر، باید یک نظام اداری مبتنی بر مدیریت علمی، پرتحرک، کم هزینه و کارا در آنها شکل گیرد. به وجود آوردن چنین نظامی، بدون شک تنها با ایجاد یک سیستم اطلاعاتی حسابداری کامل و اثربخش میسر خواهد شد. در این صورت، می توان به پرسش های متعددی از جمله اینکه هزینه و منافع اجتماعی هر رشته تحصیلی چقدر است؟ بهای تمام شده هر دانشکده، هر رشته، هر استاد، هر دانشجو و هر واحد درسی چه مبلغی را تشکیل می دهد؟ آیا دوره های شبانه صرفه اقتصادی دارد؟ آیا حق التدریس استادان باید یکسان باشد؟ آیا سرمایه گذاری در فناوری آموزشی به صرفه است؟ پاسخ داد.

در این مقاله تلاش شده است تا یکی از کاربردهای اصلی سیستم اطلاعاتی حسابداری در محاسبه بهای تمام شده انواع فعالیت ها در مؤسسات آموزش عالی کشور معرفی و با ذکر مثالی؛ حداقل زمینه فکری به کارگیری چنین روش های محاسبه ای در دانشگاه ها فراهم آید.

ضرورت استفاده از روش های جدید در محاسبه بهای تمام شده

شرکتی را در نظر بگیرید که به تولید طیف گسترده ای از محصولات اشتغال دارد و بخش های مستقل و گوناگون آن، تقریباً کلیه تصمیم گیری های مربوط به ترکیب محصولات، اندازه هر گروه از محصولات^۱ و برنامه ریزی مربوط را انجام می دهند. وجود محصولات تکراری در بخش های مختلف،

آموزش عالی؛ آن را مورد استفاده قرار دهند (زیگفرید^۱ و همکاران، ۱۹۹۵).

در بریتانیا نیز تعدادی از دانشگاه ها برای اولین بار طی دهه ۱۹۹۰ از نظام هزینه یابی مذکور استفاده کرده اند که این امر، موجب مطلوبتر شدن مدیریت مالی منابع و تخصیص بهتر آنها شده است (کلین^{۱۱} و همکاران، ۱۹۹۹؛ میچل^{۱۲}، ۱۹۹۶).

اولین قدم در راه کاهش هزینه ها، اقدام به شناسایی فعالیت ها می باشد. بهای تمام شده فعالیت های لازم برای ارائه دروس گوناگون در یک کلاس و حتی بهای تمام شده ارائه یک درس در کلاس های مختلف؛ در مقایسه با یکدیگر تفاوت های عمده ای دارند. همچنین، رؤسا و مسئولین به دلیل نداشتن اطلاعات کافی از فعالیت ها و هزینه های مربوط، قادر به مدیریت مطلوب بهای تمام شده و تصمیم گیری های مرتبط با هزینه ها نمی باشند. علاوه بر این، افزایش حجم و پیچیدگی عملیات، موجب افزایش بهای تمام شده دروس و دوره های تحصیلی می شود. برای نمونه، پژوهش دی هیز^{۱۳} و لوورینیک^{۱۴} (۱۹۹۴) نشان می دهد که پس از استقرار نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت، ممکن است معلوم شود که هزینه های برگزاری یک دوره تحصیلی؛ بیش از سه برابر شهریه دریافتی از دانشجویان بوده است.

کسب موفقیت در حوزه آموزش عالی، مستلزم ارزیابی موشکافانه فعالیت های آموزشی و فعالیت های پشتیبانی مربوط است. در این راستا، مؤسسات آموزش عالی باید به دنبال روش هایی باشند که ضمن جلوگیری از افت کیفیت خدمات ارائه شده، موجب افزایش اثربخشی و کارایی فعالیت ها می شود.

روش شناسی نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت

نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت، یک روش شناسی حسابداری است که موجب برقراری ارتباط میان عوامل ذیل می شود:

– هزینه ها

در واحدهای تولیدی، هزینه ها به دو دسته هزینه های تولیدی^{۱۵}، یعنی هزینه های مربوط به ساخت محصول و هزینه های دوره^{۱۶}؛ یعنی هزینه هایی که در دوره وقوع به

دانشگاه های مستقر در تهران اکتفاء می شود. کمبود رایانه، برنامه های نرم افزاری، خطوط مخابراتی، فقدان وسایل کمک آموزشی، کمبود و نبود دفاتر مناسب برای استادان و دانشجویان دکتری، حق التدریس های معوق به خصوص برای راهنمایی رساله های دوره دکتری، کمبود منابع مالی برای فعالیت های تشکل های دانشجویی (علمی و فرهنگی)، حقوق کم کارکنان اداری و... تنها بخشی از مسائل و مشکلات موجود به شمار می آید. از سوی دیگر، عواملی مانند افزایش هزینه ها، کاهش منابع، نارضایتی دانشجویان و مطرح شدن مباحثی مانند ایفای مسئولیت پاسخگویی؛ مؤسسات آموزش عالی را وادار می سازد تا برای مدیریت هزینه های خود، از روش های مطلوب تری استفاده کنند. این در حالی است که پیش از این، صنایع تولیدی تحت چنین فشارهایی قرار داشتند. البته، آنها توانستند با استفاده از ابزار و روش هایی از قبیل هزینه یابی بر مبنای فعالیت، مهندسی مجدد فرایند^{۱۷}، مهندسی همزمان^{۱۸} و مدیریت جامع کیفیت؛ در مواردی مانند محاسبه بهای تمام شده، ساده سازی محصولات و فرایندها، حذف ضایعات، صرفه جویی در هزینه ها، کاهش زمان تأخیر در تولید^{۱۹}، بهبود کیفیت، ایجاد ارزش افزوده^{۲۰} و جلب رضایت و وفاداری مشتریان، به پیشرفت های خوبی دست یابند. بدین ترتیب، می توان ادعا کرد که در سالیان آتی، مؤسسات آموزش عالی نیز به منظور حل مشکلات گریبانگیر خود، به استفاده از راه حل های مذکور یا مشابه آن؛ روی خواهند آورد.

از میان ابزار و روش های مطرح شده، نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت معمول ترین روشی بوده که در صنایع گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. از سوی دیگر، باید توجه داشت که به رغم استفاده موفقیت آمیز از نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت در برخی از صنایع تولیدی و خدماتی کشورهایی مانند ایالات متحده و انگلستان، مؤسسات آموزش عالی در به کارگیری نظام مذکور تعلل ورزیده اند. برای مثال، مطالعات انجام شده نشان می دهد که بیش از ۲۵ سال طول کشیده است تا حداقل نیمی از مؤسسات آموزش عالی ایالات متحده، پس از اولین مورد استفاده از نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت توسط مؤسسات

موضوع هزینه، یعنی علت محاسبه یک هزینه؛ برای مثال، هزینه تولید.

همان گونه که در شکل شماره (۱) نشان داده شده است، در نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت؛ منابع در طی دو مرحله به موضوع هزینه تخصیص داده می شوند (کوپر^{۲۲}، ۱۹۸۸). در مرحله اول، منابع در دو محدوده تسهیم می شوند. محدوده اول که تحت عنوان مخازن هزینه فعالیت^{۲۳} شناخته می شود، عبارت است از مجموعه واحدهای اصلی سازمان که انباشت هزینه در آنها صورت می گیرد؛ مانند واحد تدارکات، دانشکده ها و یا یکی از دروس ارائه شده.

محدوده دوم، شامل عوامل تخصیص منابع^{۲۴} است که عبارتند از مجموعه عوامل گوناگونی که نحوه تخصیص منابع را مشخص می سازند؛ مانند مساحت محوطه دانشکده یا تعداد دانشجویان.

در مرحله دوم تخصیص نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت، هزینه های انباشت شده در مخازن هزینه فعالیت بر اساس عوامل هزینه فعالیت^{۲۵} به موضوعات هزینه تخصیص داده می شود. عامل هزینه فعالیت عبارت است از واحد اندازه گیری میزان نیاز هر یک از موضوعات هزینه به هر یک از فعالیت ها؛ مانند تعداد مواد جابجا شده یا تعداد اوراق امتحانی تصحیح شده.

مراحل اجرایی استقرار نظام هزینه یابی بر مبنای

حساب هزینه منظور می گردند، طبقه بندی می شوند. هزینه های تولیدی نیز به دو گروه مستقیم (قابل ردیابی)^{۲۶} و غیرمستقیم (تسهیم شونده)^{۲۸} که بر اساس مبنایی مشخص (مانند ساعات کار کارگران) به محصولات تخصیص می یابند، طبقه بندی می شوند. به همین ترتیب، هزینه های دانشگاه ها را نیز می توان به دو گروه هزینه های آموزشی^{۲۹}، یعنی هزینه هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مربوط به آموزش می باشد و هزینه های غیرآموزشی^{۳۰} که بر اساس مبنایی مشخص (از جمله تعداد دانشجویان یا تعداد واحدهای درسی آنان) تخصیص داده می شوند، طبقه بندی کرد.

- فعالیت ها

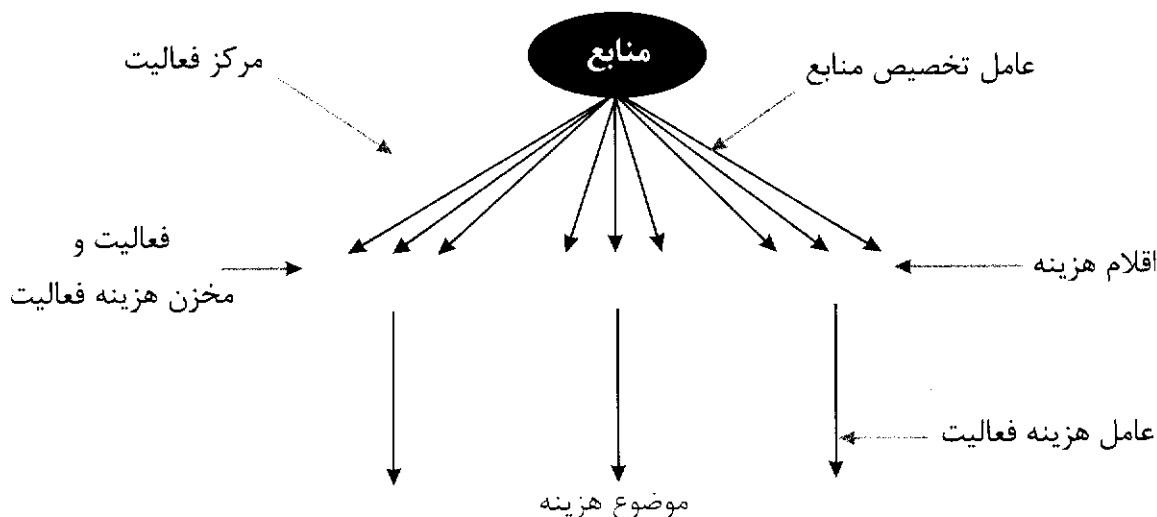
فعالیت عبارت است از واحد انجام کار در یک سازمان یا فرایند؛ مانند پردازش صورت حسابها یا تصحیح اوراق امتحانی.

- منابع

منابع عبارتند از مخارجی که توسط سازمان صورت می گیرد؛ مانند حقوق کارکنان، هزینه آب، برق و گاز مصرفی و هزینه استهلاک.

- موضوع هزینه^{۳۱}

شکل شماره (۱) - نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت: کاربرد عمومی



فعالیت

مراحل اجرایی استقرار نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت، شامل شش مرحله به شرح زیر است:

۱. شناسایی موضوعات هزینه: به بیانی ساده، موضوع هزینه عبارت است از آنچه که نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت در پی اندازه گیری آن می باشد؛ برای مثال، بهای تمام شده دروس ارائه شده. از سوی دیگر، هر موضوع هزینه از حاصل جمع آحاد بهای تمام شده^{۲۶} تشکیل می شود. برای مثال، اگر موضوع هزینه مربوط به بهای تمام شده یک درس باشد؛ واحد محاسبه بهای تمام شده، هزینه هر دانشجو خواهد بود.

۲. شناسایی خروجی ها^{۲۷}: نتایج نهایی مطلوب، خروجی نامیده می شود. برای مثال، در مؤسسات آموزش عالی می توان دروس ارائه شده و یا دوره های گوناگون تحصیلی را به عنوان خروجی قلمداد کرد.

۳. شناسایی فعالیت ها: منظور از فعالیت ها، فعالیت هایی است که باید برای دستیابی به خروجی های مورد نظر انجام شود.

۴. تخصیص منابع و ایجاد مخازن هزینه: منابع باید بر اساس هزینه های مستقیم یا هزینه های غیرمستقیم به مخازن هزینه اختصاص یابد.

۵. تخصیص هزینه فعالیت ها به خروجی ها: پس از ایجاد مخازن هزینه و تعیین عوامل هزینه، هزینه های انباشت شده در مخازن مذکور بر مبنای میزان استفاده آنها از هر فعالیت، به موضوعات هزینه تخصیص داده می شود.

۶. تحلیل و گزارشگری بهای تمام شده: مرحله نهایی، شامل تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به بهای تمام شده حاصل از به کارگیری نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت و نتیجه گیری های مربوط می باشد که برای مثال، ممکن است موجب حفظ، تجدید نظر یا حذف یک درس خاص گردد.

شناسایی و طبقه بندی فعالیت ها

مرحله شناسایی فعالیت ها نسبت به دو مرحله اول از مراحل ششگانه معرفی شده در بخش قبل، از پیچیدگی

بیشتری برخوردار است. در نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت، فعالیت ها در چهار سطح مورد شناسایی و طبقه بندی قرار می گیرند (کوپر، ۱۹۸۸). سطوح مذکور عبارتند از فعالیت های مربوط به آحاد تولید^{۲۸}، گروه محصولات^{۲۹}، محصولات خاص^{۳۰} و تسهیلات^{۳۱}. در جدول شماره (۱)، نمونه هایی از این گونه فعالیت ها در بخش های صنعت و آموزش ارائه شده است:

- فعالیت های مربوط به آحاد تولید

فعالیت هایی است که برای تولید یک واحد محصول، هر بار انجام می شود. در این فعالیت ها، فرض بر آن است که میزان مصرف منابع، با تعداد واحدهای تولید شده نسبت مستقیم دارد. نمونه هایی از این فعالیت ها عبارتند از عملیات ماشین کاری یا حضور اساتید در دفتر کار.

- فعالیت های مربوط به گروه محصولات

فعالیت هایی است که برای تولید یک گروه از محصولات، هر بار انجام می شود. در این فعالیت ها، فرض بر آن است که میزان مصرف منابع، مستقل از اندازه گروه های محصول؛ با تعداد آنها نسبت مستقیم دارد. به عنوان نمونه، می توان به فعالیت هایی از قبیل پردازش سفارشات خرید، تدریس در کلاس و یا راهنمایی گروهی دانشجویان اشاره کرد.

- فعالیت های مربوط به محصولات خاص

فعالیت هایی است که برای پشتیبانی از عملیات تولید محصولات مختلف، هر بار انجام می شود. در این فعالیت ها، فرض بر آن است که مصرف منابع به منظور توسعه عملیات یا دستیابی به امکان تولید محصولاتی خاص صورت می گیرد. به عنوان نمونه، می توان به مواردی از قبیل بازاریابی برای یک محصول خاص، آماده سازی برای ارائه یک درس و یا طراحی محتوای آموزشی یک درس اشاره کرد.

- فعالیت های مربوط به تسهیلات

فعالیت هایی است که انجام آنها برای حفظ سطح کارایی کل فرایند تولید لازم است و به گروه خاصی از محصولات مربوط نمی شود. از سوی دیگر، این هزینه ها را می توان بر اساس

جدول شماره (۱) مقایسه طبقه بندی سطوح گوناگون فعالیت در یک واحد تولیدی و یک دانشگاه

دانشگاه		واحد تولیدی	
عامل هزینه	فعالیت	عامل هزینه	فعالیت
تعداد دانشجویان	حضور اساتید در دفتر کار	ساعات کار ماشین آلات	ماشین کاری
تعداد اوراق امتحانی	تصحیح اوراق امتحانی	تعداد واحدهای تولید شده	مونتاژ کاری
تعداد گروه های درسی	راهنمایی گروهی دانشجویان	تعداد درخواست سفارشات	پردازش سفارشات خرید
تعداد کلاس ها	تدریس در کلاس	تعداد صورتحساب های صادره	صدور صورتحساب
تعداد کلاس ها	طراحی محتوای آموزشی درس	تعداد محصولات	طراحی محصولات
تعداد کلاس ها	انتخاب مواد آموزشی درس	تعداد قطعات	پشتیبانی قطعات

پشتیبانی می شود. از سوی دیگر، بودجه دانشکده های مختلف نیز بر اساس عوامل متعددی از قبیل تعداد واحدهای درسی ارائه شده، تعداد دانشجویان و شمار اعضای هیأت علمی تعیین می گردد. این در حالی است که در نظام هزینه یابی سنتی مورد استفاده مؤسسات آموزش عالی، هزینه ارائه کلیه دروس یکسان در نظر گرفته می شود و فرض بر آن است که هدف از به کارگیری حسابداری مدیریت، تنها اطمینان دهی نسبت به رعایت شدن بودجه می باشد.

باید توجه داشت که در الگوی سنتی و ساده مورد استفاده، مشکلاتی وجود دارد. مشکل نخست آن است که تخصیص هزینه ها تنها بر اساس یک معیار حجمی انجام می شود و هیچ گونه تفکیکی بین هزینه های ثابت و هزینه های متغیر صورت نمی گیرد. نکته دوم نیز در فرضی نهفته است که بر اساس آن، میزان مصرف فعالیتها برای کلیه دروس یکسان در نظر گرفته می شود. این در حالی است که

یک مبنای اختیاری تسهیم کرد یا این که به طور کلی، از تخصیص آنها صرف نظر نمود. نمونه هایی از فعالیت های مذکور عبارتند از هزینه های دفتر مرکزی شرکت یا حقوق رییس دانشگاه.

کاربردهای نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت در مؤسسات آموزش عالی

مهمترین محصولات مؤسسات آموزش عالی، یعنی دوره های تحصیلی که به منظور اعطای مدارک مانند کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برگزار می گردد؛ از مجموعه دروس جداگانه ای تشکیل شده است. فعالیت های اصلی مؤسسات آموزش عالی شامل آموزش، پژوهش، ارائه خدمات مرتبط و توسعه عملیات است که توسط فعالیت های دیگری مانند مدیریت، تعمیر و نگهداری تأسیسات، نگهبانی، کتابخانه و منابع آموزشی و آزمایشگاه ها؛

در عالم واقع، هزینه برخی از دروس توسط منابع مازاد حاصل از ارائه سایر دروس پوشش داده می شود. در نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت، تخصیص هزینه ها به شیوه متفاوتی انجام می پذیرد. برای مثال، یک دانشگاه فرضی را که در اینجا دانشگاه نمونه نامیده می شود، در نظر بگیرد. فرض کنید که دروس دانشگاه مذکور در دو دانشکده مختلف ارائه می شود و تعداد اعضای هیأت علمی، شمار دروس ارائه شده و تعداد دانشجویان دو دانشکده یاد شده؛ با یکدیگر مساوی است. فرض اخیر، موجب درک بهتر تفاوت های ناشی از مقایسه دروس ارائه شده در یک دانشکده با دروس دانشکده دیگر و یا دروس ارائه شده در یک دانشکده با سایر دروس همان دانشکده می شود.

بدین ترتیب، نحوه تعیین بهای تمام شده یک دوره تحصیلی با استفاده از نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت؛ مطابق شکل شماره (۲) خواهد بود.

مثال شماره (۱): برآورد بهای تمام شده هر درس، با فرض وجود تفاوت در میزان مصرف منابع در هر یک از دانشکده ها در این مثال فرض می شود که میزان مصرف منابع (مواردی مانند حقوق اعضای هیأت علمی، رایانه ها، تسهیلات و خدمات پشتیبانی دانشجویان) در هر یک از دانشکده ها متفاوت است. برای مثال، در جدول شماره (۲) بهای تمام شده هر درس با استفاده از منابع از هر دانشکده، در هر دانشکده، نمایش داده شده است. از سوی دیگر، در جدول شماره (۳) نیز بهای تمام شده هر درس با استفاده از نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت محاسبه شده است. در نهایت، جدول شماره (۴) تفاوت های استفاده از دو روش هزینه یابی مطرح شده در جداول شماره (۲) و (۳) را منعکس می سازد. مشاهده می شود که در نظام سنتی تخصیص هزینه ها (بر اساس معیار حجمی)، بهای تمام شده هر درس عبارت است از کل بهای تمام شده (۶۰۰۰ میلیون ریال)، تقسیم بر تعداد کل دروس (۱۲۰ درس)؛ یعنی ۵۰ میلیون ریال. این در حالی است که با بررسی جدول شماره (۳) به وضوح می توان مشاهده کرد که بهای تمام شده دروس ارائه شده در هر دانشکده، با دیگری متفاوت است. این بدان معناست که در نظام سنتی، بهای تمام شده دروس ارائه شده در دانشکده (۱) ۱۶٪ کمتر از واقع و بهای تمام شده دروس ارائه شده در دانشکده (۲) ۳۹٪ بیشتر از واقع برآورد شده است.

مثال شماره (۲): برآورد بهای تمام شده هر درس، با فرض

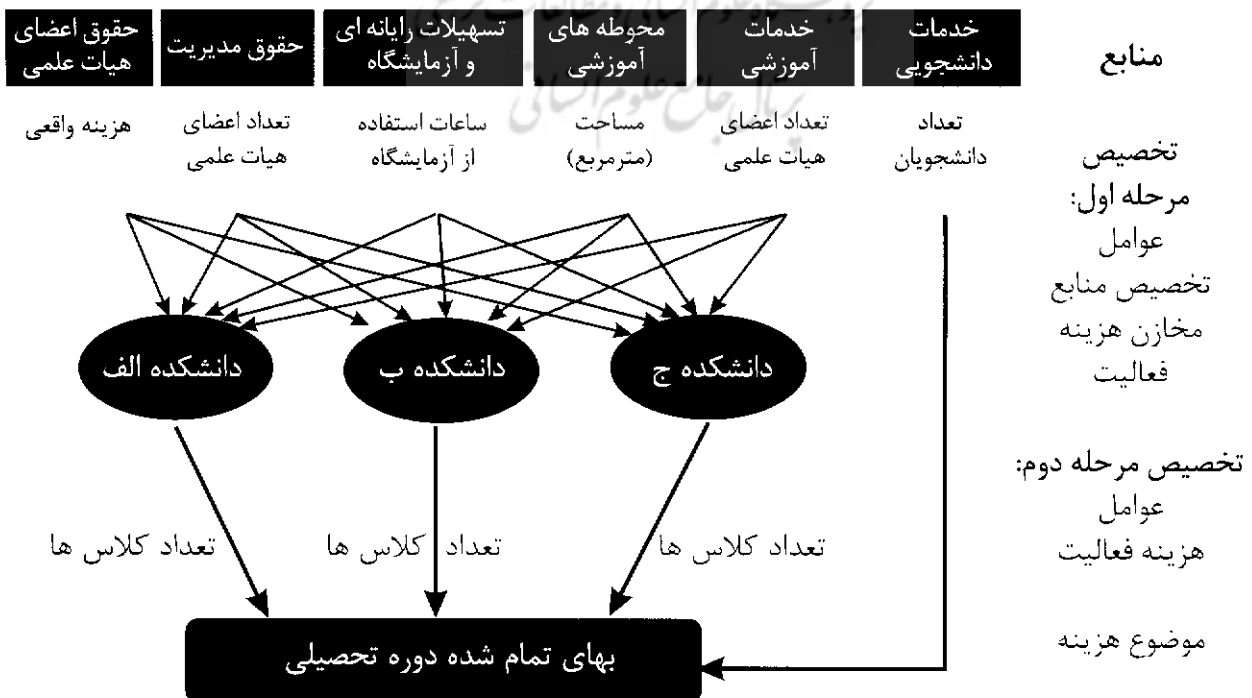
در عالم واقع، هزینه برخی از دروس توسط منابع مازاد حاصل از ارائه سایر دروس پوشش داده می شود. در نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت، تخصیص هزینه ها به شیوه متفاوتی انجام می پذیرد. برای مثال، یک دانشگاه فرضی را که در اینجا دانشگاه نمونه نامیده می شود، در نظر بگیرد. فرض کنید که دروس دانشگاه مذکور در دو دانشکده مختلف ارائه می شود و تعداد اعضای هیأت علمی، شمار دروس ارائه شده و تعداد دانشجویان دو دانشکده یاد شده؛ با یکدیگر مساوی است. فرض اخیر، موجب درک بهتر تفاوت های ناشی از مقایسه دروس ارائه شده در یک دانشکده با دروس دانشکده دیگر و یا دروس ارائه شده در یک دانشکده با سایر دروس همان دانشکده می شود.

بدین ترتیب، نحوه تعیین بهای تمام شده یک دوره تحصیلی با استفاده از نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت؛ مطابق شکل شماره (۲) خواهد بود.

مثال شماره (۱): برآورد بهای تمام شده هر درس، با فرض وجود تفاوت در میزان مصرف منابع در هر یک از دانشکده ها در این مثال فرض می شود که میزان مصرف منابع (مواردی مانند حقوق اعضای هیأت علمی، رایانه ها، تسهیلات و خدمات پشتیبانی دانشجویان) در هر یک از دانشکده ها متفاوت است. برای مثال، در جدول شماره (۲) بهای تمام شده هر درس با استفاده از منابع از هر دانشکده، در هر دانشکده، نمایش داده شده است. از سوی دیگر، در جدول شماره (۳) نیز بهای تمام شده هر درس با استفاده از نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت محاسبه شده است. در نهایت، جدول شماره (۴) تفاوت های استفاده از دو روش هزینه یابی مطرح شده در جداول شماره (۲) و (۳) را منعکس می سازد. مشاهده می شود که در نظام سنتی تخصیص هزینه ها (بر اساس معیار حجمی)، بهای تمام شده هر درس عبارت است از کل بهای تمام شده (۶۰۰۰ میلیون ریال)، تقسیم بر تعداد کل دروس (۱۲۰ درس)؛ یعنی ۵۰ میلیون ریال. این در حالی است که با بررسی جدول شماره (۳) به وضوح می توان مشاهده کرد که بهای تمام شده دروس ارائه شده در هر دانشکده، با دیگری متفاوت است. این بدان معناست که در نظام سنتی، بهای تمام شده دروس ارائه شده در دانشکده (۱) ۱۶٪ کمتر از واقع و بهای تمام شده دروس ارائه شده در دانشکده (۲) ۳۹٪ بیشتر از واقع برآورد شده است.

مثال شماره (۲): برآورد بهای تمام شده هر درس، با فرض

شکل شماره (۲) - نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت : کاربرد در حوزه آموزش عالی



جدول شماره (۲) - دانشگاه نمونه : فعالیت‌ها و داده‌های مربوط به بهای تمام شده دروس ارائه شده

(ارقام مالی به ریال)

هزینه‌ها	دانشکده (۱)	دانشکده (۲)	کل فعالیت	کل بهای تمام شده	بهای تمام شده هر واحد فعالیت
هزینه‌های مستقیم					
تعداد اعضای هیأت علمی	۲۰	۱۰	۳۰		
میانگین حقوق	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰			
کل هزینه‌های مستقیم	۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰		۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
هزینه‌های غیرمستقیم					
استفاده از رایانه	۴۰۰ ساعت	۱,۶۰۰ ساعت	۲,۰۰۰ ساعت	۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰ ریال / ساعت
اجاره محوطه تحت اختیار	۳,۰۰۰ متر مربع	۲,۰۰۰ متر مربع	۵,۰۰۰ متر مربع	۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲۰,۰۰۰ ریال / متر مربع
استفاده از خدمات آموزشی	۲۰ نفر هیأت علمی	۱۰ نفر هیأت علمی	۳۰ نفر هیأت علمی	۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال / نفر
استفاده از خدمات دانشجویی	۲,۳۰۰ دانشجو	۷۰۰ دانشجو	۳,۰۰۰ دانشجو	۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰ ریال / دانشجو
کل هزینه‌های غیرمستقیم				۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
کل بهای تمام شده				۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
تعداد دروس ارائه شده	۸۵	۳۵	۱۲۰		

جدول شماره (۳) دانشگاه نمونه : بهای تمام شده هر درس بر اساس نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت

(ارقام مالی به ریال)

اقدام تشکیل دهنده بهای تمام شده	بهای تمام شده هر واحد فعالیت	دانشکده (۱)		دانشکده (۲)	
		بهای تمام شده	مصرف فعالیت‌ها	بهای تمام شده	مصرف فعالیت‌ها
استفاده از رایانه	۱۵۰,۰۰۰ ریال / ساعت	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۶۰۰ ساعت	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰	
اجاره محوطه تحت اختیار	۱۲۰,۰۰۰ ریال / متر مربع	۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۰۰۰ متر مربع	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰	
استفاده از خدمات آموزشی	۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال / نفر	۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰ نفر هیأت علمی	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
استفاده از خدمات دانشجویی	۵۰۰,۰۰۰ ریال / دانشجو	۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۷۰۰ دانشجو	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰	
حقوق اعضای هیأت علمی				۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
کل بهای تمام شده		۳,۵۷۰,۰۰۰,۰۰۰		۲,۴۳۰,۰۰۰,۰۰۰	
تعداد دروس		۸۵		۳۵	
بهای تمام شده هر درس		۴۲,۰۰۰,۰۰۰		۶۹,۴۲۹,۵۷۱	

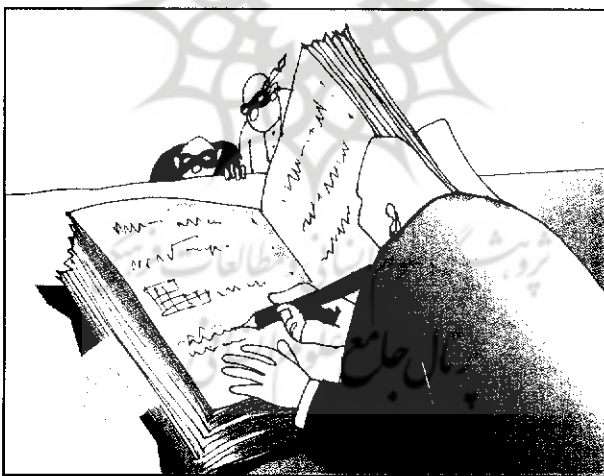
تأثیر ساختار حسابرسی داخلی بر پیش‌گیری از تقلب در صورت‌های مالی

Kevin L. James^۱

ترجمه و تلخیص: جواد شکرخواه^۲

یا واقعاً مورد تهدید قرار گیرد. این کارکنان ممکن است در موقعیت‌های شغلی مهمی قرار داشته باشند و بتوانند بر حقوق و مزایا، ترفیع و وضعیت استخدامی حسابرسان داخلی تأثیر بگذارند که در این صورت، حسابرسان داخلی ممکن است علیرغم انتقادهای شدیدی که به آنها دارند، نخواهند انتقادی را ابراز کنند. این مخاطره بیانگر این است که حسابرسان داخلی اساساً نباید به مدیریت‌ها گزارش دهند.

حسابرسی داخلی اگرچه ممکن است مسئولیت گزارشگری به مدیریت را به عهده داشته باشد، اما مسئولیت اصلی آن ارائه گزارش به رده بالای سازمان مانند هیئت مدیره می‌باشد. از دیدگاه نظری، چنین ترتیبی به معنای آن است که مدیریت عملیاتی برای رسیدگی به موضوع‌های مورد نظر



حسابرسی داخلی اگرچه ممکن است مسئولیت گزارشگری به مدیریت را به عهده داشته باشد، اما مسئولیت اصلی آن ارائه گزارش به رده بالای سازمان مانند هیئت مدیره می‌باشد

مقدمه مترجم

حسابرسی داخلی اگرچه به عنوان جزئی از محیط کنترلی به منظور اطمینان و کمک به مدیریت در طراحی مناسب و اعمال درست کنترل‌ها در سازمان‌های بزرگ ایجاد می‌شود، اما می‌تواند اطمینان‌های دیگری چون اطمینان دادن به مراجع قانونی و سایر مقامات ذی‌نفع و استفاده کنندگان از صورت‌های مالی را نیز فراهم آورد. از منظر این گونه

استفاده کنندگان برون سازمانی، کیفیت کار واحد حسابرسی داخلی متأثر از دو عامل ساختار گزارشگری و چگونگی تامین منابع انسانی آن واحد می‌باشد.

بی‌طرفی حسابرسان داخلی می‌تواند از طریق واکنش کارکنانی که از یافته‌های حسابرسی متأثر می‌شوند، ظاهراً

نظارت داشته باشد. اغلب بزرگان حرفه براین باورند که چنین استقلال‌ی به حفظ بی طرفی حسابرسان و پرهیز از گزارش‌های حسابرسی مخدوش کمک می‌کند.

برخی سازمان‌ها در سال‌های اخیر تمایل پیدا کرده‌اند تا به جای استخدام حسابرسان داخلی، از خدمات موسسات مستقل حسابرسی برای انجام حسابرسی داخلی استفاده کنند. این کار را استفاده از «منابع برون‌سازمانی» گویند. تحقیق حاضر تأثیر موارد فوق را بر توانایی واحد حسابرسی داخلی از منظر استفاده کنندگان مورد بررسی قرار داده است. مترجم به دلیل محدودیت‌های ناشی از عدم وجود کمیته‌های حسابرسی در استانداردهای حسابرسی و متداول نبودن آن در ساختارهای سازمانی شرکت‌های ایرانی، ترجمه تحقیق حاضر را برای رشد و اعتلای حرفه مفید می‌داند.

چکیده

این مطالعه تأثیر ساختار گزارشگری و منابع تامین‌کننده نیروهای واحد حسابرسی داخلی را بر توانایی آن در پیش‌گیری از تقلب در صورت‌های مالی از نظر استفاده کنندگان مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج تحقیق— از متصدیان اعطای وام در بانک‌ها، نشان می‌دهد که توانایی واحدهای

حسابرسی داخلی درون‌سازمانی که به مدیریت ارشد گزارش می‌دهند، در مقایسه با چنین واحدهایی که به کمیته حسابرسی هیئت‌مدیره گزارش می‌دهند، در پیش‌گیری از تقلب کمتر می‌باشد. این یافته روشن می‌کند که چرا کمیسیون بورس اوراق بهادار اخیراً به ضرورت نظارت مستقیم کمیته حسابرسی بر واحد حسابرسی داخلی توجه بیشتری نموده است.

بر اساس نتایج این مطالعه اگر ساختار گزارشگری به گونه‌ای باشد که واحد حسابرسی داخلی به کمیته حسابرسی گزارش دهد، استفاده کنندگان توانایی واحد حسابرسی داخلی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را در پیش‌گیری از

خود باید از طریق هیات‌مدیره اقدام نماید.

مدیران ارشد اجرایی، اغلب عضو اصلی هیات‌مدیره می‌باشند و معمولاً بیشترین آرا را در اختیار دارند. در چنین مواردی ارائه گزارش حسابرسان داخلی به هیئت‌مدیره یا مدیران ارشد به دلیل یکی بودن آنها، تفاوت‌چندانی نخواهد داشت. در مواردی که برخی از اعضای هیئت‌مدیره به صورت غیرموظف انجام وظیفه می‌کنند، استقلال حسابرسان داخلی می‌تواند از طریق ایجاد کمیته حسابرسی، به مراتب آسان‌تر به وجود آید و حفظ شود.

مدیریت واحدهای اقتصادی و دولت و سایر نیروهای موثر بر حرفه از جمله سازمان بورس اوراق بهادار، انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی و مراکز دانشگاهی باید تلاش کنند تا واحدهای اقتصادی به تشکیل

«کمیته حسابرسی» متشکل از اعضای مستقل هیئت‌مدیره اقدام نمایند. بهترین حالت آن است که این مدیران هیچ‌گونه وظیفه مدیریتی شرکت را به عهده نداشته باشند. به این گونه مدیران، مدیران غیرموظف می‌گویند. بزرگترین شرکت‌های آمریکا دارای کمیته حسابرسی می‌باشند، اما متأسفانه تشکیل این کمیته در ایران چندان رایج نمی‌باشد و حتی در

استانداردهای حسابرسی منتشره نیز مورد اشاره واقع نشده است.

از جمله مسئولیت‌های کمیته حسابرسی، می‌توان به انتخاب حسابرس شرکت و بررسی عملکرد واحد حسابرسی داخلی، انتخاب و انتصاب رئیس واحد حسابرسی داخلی، بررسی طرح سالانه حسابرسی و بودجه واحد حسابرسی داخلی اشاره نمود. موافقان کمیته حسابرسی می‌گویند از آنجا که مدیران غیرموظف، کمتر تحت نفوذ مدیریت شرکت می‌باشند (یعنی «استقلال رای» بیشتری دارند) بهتر می‌توانند بر هر دو حسابرسی مستقل و داخلی نظارت کنند، تا زمانی که مدیریت اجرایی شرکت بر آنها

بر اساس نتایج این مطالعه اگر ساختار گزارشگری به گونه‌ای باشد که واحد حسابرسی داخلی به کمیته حسابرسی گزارش دهد، استفاده کنندگان توانایی واحد حسابرسی داخلی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را در پیش‌گیری از تقلب در صورت‌های مالی یکسان دانسته و تفاوتی بین آنها قابل نمی‌شوند

تقلب در صورت های مالی یکسان دانسته و تفاوتی بین آنها قایل نمی شوند. نتیجه مطالعه همچنین بیانگر این موضوع است که اگر چه منابع برون سازمانی مهارت های حرفه ای بیشتری دارند ولی این امر اعتماد استفاده کنندگان را افزایش نخواهد داد زیرا از نظر استفاده کنندگان شناخت تیم های برون سازمانی از شرکت در مقایسه با واحدهای حسابرسی درون سازمانی کمتر می باشد.

مقدمه

بدنبال ورشکستگی اخیر شرکت ها، اصلاحات بسیاری برای بازسازی اعتماد استفاده کنندگان صورت پذیرفت، از جمله این اصلاحات می توان به قانون سربینز اکسلی^۳ که در سال ۲۰۰۲ تصویب شد و قوانین تکمیلی کمیسیون بورس اوراق بهادار اشاره نمود. همچنین سازمان بورس سهام نیویورک^۴، سازمان بورس سهام آمریکا^۵، و انجمن ملی معامله گران اوراق بهادار^۶ قوانین جدیدی را پیشنهاد کردند. این اصلاحات علاوه بر این که بر روی اختیارات حسابرسان مستقل و کمیته های حسابرسی تاثیر گذاشت، نقش حسابرسان داخلی را نیز در بازسازی اعتماد استفاده کنندگان آشکار نمود. برای مثال بر اساس قوانین جدید سازمان بورس سهام نیویورک، داشتن تاییدیه واحد حسابرسی داخلی برای تمامی گزارش های شرکت ها الزامی شد. علاوه بر این کمیسیون بورس اوراق بهادار، اخیراً ضرورت قانونمندی رابطه بین حسابرسان داخلی و کمیته حسابرسی را مورد مطالعه قرار داده است؟ (SEC ۲۰۰۳) این مطالعه دو بعد از روابط را آزمون می کند: ساختار گزارشگری و چگونگی تامین منابع.

ساختار گزارشگری بسیاری از واحدهای حسابرسی داخلی به گونه ای است که گزارش آنها در ابتدا به مدیران ارشدی ارائه می شود که به تنهایی اختیار و توانایی استخدام و اخراج رئیس حسابرسی داخلی را دارا می باشند. اعضای کمیسیون بورس اوراق بهادار بر نیاز حسابرسان داخلی به داشتن دسترسی نامحدود به کمیته حسابرسی تاکید کردند. همچنین قبل از آن نیز، حسابدار ارشد، رابرت هرومن (۲۰۰۲) اظهار کرده بود که کمیته حسابرسی باید دسترسی مستقل، مستقیم و نامحدودی به حسابرسان

داخلی داشته باشد و گزارشگری به مدیریت ممکن است مانع این دسترسی ها شود. کمیسیون بورس اوراق بهادار برای تکمیل قانون سربینز اکسلی در خصوص این که آیا کمیته حسابرسی باید مستقیماً مسئولیت تعیین پاداش و دستمزد، ابقاء و نظارت بر واحد حسابرسی داخلی را داشته باشد، به جمع آوری پیشنهادات و نظریات عموم پرداخت. کمیسیون مزبور بعد از مطالعه پیشنهادات، این محدودیت ها را وضع نکرد (SEC ۲۰۰۳)، اما اثرات بالقوه این ساختار، مطالعات بعدی در این خصوص را تضمین نمود. این مطالعه آزمون می کند که آیا ساختارهای گزارشگری متفاوت در واحدهای حسابرسی داخلی باعث تفاوت در سطوح کشف و پیش گیری از تقلب می گردد؟

چگونگی تامین منابع نیز یک عامل مهم است که واحدهای حسابرسی داخلی را از یکدیگر متمایز می کند. اغلب مباحث در سنوات اخیر، پیرامون موضوع منابع حسابرسی داخلی بوده است. در نتیجه این مباحث اکنون، قانون سربینز اکسلی انجام عملیات حسابرسی داخلی یک شرکت را توسط حسابرسان مستقل همان شرکت منع نموده است، در حالی که، همین امر را برای حسابرسان مستقل دیگر مجاز می داند.

مطالعه حاضر تاثیر تامین برون سازمانی از ۵ موسسه بزرگ حسابرسی برای واحد حسابرسی داخلی را از منظر استفاده کنندگان مورد بررسی قرار می دهد. بر اساس نتایج این مطالعه، از نظر استفاده کنندگان واحدهای حسابرسی داخلی که به مدیر ارشد گزارش می دهند در مقایسه با حالت های زیر توانایی کمتری در کشف تقلب دارند:

- ۱- واحدهای حسابرسی داخلی درون سازمانی که صرفاً به کمیته حسابرسی گزارش می دهند.
- ۲- تیم های حسابرسی داخلی برون سازمانی که به کمیته حسابرسی گزارش می دهند.

این مطالعه اهمیت اهداف واحد حسابرسی داخلی را برجسته نموده و اظهار می دارد که ایجاد ساختار گزارشگری قویتر باعث اطمینان بیشتر استفاده کنندگان می گردد. این مطالعه در خصوص پیش گیری از تقلب در صورت های مالی، بین منابع درون سازمانی و برون سازمانی با فرض این که

برون سازمانی را بر برداشت تحلیل گران مالی از استقلال حسابرسان آزمون نمودند. آنها دریافتند که استفاده از حسابرسان مستقل صورت های مالی یک شرکت برای انجام عملیات حسابرسی داخلی همان شرکت، در مقایسه با استفاده از واحدهای حسابرسی داخلی درون سازمانی، باعث می شود تا استقلال حسابرسان برون سازمانی پایین تر تصور می گردد. آنها دریافتند که برداشت بالاتر از استقلال منابع برون سازمانی زمانی مشاهده می شود که:

۱- شرکتی غیر از حسابرس مستقل صورت های مالی شرکت، عملیات حسابرسی داخلی را انجام دهد.

۲- در صورتی که برای انجام حسابرسی داخلی یک شرکت از حسابرس مستقل صورت های مالی همان شرکت استفاده می شود، حسابرسان مستقل برای انجام عملیات حسابرسی داخلی، از پرسنلی غیر از گروه حسابرسان مستقل آن شرکت استفاده نماید، به عبارت دیگر از همان پرسنل گروه حسابرسی مستقل صورت های مالی برای انجام حسابرسی

داخلی استفاده ننماید. بنابراین مطالعات پیشین بدون توجه خاص به عملیات حسابرسی داخلی، تاثیر استفاده از منابع برون سازمانی را بر برداشت استفاده کنندگان آزمون کرده اند. مطالعه حاضر، این زمینه تحقیق را با آزمون این موضوع گسترش می دهد که چگونه استفاده از منابع برون سازمانی در برداشت استفاده کنندگان از عملیات حسابرسی داخلی موثر می باشد. این تحقیق خصوصاً به بررسی این موضوع می پردازد که آیا به نظر استفاده کنندگان به کارگیری منابع برون سازمانی برای انجام عملیات حسابرسی داخلی باعث پیش گیری بهتر از گزارشگری همراه با تقلب می شود یا کمتر تاثیر گذاشته است. همچنین، طبیعت کار با طرح های تحقیقات قبلی که از شرکت می خواست یک تصمیم تجاری اتخاذ کند یا قابلیت اعتماد کلی اطلاعات یک شرکت را، ارزیابی نماید، متفاوت است.

بررسی حاضر تقلبات بالقوه و پرسش از تحقیق شوندگان در خصوص احتمال پیش گیری از صورت های مالی

هر دو به کمیته حسابرسی گزارش دهند تفاوتی نیافته است. بنابراین بر اساس شواهد این تحقیق منابع برون سازمانی باعث تاثیر متفاوت در پیش گیری از تقلب در صورت های مالی نمی شوند.

تحقیقات پیشین

تحقیقات اخیر در خصوص گزارشگری حسابرسی داخلی بیشتر بر تاثیر ترکیب کمیته حسابرسی تمرکز یافته است تا بر ساختار گزارشگری حسابرسی داخلی. اسکار بوروگ^۷ و دیگران (۱۹۹۸)، راگوناندان^۸ و دیگران (۲۰۰۱) بسین استقلال اعضای کمیته حسابرسی، بازنگری نتایج حسابرسی داخلی و ملاقات های مداوم با رئیس حسابرسی داخلی وابستگی مثبتی یافتند. مطالعه حاضر جریان این تحقیقات را با آزمون تاثیر ساختار گزارشگری، گسترش می دهد.

لاو^۹ و دیگران (۱۹۹۹) تاثیر استفاده از منابع برون سازمانی را بر وام دهندگان در مورد استقلال حسابرسان برون سازمانی، قابلیت اعتماد صورت های مالی و تصمیم گیری آنها در اعطای وام آزمون نمودند. آنها دریافتند که برداشت وام دهندگان از استقلال منابع برون سازمانی در حالت های زیر بیشتر می باشد:

۱- از منابع برون سازمانی استفاده شود که از افراد مختلف برای شغل های متفاوت استفاده می نماید.

۲- از منابع برون سازمانی غیر از حسابرسان مستقل صورت های مالی همان شرکت استفاده شود.

آنها همچنین در تحقیقات خود گزارش کرده اند که وقتی شرکت ها برای انجام حسابرسی داخلی خود از منابع برون سازمانی استفاده می نمایند و این منابع برای شغل های مختلف، افراد مختلفی را به کار می گیرند بالاترین سطح از احساس استقلال حسابرسان برون سازمانی، قابلیت اعتماد صورت های مالی و تصمیم به اعطای وام در وام دهندگان مشاهده شده است.

ساندرز و چوینگ^{۱۰} (۲۰۰۱) تاثیر استفاده از منابع

فریب آمیز را ترکیب نموده است. برای ایجاد احساس پیش گیری موثر از گزارشگری فریب آمیز در استفاده کنندگان، آنها باید باور کنند که تقلب وجود ندارد، یا این که هرگونه تلاش برای تقلب کشف و گزارش می شود. بنابراین محقق احساس محافظت صورت های مالی از تقلب را به سه حوزه پیش گیری، کشف و گزارش، تقسیم و تأثیر بر هر کدام از آنها را آزمون می نماید.

طرح سؤالات تحقیق

تأثیر ساختار گزارشگری

واحدهای حسابرسی داخلی، اغلب نتایج کارهای حسابرسی خود را به جای کمیته حسابرسی به مدیریت ارشد گزارش می دهند. علاوه بر این مدیران ارشد در موقعیتی قرار دارند که تصمیمات مربوط به حقوق، مزایا، ترفیع، وضعیت استخدامی و در مجموع امور پرسنلی حسابرسان داخلی برعهده آنها می باشد. به این ترتیب حسابرسان داخلی در زمان گزارش لغزش ها و خطاهای مدیران ارشد، باید موقعیت و بقای شغلی خود را در معرض ریسک و مخاطره قرار دهند. کمیسیون ملی گزارشگری فریب آمیز پس از درک این مخاطره، توصیه نمود که انتخاب، انفصال یا اخراج رئیس حسابرسی داخلی صرفاً توسط هیئت مدیره یا با موافقت کمیته حسابرسی صورت پذیرد. در عین حال راگوناتان^{۱۱} و هیوج^{۱۲} نتایج مطالعه ای را گزارش کردند که در آن ۶۲ درصد از شرکت های مورد مطالعه به مدیریت ارشد اجازه داده بودند رئیس حسابرسی داخلی را بدون کسب هرگونه مجوزی از کمیته حسابرسی اخراج نمایند و از ۳۸ درصد باقیمانده نیز، صرفاً ۱۳ درصد اختیار اخراج رئیس حسابرسی داخلی را منحصرأ در اختیار کمیته حسابرسی قرار دادند. اسکاربورگ و دیگران (۱۹۹۸) نیز در تحقیقی بر روی شرکت های کانادایی دریافتند که فقط ۸ درصد از شرکت های مورد مطالعه اختیار اخراج رئیس حسابرسی داخلی را منحصرأ جزو اختیارات کمیته حسابرسی قرار داده اند. در آن تحقیق ۴۲ درصد شرکت ها به یکی از مدیران ارشد اجازه داده بودند که رئیس حسابرسی داخلی را اخراج نماید.

اختیارات مدیران ارشد در اخراج، باعث ایجاد نگرانی مداوم در حسابرسان داخلی و عدم تمایل آنها به گزارش نکات منفی و خطاهای می گردد. چادویک^{۱۳} در سال ۱۹۹۵ مصاحبه ای با ۱۲ رئیس حسابرسی داخلی بزرگترین شرکت های سهامی عام انجام و نتایج آن را گزارش نمود. در این مصاحبه او از رؤسای حسابرسی داخلی سوال نمود که آیا آنها می توانند هرگونه لغزش یا خطای مدیران ارشد را گزارش نمایند. برای مثال آیا آنها می توانند ایجاد محدودیت در حسابرسی ها و ارائه اطلاعات به کمیته حسابرسی را گزارش نمایند؟ تمامی پاسخ دهندگان در پاسخ اعلام کردند که آنها موضوع را گزارش نخواهند کرد، زیرا احتمالاً آنها اخراج و هرگز شغل رسمی دیگری را به عنوان رئیس حسابرسی داخلی نخواهند یافت. کالبرز^{۱۴} در سال ۱۹۹۲ نگرانی مشابهی را در تحقیقی از روسای حسابرسی داخلی گزارش کرده است که در آن بسیاری از پاسخ دهندگان اظهار کرده بودند که احساس بقای شغلی آنها در گرو بی میلی به گزارش مشکلات به کمیته حسابرسی می باشد.

به نظر می رسد مشکل بی میلی حسابرسان داخلی برای گزارش مشکلات به کمیته حسابرسی با محدودیت دسترسی به کمیته مزبور وخیم تر می شود. در مطالعه سال ۱۹۹۲ کالبرز، ۳۱ درصد از پاسخ دهندگان اعلام کردند که در سال قبل ملاقات اختصاصی با کمیته حسابرسی نداشته اند. اسکاربورگ نیز در سال ۱۹۹۸ گزارش نمود که در ۲۴ درصد از شرکت های مورد بررسی هیچ گونه دسترسی اختصاصی به کمیته حسابرسی وجود نداشته است. بالاخره راگوناتان و هیوج دریافتند که وقتی اختیار استخدام و اخراج حسابرسان داخلی به فردی غیر از کمیته حسابرسی واگذار می شود، در ۶۵ درصد از شرکت های مورد مطالعه، این شخص اغلب در ملاقات های حسابرسان داخلی با کمیته حسابرسی حضور دارد. به نظر می رسد چنین دسترسی های محدودی مانع گزارش آزادانه مشکلات از سوی حسابرسان داخلی می شود. شواهد حاکی از این است که ساختار گزارشگری حسابرسی داخلی در برداشت استفاده کنندگان از احتمال گزارش تقلبات موثر می باشد. همچنین گزارشگری به مدیریت ارشد این اجازه را به مدیران ارشد می دهد تا

انجام عملیات حسابرسی داخلی خود از منابع برون سازمانی استفاده نموده اند، با مباحث فوق توافق داشته است. بسیاری از شرکت ها اعتقاد دارند که داشتن منابع برون سازمانی هم کیفیت و هم تصور بهتری را نسبت به واحد حسابرسی داخلی آنها ایجاد می نماید. (کازل ۱۷، ۱۹۹۷، پتراویک ۱۸، ۱۹۹۷) به علاوه محقق از طریق یک پرسشنامه پستی از متصدیان وام سؤال نمود که برداشت آنها از صلاحیت و واقع نگری واحد حسابرسی داخلی در حالتی که این فعالیت توسط ۵ موسسه بزرگ ارائه دهنده این خدمات صورت می پذیرد بیشتر است یا زمانی که این عملیات توسط واحدهای حسابرسی داخلی درون سازمانی انجام می گیرد؟ ۶۰ درصد، صلاحیت ۵ موسسه بزرگ حسابرسی را بیشتر در حالی که ۳۶ درصد صلاحیت هر دو را یکسان می پنداشتند. ۸۹ درصد احساس

می کردند که ۵ موسسه بزرگ حسابرسی واقع نگری بیشتری دارند، در حالی که ۱۱ درصد باقیمانده واقع نگری هر دو را یکسان تصور می کردند.

به هر جهت، شناخت کمتر منابع برون سازمانی از شرکت، برداشت استفاده کنندگان را از صلاحیت و واقع گرایی بیشتر آنها خنثی می نماید. در طی پیش آزمون تحقیق، مشارکت کنندگان در خصوص این که توانایی منابع برون سازمانی در مقایسه با منابع درون سازمانی در پیش گیری از گزارشگری مالی فریب آمیز بیشتر است عقاید یکسانی نداشتند. علیرغم تصور صلاحیت و واقع گرایی بیشتر، عموم مشارکت کنندگان عقیده داشتند که تیم های حسابرسی داخلی برون سازمانی به دلیل ارتباط کمتر با شرکت، صرفاً فعالیت هایی را در زمان های خاصی از سال برنامه ریزی و برای مشتریان انجام می دهند. این مشارکت کنندگان معتقد بودند که این ارتباطات محدود، بیانگر شناخت کم منابع برون سازمانی از شرکت بوده و حضور کم در شرکت، توانایی آنها را در پیش گیری از تقلب کاهش می دهد. در زیر سئوالات تحقیق به گونه ای تدوین شده تا چشم اندازی از تأثیر منابع تامین کننده نیروی انسانی

حدود عملیات حسابرسی را محدود نمایند و همین امر بر احتمال کشف تقلب تأثیر می گذارد. بالاخره احتمال پیش گیری از تقلب، به احتمال کشف تقلب و گزارش آن در موقع وقوع بستگی دارد. به عبارت دیگر اگر استفاده کنندگان احساس کنند که واحد حسابرسی داخلی تمایلی به کشف یا گزارش تقلب ندارد، آن را واحد باز دارنده موثری در قبال تقلب نمی دانند. به این ترتیب تأثیر احتمال کشف تقلب یا گزارشگری آن ممکن است بر احتمال پیش گیری از تقلب نیز تأثیر گذارد. به این ترتیب اولین سؤال تحقیق به شرح زیر تدوین شد:

سؤال ۱: با فرض این که عملیات حسابرسی داخلی توسط یک واحد درون سازمانی انجام پذیرد آیا اگر واحد مزبور گزارش های خود را به کمیته حسابرسی ارائه دهد بیشتر یک فعالیت پیش گیرنده [RQ1a]، کشف کننده [RQ1b] و یا گزارش دهنده [RQ1c] تقلبات در صورت های مالی است یا زمانی که گزارش های خود را به مدیریت ارشد ارائه می نماید؟

تأثیر منابع تامین کننده نیروی انسانی

بزرگترین موسسات حسابرسی شهرت زیادی به استقلال دارند. محققان روانشناسی دریافته اند که اگر یک ارزیابی کننده، دیدگاه کلی مثبتی از شخص یا شرکتی در زمینه خاصی داشته باشد، شخص یا شرکت مزبور را در زمینه جدید نیز مثبت ارزیابی می کند. به عبارت دیگر، ارزیابی کنندگان به جای این که به طور دقیق بین هر مشخصه و ارزیابی مستقل آن تفاوتی قائل شوند، یک ذهنیت ساده را به کار می برند تا مشخصه جدید را بر پایه اثر کلی رتبه بندی نمایند. (تپینز و ناتان ۱۵، ۱۹۹۰ و لوتسر ۱۶، ۱۹۹۵). بنابراین منطقی است که انتظار برود استفاده کنندگان از صورت های مالی که موسسات بزرگ حسابرسی را در سطح بالایی از استقلال ارزیابی می کنند، برای انجام حسابرسی داخلی نیز آنها را مناسب تر تشخیص دهند. نتایج چندین مطالعه در مورد شرکت هایی که برای

شناخت کمتر منابع برون سازمانی از شرکت، برداشت استفاده کنندگان را از صلاحیت و واقع گرایی بیشتر آنها خنثی می نماید

صورت پذیرد؟

طراحی تحقیق

این مطالعه یک بررسی از متصدیان وام است که در آن گروه های مختلف مشارکت کننده به صورت تصادفی برای دریافت نمونه های مختلفی از ابزارهای تحقیق انتخاب شده اند. هر یک از ابزارهای تحقیق ساختار حسابرسی داخلی متفاوتی دارد. اولین سؤال تحقیق دو نمونه از ترکیب درون سازمانی را مقایسه نموده است. در اولین ترکیب، رئیس حسابرسی داخلی گزارش خود را به مدیر ارشد ارائه می نماید که به اختصار آن را درون سازمانی-گزارش دهنده به مدیر ارشد می نامیم. مدیر ارشد نیز دارای اختیار استخدام و اخراج رئیس حسابرسی داخلی می باشد و رئیس حسابرسی داخلی نیز هیچ گونه ملاقات اختصاصی با کمیته حسابرسی ندارد، مشابه شواهدی که بیشتر در تحقیق سال ۱۹۹۴ راگواناندان و هیوج اشاره شد. در ترکیب دوم درون سازمانی، رئیس حسابرسی داخلی گزارش خود را به کمیته حسابرسی ارائه می نماید و کمیته حسابرسی به تنهایی اختیار استخدام و اخراج رئیس حسابرسی داخلی را دارد که به اختصار آن را درون سازمانی-گزارش به کمیته حسابرسی می نامیم. همچنین رئیس حسابرسی داخلی نیز به صورت اختصاصی با کمیته حسابرسی ملاقات می نماید.

سئوالات تحقیق ۲ و ۳، منابع درون سازمانی-گزارش به کمیته حسابرسی را با منابع برون سازمانی توسط ۵ موسسه بزرگ حسابرسی در حالت های زیر مقایسه می کند:

۱- این موسسات، حسابرسی مستقل صورت های مالی را نیز ارائه می دهند.

۲- ۵ موسسات بزرگ غیر از حسابرس مستقل صورت های مالی شرکت می باشند.

به نظر نمی رسد در عمل نمونه ای وجود داشته باشد که در آن فعالیت های حسابرسی داخلی توسط شرکت های برون سازمانی انجام پذیرد و این شرکت ها گزارش خود را به مدیر ارشد ارائه دهند و مدیر ارشد نیز توانایی اخراج آنها را بدون موافقت کمیته حسابرسی داشته باشد. بنابراین، برای این که نمونه های انتخابی در عمل مصداق داشته باشد، منابع

واحد حسابرسی داخلی حاصل شود. برای تفکیک این تاثیرات، محقق، ساختار گزارشگری را ثابت فرض نموده و گروه های حسابرسی داخلی برون سازمانی و واحدهای درون سازمانی را در حالتی که هر دو به کمیته حسابرسی گزارش می دهند مقایسه نموده است.

اگر حسابرسی داخلی برون سازمانی شرکت، ارائه دهنده حسابرسی مستقل صورت های مالی شرکت نیز باشد، این امر ممکن است باعث تصور بهتر استفاده کنندگان در مورد شناخت حسابرسان داخلی از شرکت شود. به علاوه لاو در ۱۹۹۹ به این نکته اشاره نموده است که شرکت هایی که هر دو نوع خدمات را انجام می دهند، انگیزه بالاتری برای حفظ منافع اقتصادی خود دارند زیرا دستمزد آنها به صورتی رانت گونه برای ارائه هر دو نوع خدمت افزایش می یابد. بنابراین احساس احتمال پیش گیری، کشف و یا گزارشگری از نظر استفاده کنندگان با فرض این که تامین برون سازمانی منابع از طریق حسابرسان مستقل صورت های مالی یا شرکت های دیگر انجام پذیرد ممکن است متفاوت باشد. سئوالات تحقیق زیر به این موضوع بستگی دارد که تامین برون سازمانی منابع از طریق حسابرسان مستقل صورت های مالی انجام شود یا از طریق شرکت های دیگر:

سؤال تحقیق ۲: با فرض این که گزارش واحد حسابرسی داخلی به کمیته حسابرسی ارائه می شود، آیا اگر این فعالیت توسط ۵ موسسه بزرگ حسابرسی مستقل صورت های مالی شرکت انجام پذیرد، بیشتر یک فعالیت پیش گیرنده [RQ2a]، کشف کننده [RQ2b] و یا گزارش دهنده [RQ2c] تقلب در صورت های مالی است یا زمانی که این فعالیت توسط واحد حسابرسی داخلی درون سازمانی صورت پذیرد؟

سؤال تحقیق ۳: با فرض این که گزارش واحد حسابرسی داخلی به کمیته حسابرسی ارائه می شود آیا اگر این فعالیت توسط ۵ موسسه بزرگ غیر از حسابرسان صورت های مالی شرکت انجام پذیرد بیشتر یک فعالیت پیش گیرنده [RQ3a]، کشف کننده [RQ3b] و یا گزارش دهنده [RQ3c] تقلبات در صورت های مالی است یا زمانی که این فعالیت توسط واحد حسابرسی داخلی درون سازمانی

جامعه

جامعه تحقیق حاضر متصدیان بخش وام بانک ها هستند. در اغلب مطالعات حسابداری که جامعه تحقیق آنها متصدیان وام بانک ها هستند از انواع مختلف وام دهندگان تجاری استفاده می شود. به هر جهت بسیاری از وام دهندگان تجاری، صرفاً با شرکت های کوچکی کار می کنند که درآمد اعلامی آنها بالاتر از ۵۰ میلیون دلار می باشد. به طور نمونه موسسات غیردولتی که فاقد واحد حسابرسی داخلی می باشند. بر اساس مباحث موسسه رسمی حسابرسان داخلی، یک شرکت قبل از این که واحد حسابرسی داخلی خود را از یک حد کوچک به حد متوسط توسعه دهد درآمد آن معمولاً به ۱۰۰ میلیون دلار می رسد. شرکتی که در این تحقیق استفاده شده، یک شرکت سهامی عام است که درآمد آن از ۱۵۰ میلیون دلار بالاتر

برون سازمانی در این مطالعه به کمیته حسابرسی گزارش می دهند و این کمیته اختیار استخدام و اخراج آنها را دارد و حسابرسان داخلی نیز به صورت اختصاصی با کمیته حسابرسی ملاقات می کنند.

مطالعه حاضر نظر پاسخ دهندگان را در خصوص متغیرهای وابسته سه گانه ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد:

- برداشت آنها از احتمال پیش گیری از تقلب
- پیشگیری از تقلب برداشت آنها از احتمال کشف تقلب
- برداشت آنها از احتمال گزارش تقلب

مقیاس استفاده شده برای اندازه گیری هر متغیر که برای احتمال هر پاسخ درخواست شده بین صفر (هیچ گونه پیش گیری) تا ۱۰۰ درصد (پیش گیری کامل) است.

جدول شماره ۱: فراوانی اطلاعات تحقیق

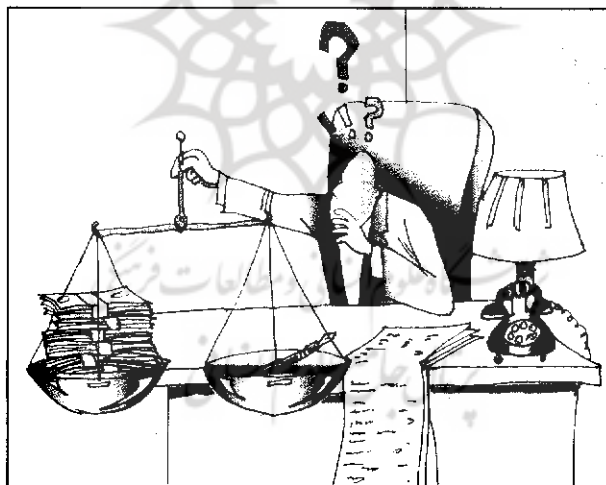
شرح	درون سازمانی - گزارش به مدیر ارشد	درون سازمانی - گزارش به کمیته حسابرسی	برون سازمانی - حسابرس مستقل صورتهای مالی	برون سازمانی - شرکتی غیر از حسابرس مستقل صورتهای مالی	حجم نمونه
تعداد نمونه	۱۴	۱۶	۱۴	۱۹	۶۳
سن (سال)	۴۶/۵	۴۳/۱	۴۱/۱	۴۰	۴۲/۴
تجربه وام دادن (سال)	۱۸/۴	۱۶/۵	۱۴/۱	۱۳/۴	۱۵/۵
تجربه بانکداری (سال)	۲۰/۶	۱۹/۸	۱۶/۶	۱۵	۱۷/۸
درصدی از شغل که به وام دادن اختصاص داده	٪۸۶/۱	٪۸۰/۹	٪۸۱/۴	٪۸۴/۵	٪۸۳/۳
برداشت شخصی: شناخت از حسابرسی داخلی ^{۲۱}	۴/۸	۵/۱	۵/۶	۵	۵/۱
برداشت شخصی: شناخت از حسابرس مستقل	۵/۶	۵/۷	۶/۴	۵/۹	۵/۹
عنوان شغلی:	٪۷۲	٪۸۷	٪۶۵	٪۶۶	٪۷۲
نایب رئیس	-	۱۳	۱۴	۱۱	۱۰
رئیس	۲۱	-	۱۴	۱۷	۱۳
مستول بخش وام	۷	-	۷	۶	۵
تحلیل گر اعتبارات	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

انحراف و کاربرد آن در تصمیم‌گیری مدیران

فاطمه صراف

مقدمه:

کارآئی کمتر (بیشتر) از پیش‌بینی و استانداردهای غیرواقعی از علل عمده انحراف می‌باشند. همیشه در بررسی انحراف باید به ارزش احتمالی حاصل از بررسی توجه داشت. در بررسی انحراف معمولاً تغییرات پولی یا درصدی از محدوده کنترلی به عنوان معیار غربالگری انتخاب می‌شود. اگر احتمال موفقیت PB و هزینه بررسی C در نظر گرفته شود، بررسی انحراف



با توجه به اندازه و طبیعت فزاینده انحرافات، مدیران به نحوی خواهان تعیین علت می‌باشند تا بتوانند اقدامات اصلاحی و تطبیقی مناسب را به کار ببندند

در هر سیستم هزینه یابی استاندارد، انحراف هزینه واقعی از هزینه استاندارد باید مورد ارزیابی قرار گیرد. در دنیای واقعی به ندرت هزینه واقعی با هزینه استاندارد برابر می‌شود که بعضاً ارزیابی آنها غیرعملی و غیر اقتصادی است. محاسبه انحراف اولین مرحله توجه به بررسی انحراف است. مدیران به یافتن علل انحراف بیشتر علاقه مند هستند. با توجه به اندازه و طبیعت فزاینده انحرافات،

زمانی صورت خواهد گرفت که $PB > C$ باشد. به علاوه انحرافات مورد بررسی قرار می‌گیرند که خارج از محدوده کنترلی رخ داده باشد. به منظور تعیین حدود کنترلی انحرافات، معمولاً از فرمول‌های مختلف احتمالات از جمله Bayes استفاده می‌شود.

مدیران به نحوی خواهان تعیین علت می‌باشند تا بتوانند اقدامات اصلاحی و تطبیقی مناسبی را به کار ببندند. به علاوه تعیین علت انحراف، بخش مهمی از سیستم کنترل مدیریت یعنی محول کردن مسئولیت‌ها را مقدور می‌سازد. اطلاعات غلط، تغییرات در هزینه تولید، رویدادهای غیرمنتظره،

به موقع در حسابها ثبت و نقل گردد.

استانداردهای تاریخ گذشته

گاهی انحرافات به علت استانداردهای تاریخ گذشته است که شایع ترین دلیل آن تغییرات بهای تمام شده می باشد. استانداردها ممکن است بر اساس این ایده باشند که بعد از مدت معینی تجهیزات جدید جایگزین گردد. در غیر این صورت پس از انقضای مدت مورد نظر مادامی که تجهیزات قدیم مورد استفاده قرار می گیرد، استانداردها تاریخ گذشته می باشند. گاهی استانداردها برای مشاغل گروهی تدوین شده است که ممکن است بر اساس میانگین سطح تجربه معینی از گروه باشد که با جایگزینی و یا استخدام افراد جدید، استانداردهای قبلی نیز باید مورد تجدید نظر قرار گیرند.

رخدادهای تصادفی

تمامی انحرافات را نمی توان به یک سری علل خاص ربط داد. بعضی از انحرافات در ذات خود فزاینده نیستند یعنی حتی اگر علتی برای آن ها بتوان یافت در دوره های بعدی تکرار نخواهند شد. اگر انحرافی رخ داد مدیران با به کارگیری اطلاعات تاریخی، این واقعیت که آیا انحراف در حدود طبیعی رخ داده است یا خیر را نشان خواهند داد و نوسان تصادفی انحراف را در حدود استاندارد خواهند پذیرفت.

چه زمان انحراف بررسی می شود؟

زمانی که اطلاعات کنترل گردید و استانداردها به روز شدند، آنگاه مدیران باید بروی مقدار و هزینه بررسی انحراف تصمیم گیری کنند. سوال اساسی این است که آیا منافع پیش بینی شده از بررسی، بیشتر از هزینه پیش بینی شده بررسی انحراف می باشد. یک راه معمول برای تعیین اینکه کدام انحراف را بایستی برای بررسی انتخاب کرد این است که معیاری برای غربالگری انتخاب کنیم. برای مثال غربالگری معمول، انحراف پولی به مقدار معین کمتر یا بیشتر از محدوده کنترلی است. کنترل به معنای حدود معمول هزینه است و مدیران هزینه های استاندارد با دو انحراف معیار بیشتر یا کمتر را به عنوان محدوده کنترلی شناخته اند و خارج از این حدود را به عنوان محدوده خارج از کنترل تلقی می کنند.

در این مقاله تلاش شده تا به سؤالاتی نظیر چرا انحراف به وجود می آید و کدام انحراف قابل بررسی است؟ پاسخ مناسب داده شود.

چرا انحرافات رخ می دهند؟

مدیران نظر خود را به علت ایجاد انحرافات معطوف می دارند به طوری که بتوانند از انحرافات نامساعد جلوگیری کرده و یا انحرافات مساعد را در صورت امکان تکرار نمایند. به علاوه ممکن است ارتباطی بین انحرافات وجود داشته باشد. برای مثال انحراف نامساعد در یک هزینه (درآمد) ممکن است به علت انحراف مساعد در سایر هزینه ها (درآمدها) باشد. انحراف مساعد الزاماً به معنی مطلوب بودن آن نیست، بنابراین صرف دانستن اینکه انحراف رخ داده است کافی نمی باشد، بلکه دانستن اینکه چرا انحراف رخ داده است و چگونه با دیگر انحرافات ارتباط دارد نیز ضروری است. گرچه ارائه دلایل تمام شمولی از ایجاد انحرافات مشکل است ولی می توان به طبقه بندی زیر توجه داشت:

اول این که انحرافات می توانند ناشی از اطلاعات غلط باشند.

دوم این که تغییرات در هزینه های تولید می تواند به انحراف منجر شود که لزوم بازبینی استانداردها را در پی دارد.

سوم این که انحرافات در نتیجه رخدادهای طبیعی باشند و دست آخر اینکه انحراف ممکن است در نتیجه عملکرد با کارائی پائین و یا بالا بوجود آمده باشد.

اطلاعات غلط

هزینه ها ممکن است به طرز غلطی از زمان دریافت مواد تا حمل محصول نهائی ثبت گردد. آیا هزینه ها با روش خاص حسابداری ثبت می گردد؟ آیا اطلاعات به طرز صحیحی جمع آوری و ثبت می شوند؟ گاهی محصولات و خدمات از دوایر بسیاری عبور می کنند و هر چه اطلاعات ثبتی بیشتر باشد میزان اشتباهات احتمالی بیشتر خواهد بود. اطلاعات غلط در بسیاری از موارد موجب انحراف است که در این حالت مدیران باید سیستمی را طراحی کنند که اطلاعات اولیه درست و

چگونگی بررسی انحرافات - تقابل سود و هزینه

زمانی که انحراف تعیین گردید در صورت ضرورت بررسی آن، مدیران می توانند از روش ارزش مورد انتظار استفاده کنند. در این روش دو پیش بینی برای بررسی صورت گرفته است، شکست یا موفقیت. اکنون اگر C هزینه بررسی، B منافع حاصل از بررسی و P احتمال موفقیت و $(1-P)$ احتمال شکست باشد، آن گاه:

انجام بررسی	شکست	موفقیت
عدم انجام بررسی	- ریال	+ ریال
احتمال موفقیت	$(1-P)$	P

اگر منافع حاصل از بررسی کمتر از هزینه انجام بررسی باشد، بررسی انجام نخواهد شد. حتی اگر احتمال موفقیت $(P=1)$ باشد. جدول (۱) نشان می دهد که اگر بررسی انجام شود و موفقیت آمیز باشد منافع آن از هزینه بیشتر خواهد بود و اگر انجام بررسی به شکست منجر شود، هزینه بررسی از دست خواهد رفت. با توجه به رابطه $EV = PB - C$ در صورت عدم بررسی، ارزش مورد انتظار (EV) برابر صفر است و هر گاه $PB > C$ باشد بررسی انجام خواهد شد و اگر $PB < C$ باشد بررسی صورت نمی گیرد.

حدود کنترلی

در اکثر شرکت ها شیوه های خاصی وجود دارد که بر مبنای نمونه گیری از تولید است. ارزیابی نمونه ها راهی برای امتحان کل مجموعه تولید می باشد. نمونه گیری را می توان به طور ساعتی، شیفیتی، روزانه، هفتگی یا ماهیانه انجام داد. هر نمونه دارای یک میانگین با محدوده ای در حدود آن است، که به وسیله آن اهداف حدود کنترلی^۱ تعیین و اعمال می گردد. به وسیله حدود کنترلی تصمیم گیری مدیران درباره بررسی انحراف به نحو بهتری انجام خواهد شد. حدود کنترلی به بهترین وجه زمانی مفید هستند که راهی برای اندازه گیری خصیصه های تولید وجود داشته باشد. هر گاه تعداد نمونه ها بیشتر باشد مدیران می توانند یک

میانگین کلی از همه نمونه ها بدست آورند که با \bar{X} نشان می دهند. به وسیله میانگین کلی (\bar{X}) و متوسط دامنه (\bar{R}) می توان حدود کنترلی برای \bar{X} را با فرمول ذیل محاسبه نمود:

$$\bar{X} + F\bar{R}$$

در فرمول فوق F فاکتور حدود کنترلی برای \bar{X} است. حدود \bar{R} را می توان بدین گونه بدست آورد:

$$UR : \text{حد بالای کنترل}$$

$$LR : \text{حد پایین کنترل}$$

U و L فاکتورهای حدود کنترلی برای R با توجه به تعداد نمونه ها می باشند.

به روشی دیگر می توان با توجه به ضریب اطمینان، Z را تعیین و حد بالا و پائین کنترل برای \bar{X} را مشخص کرد.

$$\bar{X} + ZS_x$$

S_x انحراف معیار از میانگین کلی است که با فرمول ذیل بدست می آید.

$$S_x = \sqrt{\frac{\sum (\bar{X}_i - \bar{X})^2}{n-1}}$$

با استفاده از انحراف معیار از متوسط دامنه (S_R) و Z (با توجه به مقدار ضریب اطمینان تعیین می گردد)، حد بالا و پائین کنترل برای \bar{R} حاصل می شود.

$$\bar{R} + ZS_R$$

$$S_R = \sqrt{\frac{\sum (R_i - \bar{R})^2}{n-1}}$$

در نتیجه نمونه گیری، مدیران استانداردی به عنوان حدود کنترلی تعیین می کنند که ممکن است بر مبنای میانگین کلی یا متوسط دامنه با محدوده ای در حدود آن باشد (انحراف معیار). حدود کنترلی تحت قوانین دولتی یا شرایط بازار قرار گرفته و بنابراین، ممکن است قرینه نباشند.

محاسبه احتمالات مجدد در مدل بیزین

و بررسی بیشتر انحرافات

محاسبه احتمالات مجدد بر اساس مدل بیزین روشی است که مدیران از آن برای بررسی فرایندهای تحت کنترل یا خارج از کنترل استفاده می کنند. مدل بیز به مدیران این

هزینه ها باشد.

بررسی بیشتر انحرافات مساعد

اغلب در مباحث بررسی انحرافات، تأکید بر انحرافات نامساعد است. با تأکید به مدل بیزین برای اتفاقات خارج از کنترل، توجه به انحرافات مساعد قابل توجه است. گاهی گزارش های مدیران هم انحرافات مساعد و هم نامساعد را نشان می دهد. ممکن است انحرافات به هم ارتباط داشته باشند. بنابراین یک انحراف مساعد در یک دایره شاید در نتیجه انحراف نامساعد در جای دیگری باشد. با بررسی انحراف مساعد می توان تکنیک خاص یک مدیر را که به کاهش هزینه و یا افزایش فروش منجر شده است، مورد بررسی قرار داد. بنابراین با تأکید بر انحرافات نامساعد و توجه به قسمت های نا کارآمد چنین تلقی می شود که از سایر نواحی غفلت شده است.

نتیجه گیری

محاسبه و یافتن علل انحراف با توجه به طبیعت فزاینده آن برای انجام اقدامات اصلاحی و تطبیقی ضروری است. تعیین علت انحراف، ابزار مهمی از سیستم کنترل مدیریت به شمار می رود. اطلاعات غلط، تغییرات در هزینه تولید، رویدادهای غیر منتظره، کارائی کمتر (بیشتر) از پیش بینی و استانداردهای غیر واقعی از علل عمده انحراف می باشند. همیشه در بررسی انحراف باید به ارزش احتمالی حاصل از بررسی توجه داشت و معیار خاصی برای بررسی انحراف تعیین کرد. در روش تقابل سود- هزینه هرگاه $PB > C$ باشد بررسی انجام خواهد شد و اگر $PB < C$ باشد بررسی صورت نمی گیرد. یکی از روش های بررسی انحراف و اعمال کنترل مدیریت حدود و چارت کنترلی است که به کمک آن می توان حد بالای کنترل و حد پائین کنترل را تعیین کرد. مدل احتمالات بیزین روشی است که مدیران از آن برای بررسی فرایندهای تحت کنترل یا خارج از کنترل استفاده می کنند که در آن برآوردهای قبلی درباره کنترل یک فرایند با اطلاعات جدید ترکیب شده و در نتیجه احتمال فرایندی که تحت کنترل است مورد تجدید نظر قرار می گیرد.

امکان را می دهد تا برآوردهای قبلی درباره کنترل یک فرایند را با اطلاعات جدید ترکیب کنند. در نتیجه احتمال فرایندی که در کنترل است مورد تجدید نظر قرار می گیرد.

جهت استفاده از مدل بیزی به اطلاعات اضافی نیاز است. ابتدا قبل از نمونه گیری جدید، به احتمال برآورد شده تحت کنترل بودن فرایند احتیاج داریم. آن گاه بعد از نمونه گیری، با در نظر گرفتن میزان احتمال تحت کنترل و خارج از کنترل میانگین کلی، مدل بیز را اجرا می کنیم. اگر P برابر احتمال رویدادی باشد نظیر:

$$P = \text{احتمال وقوع رویداد مورد نظر در فرایند تحت کنترل} \\ P = \text{احتمال وقوع رویداد مورد نظر در فرایند خارج از کنترل} \\ P = \text{احتمال وقوع رویداد مورد نظر در فرایند نامساعد} \\ P = \text{احتمال وقوع رویداد مورد نظر در فرایند مساعد}$$

از آنجائی که P (خارج از کنترل) برابر $1-P$ (تحت کنترل) است، بر اساس جدول Z و احتمالات نرمال انباشته ابتدا باید توزیع را استاندارد کرد. اکنون احتمال تجدید نظر شده با استفاده از مدل بیز بدین قرار است:

$$P = \text{احتمال کنترل} = P_1 \text{ (تحت کنترل) مشاهده شد} \\ P = \text{خارج از کنترل} = P_2 \text{ (خارج از کنترل) مشاهده شد} \\ P = \text{تحت کنترل} = P_1 \text{ (تحت کنترل) مشاهده نشد}$$

در بیشتر موارد، فرایندهای خارج از کنترل دارای انحراف معیار بزرگتری از فرایندهای تحت کنترل هستند. احتمالات تجدید نظر شده یک ایده کلی است و استفاده از آن همیشه عملی نیست. با این وجود روش ارزشمندی برای بررسی انحرافات می باشد.

بعد از بررسی چه می شود؟

بررسی انحرافات از هزینه های استاندارد دو هدف را تأمین می کند:

اول، به عنوان قسمتی از فاز کنترل اطلاعات مدیریت تلقی می شود.

دوم، به صورت ایده ای برای برنامه ریزی دوره بعد مورد استفاده قرار می گیرد. مدیران در جستجوی روش هایی هستند که در جهت بهبود سودآوری و کاهش

پی نوشت



4- **Charles T. Horngren and George Foster.** (2000). When to investigate. *Cost Accounting, A Managerial Emphasis. Prentice Hall.*

5- **Jacobs, F.** (1983). When and how to use Statistical cost Variance Investigation Techniques. *Cost and Management* (January / February).

6- **Maurical Hirsch.** (1998). Variance investigation. Advanced management accounting. *South Western Publishing Co.*

7- **Managers' Variance Investigation Decision.** An Experimental Examination of probabilistic behavioral decision making 14 (2001). *Journal of Behavioral decision Making.*

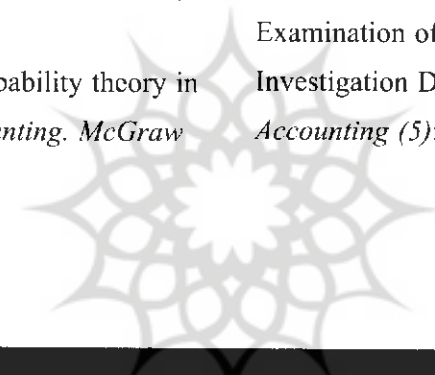
8- **Ralphs. Polimini.** (1998). Probability theory in Varince Investigation. *Cost Accounting. McGraw Hill: 790-800*

1- Control Limit

منابع و مأخذ
۱- دکتر علی تقفی، احمد ظریف فرد. کاربرد سیستم کنترل در تجزیه و تحلیل انحرافات بهای تمام شده. فصلنامه علمی و پژوهشی. «بررسی های حسابداری». سال پنجم. شماره ۱۹ و ۱۸.

2- **Balakrishnan, R. And G. B Sprinkle.** (2002). Integrating profit Variance Analysis and Capacity Costing To provide Better managerial Information. *Issues in Accounting Education* (May): 149 161.

3- **Cohen, j. and L. R raguette.** 1996. A Further Examination of Factors Affecting The Variance Investigation Decision. *Advances in Management Accounting* (5): 115 138.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



نرم افزارهای یکپارچه مالی اداری کاکتوس
ابزاری کارآمد در دست مدیران

- حقوق و دستمزد
- دبیرخانه
- سرویس مشتری
- حمل و نقل
- پخش مویرگی
- قرض الحسنه
- دفتر تلفن ...
- حسابداری
- انبارداری
- خرید و فروش
- چک
- صندوق
- کنترل موجودی تولید
- قیمت تمام شده

کاکتوس
CACTUS

تحت انواع ویندوز و شبکه
Windows 98/Me/2000/XP
SQL Server 2000

شرکت کاکتوس کامپیوتر

تهران. سهروردی شمالی. مقابل پمپ بنزین. پلاک ۲۱۸. طبقه هفتم. واحد شرقی
۸۸۴۲۷۱۳۰ ۸۸۴۴۴۲۱۹ ۰۹۱۲-۳۲۲۳۸۰۳

راهنمای مؤسسات حسابرسی

مؤسسه حسابرسی آذین حساب

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

ابوالقاسم معماری
مجید کیانی
مهدی رضا قاسمیان

نشانی: اصفهان - میدان آزادی - ساختمان
آزادی - طبقه ۲ - شماره ۶
(بلوک A, B)

تلفن: ۰۳۱۱-۶۴۴۱۹۱۷ و ۸

فکس: ۶۶۱۰۵۹۶

صندوق پستی: ۸۱۶۴۵-۳۹۵

مؤسسه حسابرسی آریابهروش

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

فتحعلی ولایی
مرتضی شعبانی
فرامرز میرزایی صلحی

نشانی: خ ملاصدرا - شیراز جنوبی - انتهای
گرمسار شرقی - ساختمان کردستان
واحد ۶

تلفن: ۸۸۰۳۴۴۰۶

فکس: ۸۸۰۳۴۴۸۲

کد پستی: ۱۴۳۵۸۸۴۴۳

مؤسسه حسابرسی آزموندگان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مهرداد آل علی
فرهاد فرزاد

نشانی: تهران - خیابان کریم خان زند
خ حافظ - شماره ۷۰۱ - طبقه ۴

تلفن: ۸۸۸۰۳۴۶۵-۸۸۸۰۲۶۳۹

فکس: ۸۸۹۲۶۷۵۴

صندوق پستی: ۱۴۳۳۵-۷۹۷

مؤسسه حسابرسی آزموه کاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مسعود بختیاری سوجبلاغی
علی اصغر فرخ
علی خیراندیش
جعفر نیکدل

نشانی: میدان آرژانتین - خیابان الوند
خیابان ۲۷ - پلاک ۱۹ - طبقه ۲

تلفن: ۸۸۷۹۲۵۷۹

فکس: ۸۸۷۷۱۳۸۰

صندوق پستی: ۷۳۱۸-۱۹۳۹۵

مؤسسه حسابرسی آنگاه تدبیر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

سعید برهانی
سیامک فتحی دهکردی

نشانی: تهران: شهرک قدس - بلوار فرحزادی
بعد از چهار راه دریا - نیش کوچه ایرانی
ساختمان مروارید - واحد یک

تلفن: ۲۲۳۶۷۷۸۴ فکس: ۲۲۳۶۷۷۸۴

نشانی اصفهان: خیابان چهار باغ بالا

مجمع پارسیان - طبقه دوم - واحد ۴۰۶

تلفن: ۰۳۱۱-۶۲۷۴۹۹۱

فکس: ۰۳۱۱-۶۲۷۳۵۶۹

مؤسسه حسابرسی ارقام نگر آریا

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مصطفی احمدی وسطی کلایی
قاسم شیخانی
سید محمد رضوی
اسفندیار گرشاسبی

نشانی: تهران - خیابان شریعتی - نرسیده به
خیابان بهار شیراز - پلاک ۴۱۱ - واحد شماره ۲

تلفن: ۷۷۵۰۱۹۱۳-۶۶۴۸۲۲۸۵

فکس: ۷۷۵۰۱۹۱۳

کد پستی: ۱۶۱۳۹۹۴۵۳۴

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت اصول پایه فراگیر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

ابراهیم موسوی
هوشنگ منوچهری
حسن صالح آبادی

نشانی: تهران - خ مطهری - جنب باشگاه
بانک سپه - پلاک ۴۳ - طبقه چهارم

تلفن: ۸۸۴۱۱۵۰۵ و ۸۸۴۲۳۵۳۴

کد پستی: ۱۵۶۷۷۱۷۸۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۹۳۵

مؤسسه حسابرسی

امین حسابرسی افق

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

حبیب رودساز
عبدالامام عبدالحسین مزرعی
امیر آقامیری موسوی
کامران سلیمی

نشانی: تهران - شهرک غرب - فاز ۴ - خیابان
دادمان - بلوار درختی - کوچه پنجم -
پلاک ۲ - زنگ سمت چپ

صندوق پستی: ۱۷۷۹-۱۴۶۶۵

تلفن: ۸۸۵۷۵۴۷۵

فکس: ۸۸۵۷۵۴۷۶

مؤسسه حسابرسی و خدمات

مدیریت برترین پژوهشگر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

محمد حسین دادگستر
مصطفی باتقوا
محمد علی دعایی

نشانی: تهران - سعادت آباد - میدان کاج
مجمع تجاری اداری سروستان
طبقه سوم - واحد ۳۰۸

تلفن: ۲۲۰۹۱۳۲۰ و ۴۳

فکس: ۲۲۰۸۰۸۱۷

کد پستی: ۱۹۹۷۹۹۸۳۵۵

دانش پژوهش حسابداری

راهنمای مؤسسه حسابداری

مؤسسه حسابداری بهراد مشار

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مهربان پروز
رضا یعقوبی
فریده شیرازی
شیرین مشیر

نشانی: تهران - خیابان مطهری - خیابان فجر
(جم سابق) - پلاک ۲۹ - طبقه دوم

تلفن: ۸۸۳۲۶۵۲۷ - ۸
فکس: ۸۸۳۰۹۴۹۰

مؤسسه حسابداری به روز آوران اندیش

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

حمید طباطبائی زاده فشارکی
داریوش فارسی منش
عبدالناصر احمدیان مزرعه یزدی
علیرضا مسعود خرسندی

نشانی: خیابان دکتر شریعتی - نیش میرداماد
ساختمان ۲۰۰۰ - طبقه دوم - واحد ۱۰

تلفن: ۲۲۲۲۸۴۴۵
فکس: ۲۲۹۱۳۲۴۰
کد پستی: ۱۴۳۵۸۸۴۱۴۳

مؤسسه حسابداری پرتو حساب تهران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

اصغر بختیاری
ناصر بیک

نشانی: خیابان کارگر شمالی - خیابان نصرت
بعد از جمال زاده - پلاک ۲۵۰
واحد ۱۴

تلفن: ۳ و ۷۹۵۲۳ - ۶۶۹۰۷۹۵۲ - ۶۶۹۴۹۱۴۹
فکس: ۶۶۹۰۷۹۵۳ و ۶۶۹۴۹۱۴۹
کد پستی: ۱۴۱۹۸ - ۵۳۸۱۱

مؤسسه حسابداری و خدمات مدیریت پرسپان پاد

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

محمد رضا ستارزاده
رسول نصیری خوبدهی

نشانی: خیابان طالقانی - بعد از چهارراه
مفتح - ساختمان ۲۹۰ - طبقه سوم

تلفن: ۸۸۳۰۷۳۱۷
فکس: ۸۸۸۲۸۱۴۳

مؤسسه حسابداری و خدمات مدیریت حساب گستر پویا

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

اصغر خرمی دیزجی
علی صاره راز

نشانی: تهران - خیابان طالقانی

بعد از چهار راه بهار - کوچه وزین
پلاک ۵۶۳ - طبقه چهارم

تلفن: ۷۷۶۰۳۲۵۲
فکس: ۷۷۵۰۷۵۴۸

مؤسسه حسابداری فردمندان حساب

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

ایرج نجفیان
فرهاد بهزادی
محمد حسین آبادی

نشانی: تهران - خیابان کارگر شمالی - نرسیده
به پمپ بنزین - کوچه اشراقی -
پلاک ۴ - طبقه دوم

تلفن: ۳ - ۶۶۹۱۵۶۸۲
فکس: ۶۶۴۳۹۵۵۵
صندوق پستی: ۱۴۱۴۵ - ۵۱۹

مؤسسه حسابداری داوران حساب

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

شعبان حبیب پور کوچکی
نادر بسنده
عباسعلی نیک نفس

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی - خیابان
شهدا - شماره ۱۷ - طبقه ۴ - واحد ۱۷

تلفن: ۸۸۷۲۴۸۴۱ - ۸۸۷۲۴۸۶۱
فکس: ۸۸۷۲۸۲۴۲
صندوق پستی: ۱۴۳۳۵ - ۱۳۳۶

مؤسسه حسابداری و خدمات مالی دایارایان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

علی امانی
رضا مستاجران
غلامحسین دوانی

نشانی: خیابان مطهری - خیابان کوه نور
خیابان هفتم - شماره ۵۰
طبقه دهم - واحد ۱۰۲ - ۱۰۱

تلفن: ۵ و ۸۸۷۳۹۰۸۳
فکس: ۸۸۷۳۹۰۵۶

مؤسسه حسابداری و حسابداری دقیق

عضو انجمن حسابداری ایران

شرکا:

یداله فلاحتی
روح اله خانی اوشانی

نشانی تهران: کوی نصر - خ ۱۴ - پلاک ۲۲
نشانی کرمان: خیابان آذر - کوچه ۵
شماره ۵۰

تلفن تهران: ۸۸۲۸۸۸۲۶ - ۱۲۴۳۸۹۹
فکس کرمان: ۲۴۶۴۰۷۲ - ۳۴۱

راهنمای مؤسسات حسابرسي

مؤسسه حسابرسي ديلمی پور و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

نصرت اله تشخیصی
CPA مصطفی ديلمی پور
نصراله سعادتى

نشانی: تهران - بزرگراه آفریقا - پلاک ۲۳
مجمع ادارى الهیه - طبقه ۶ - واحد ۶۰۶

تلفن: ۲۲۰۴۹۴۹۷

فکس: ۲۲۰۱۷۵۰۲

صندوق پستی: ۱۹۶۶۷-۴۳۸۸۸

مؤسسه حسابرسي رمز پویا

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

حسن حیاط شاهى
مصطفی علوی

نشانی: تهران - بلوار میرداماد، میدان مادر
خ محسنی، کوچه یکم، شماره ۲۳، طبقه ۱

تلفن: ۲۲۹۰۳۰۱۸-۲۲۲۷۵۱۳۱

فکس: ۲۲۲۷۸۷۶۴

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۴۹۷۳

مؤسسه حسابرسي و خدمات مدیریت رهبین

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

حسین شیخ سفلی
فرامرزی نوروزی
محمد حاجی پور

نشانی: تهران - سهروردی شمالی - بالاتراز
آپادانا - خیابان سراب - پلاک ۱۸ - واحد ۱۲

تلفن: ۲۱ و ۸۸۷۴۹۰۲۰

فکس: ۸۸۷۴۷۸۲۸

مؤسسه حسابرسي رهیافت و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مجید صفاتی
حسن حاجیان
محمدصفا دهقان
مصطفی جهانبانی

نشانی تهران: خیابان سهروردی شمالی - نرسیده
به میدان شهید قندی - شماره ۱۵۹ - طبقه ۳
نشانی مشهد: بلوار فردوس - خیابان ابن سینا
غربی - پلاک ۲۳۷ - ساختمان رهیافت

تلفن تهران: ۸۸۵۰۳۹۱۷-۱۸

تلفن: ۰۵۱۱-۶۰۷۴۸۵۱

فکس: ۰۵۱۱-۶۰۴۳۴۲۱

مؤسسه حسابرسي سپاهان تراز

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران
شرکا (حسابداران رسمی):

سیدامیر حسین ابیطحی نائینی
مهران پوریان
علیرضا جعفری نسب
عباس حیدری کهریتی
سیدشهریار نوریان

نشانی تهران: بلوار میرداماد - خ شهید حصارى
(رازان جنوبی) - بن بست بیست و یکم - پلاک ۴
طبقه دوم

تلفن: ۲۲۹۰۳۷۵۹-۲۲۹۰۳۷۵۸

فکس: ۲۲۲۷۶۳۳۸

تلفن دفتر اصفهان: ۰۶۶۹۹۵۹۵-۰۶۶۹۹۴۴۴ (۰۳۱۱)

فکس دفتر اصفهان: ۰۶۶۸۷۶۰۰ (۰۳۱۱)

تلفاکس دفتر یزد: ۰۲۵۱۱۸۲۵۳۹۶۱ (۰۳۵۱)

مؤسسه حسابرسي شافعی اندیشان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

احد شله چی
جهانگیر رضائی
مجتبی الهامی
کوروش شایان
علیرضا شایان
حمیدرضا شایان

نشانی: تهران - خیابان ظفر - خ نفت شمالی
نبش خیابان نهم - پلاک ۳۱/۱۱۴ - طبقه ۶
واحد ۲۲ و ۲۳

تلفن: ۲۲۲۷۲۱۹۰-۲۲۲۷۲۱۹۹-۲۲۹۰۲۶۰۲۶

فکس: ۲۲۹۰۴۲۰۰

مؤسسه حسابرسي عامر مشاور تهران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

معصومه شعبان
اکرم علیاری
محبوب مهدی پور بهمیری
حمید رضا خواجوی

نشانی: فلسطین شمالی - مابین بلوار کشاورز
و زرتشت - پلاک ۳۹ - ساختمان ۵۵
طبقه ۴ - واحد ۱۸

تلفکس: ۸۸۹۰۵۶۴۷-۸۸۹۰۳۳۸۹-۸۸۸۹۰۶۱۹

کد پستی: ۱۴۱۵۸-۴۳۳۳۸

مؤسسه حسابرسي فراگیر اصول

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مراد جعفر زاده اسلامی
مسعود جعفر زاده اسلامی
علی صدر پناه

نشانی: خ ۲۳ گاندی - پلاک ۲۱ - واحد ۲

تلفن: ۸۸۶۶۱۲۶۹

فکس: ۸۸۶۶۱۲۶۹

مؤسسه حسابرسي شراکت

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

سیروس گوهری
مجید کشور پزوه لنگرودی
حسن فرنیبا

نشانی: تهران - خ دکتر بهشتی - خیابان
قائم مقام فراهانی - ساختمان ۲۱۶ - طبقه ۴

تلفکس: ۸۸۷۱۷۶۵۱-۸۸۷۱۷۶۵۰

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۶۶۶

راهنمای مؤسسات حسابرسی

مؤسسه حسابرسی فردا پدید و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

حسن تنگ عیش
فرانک زنده نوش

نشانی: تهران - میدان جهاد (فاطمی)
کوچه کامران - پلاک ۱۵ - طبقه ۴
واحد ۸

تلفن: ۸۸۸۹۹۰۷۰ و ۸۸۸۹۹۱۴۱
فکس: ۸۸۸۹۹۷۰۵
کد پستی: ۱۴۱۵۸۹۵۳۹۸

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت میوز

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

حسین سیادت خو
محمدنبی داهی
سعید سینایی مهربانی

نشانی: تهران - بلوار کریمخان زند
خیابان آبان جنوبی - خیابان سپند
شماره ۹۲ - طبقه سوم - واحد ۶

تلفن: ۸۸۸۰۲۹۰۱ و ۸۸۹۰۱۵۴۷ و ۸۸۹۰۷۶۷۹
صندوق پستی: ۱۵۹۸۶۸۵۵۱۷



شرایط پذیرش مقاله ها و چگونگی ارسال آن ها

شرایط قبول مقاله ها:

الف: از لحاظ محتوا

- ۱- در جهت هدف های نشریه باشد.
- ۲- جنبه علمی یا پژوهشی یا تخصصی یا حرفه ای داشته باشد.
- ۳- حاصل مطالعات، تجربه ها و پژوهش های نویسنده باشد.
- ۴- در صورت ترجمه، مقاله حاوی موضوعات جدید و تجارب خاص بوده که با مقتضیات و شرایط جامعه متناسب باشد.
- ۵- قبلاً برای هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی ارسال و یا در هیچ یک از آنها چاپ نشده باشد.

ب: از لحاظ شکل ظاهری

- ۱- ارسال ۲ نسخه از مقاله تایپ شده (حداکثر ۱۲ صفحه تایپ شده با برنامه Word-XP و همراه با دیسکت).
- ۲- چکیده ای در حدود ۱۵۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی همراه مقاله باشد.
- ۳- مقاله های ترجمه شده با نسخه ای از متن اصلی همراه باشد.

- ۴- فهرست منابعی که مورد استفاده قرار گرفته بدون ذکر شماره ردیف بر روی صفحه ای مستقل و با توجه به الگوی زیر درج شود:

- الف) کتاب تألیف شده: نام خانوادگی و نام نویسنده. (تاریخ نشر). نام کتاب، محل انتشار، ناشر.
- ب) کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی و نام مؤلف. (تاریخ تألیف). نام کتاب به فارسی، نام و نام خانوادگی مترجم، ناشر، تاریخ ترجمه.
- ج) مقاله: نام خانوادگی و نام. (تاریخ نشر). عنوان مقاله. نام مجله، شماره انتشار، شماره صفحات استفاده شده.

ضوابط نهایی پذیرش مقاله ها برای چاپ در فصلنامه

مقاله های تألیفی، تحقیقی و ترجمه ای را حداقل دو تن از اعضای شورای سردبیری مورد ارزیابی قرار می دهند و پذیرش نهایی منوط به موافقت قطعی مدیر مسئول است.

نحوه ارسال مقاله:

خواهشمند است مقاله های خود را با رعایت موارد فوق همراه با نام ای با ذکر نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، مرتبه علمی، محل اشتغال، نشانی پستی و الکترونیکی و شماره تلفن به عنوان سردبیر مجله ارسال فرمایید.



بانک کارآفرین

دانش جهانی، راه حل ایرانی

هماهنگ با شما

در کنار شما



Global Knowledge
Local Solutions

همسو با آخرین تکنولوژی روز جهان

طیف کامل خدمات بانکی

مناسب با نیازهای شما

تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام

خدمات هر قدر بزرگ باشد از نظر ما کافی نیست



✓ رؤوس خدمات ما:

- اعطای تسهیلات در راستای ایجاد اشتغال و افزایش تولید و ارائه خدمات به اقشار مختلف جامعه.
- پرداخت بیشترین سود علی الحساب به سپرده گذاران (بلند مدت یکساله ۲۰٪ سپرده ۶ ماهه ۱۴٪ و کوتاه مدت ۱۳٪)
- پرداخت سود قطعی سالهای ۸۱ و ۸۲ (۳ و ۴٪ بیشتر از نرخ علی الحساب).
- امکان استفاده از سیستم SMS به منظور اطلاع رسانی از انواع حسابها.
- انجام ۳ مرحله قرعه کشی حسابهای پس انداز در سال ۸۳ و اعطای دهها هزار جایزه از قبیل واحد مسکونی، خودرو، شمش طلا و ...

✓ ارائه خدمات روز دنیا در دستور کار ماست.

- ایجاد زمینه استفاده از کارتهای الکترونیکی با امکان نگهداری تا ۷ نوع حساب.
- تهیه و نصب دستگاههای خودپرداز ATM با قابلیت پیشرفته دریافت و پرداخت.
- واریز و برداشت از حسابها بصورت ONLINE در سراسر کشور ۲۴ ساعته در ۷ روز هفته.
- تهیه و نصب سیستمهای گویا از قبیل تلفن بانک و ارسال و اعلام اطلاعات تعریف شده.
- ایجاد امکان استفاده از Internet Banking جهت انجام امور مشتریان از طریق رایانه شخصی.

((منتظر خدمات نوین ما باشید))

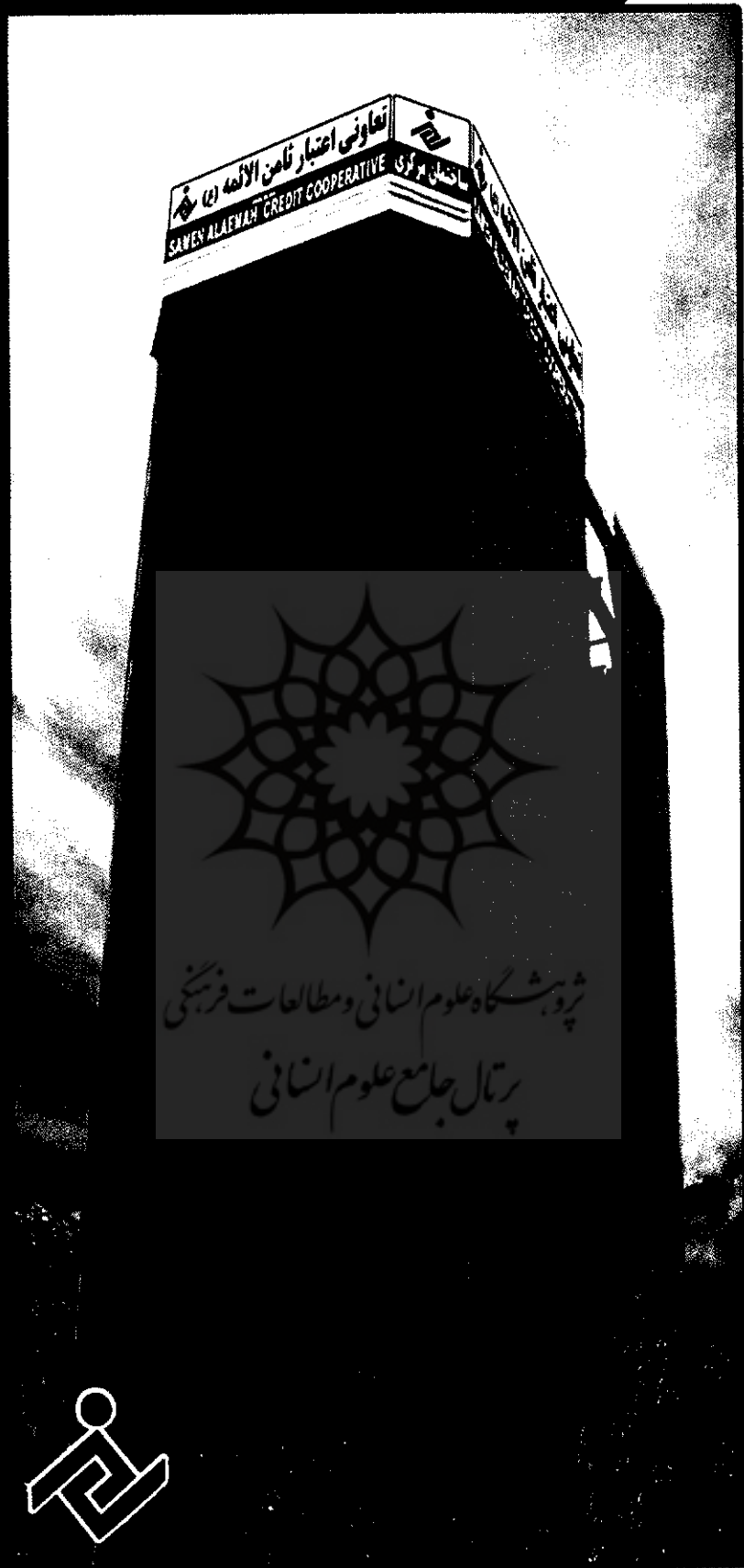
نرخ سود سپرده ها

۱۳ درصد	سرمایه گذاری کوتاه مدت	تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام
۱۴ درصد	سرمایه گذاری کوتاه مدت ویژه (۶ ماهه)	به منظور جذب منابع مردمی در جهت
۲۰ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (یک ساله)	ارائه خدمات بانکی نسبت به پرداخت سود
۲۰/۵ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (دو ساله)	به سپرده گذاران به صورت علی الحساب
۲۱ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (سه ساله)	و نهایتاً اعطای سود قطعی در پایان هر
۲۱/۵ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (چهار ساله)	سال مالی اقدام مینماید.
۲۲ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (پنج ساله)	تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام
		در راستای اهداف نظام بانکداری اسلامی
		پرداخت سود قطعی به سپرده گذاران را
		پس از تصویب صورتهای مالی پرداخت می نماید.

سود علی الحساب سپرده های فوق بطور روز شمار پرداخت میگردد.

تعاونی اعتبار ٹامن الائمه عليه السلام با بیش از ۳۰۰ شعبه در سراسر کشور آماده ارائه خدمات نوین مالی و اعتباری به هموطنان عزیز می باشد

تعاونی اعتبار ٹامن الائمه عليه السلام



تعمیر و احداث سازه

دفتر مرکزی: تهران - خیابان گاندی - خیابان پانزدهم تلفن: ۱۹-۸۸۵۰۰۱۸-۸۸۲۰۷۲ فاکس: ۸۷۹۳۲۹۳

web: www.samentaavoni.ir

Email: info@samentaavoni.ir

انجمن حسابداری ایران

دوره‌ی آموزشی آمادگی کارشناسی ارشد



انجمن حسابداری ایران به‌عنوان تنها ارگان علمی - تخصصی کشور در پی درخواست‌های مکرر دانشجویان اقدام به برگزاری اولین دوره‌ی آموزشی آمادگی کارشناسی ارشد حسابداری برای داوطلبان ورود به مقطع کارشناسی ارشد می‌کند

شرایط داوطلبان:

- ۱) فراغت از تحصیل یا گذراندن حداقل ۱۰۰ واحد درسی تا پایان تیر ۱۳۸۵.
- ۲) شرکت در آزمون ورودی تعیین سطح.
- ۳) کسب معدل کل بالاتر از ۱۴ تا زمان ثبت نام.
- ۴) توانایی حضور در کلاس‌های دوره حداقل دو روز در هفته از ساعت ۱۶ تا ۲۰.
- ۵) ثبت نام حداقل در ۲ درس، آزمون‌های تعیین سطح و ارزش‌یابی، و دوره ویژه حل تست.

ویژگی‌های دوره:

- ۱) استفاده از مجرب‌ترین استادان دانشگاه‌ها که در برگزاری دوره‌های آمادگی کارشناسی ارشد تخصص و تجربه هستند.
- ۲) استفاده از شیوه‌های نوین برای آموزش توانایی‌های خواندن زبان انگلیسی عمومی و تخصصی.
- ۳) اعطای نمرات به دانشجویانی که معدل بالای ۱۷ دارند یا در آزمون ورودی حضور داشته‌اند.
- ۴) آموزش تمام دروس به‌صورت آنلاین در آخرین برنامه‌های درسی دانشگاه‌های معتبر ایران.
- ۵) عضویت رایگان در انجمن حسابداری ایران.

برنامه‌ی دوره‌ی آموزشی آمادگی کارشناسی ارشد:

۵ ساعت	آموزش ورودی - تعیین سطح
۵۰ ساعت	حسابداری مالی
۵۰ ساعت	حسابداری صنعتی
۳۰ ساعت	مرور حسابرسی
۵۰ ساعت	مرور ریاضی و آمار
۳۰ ساعت	زبان عمومی - مهارت‌های خواندن
۳۰ ساعت	زبان تخصصی - متون تخصصی
۳۰ ساعت	آزمون نهایی ارزش‌یابی
۳۰ ساعت	دوره ویژه حل تست در ۱۰ جلسه

نهفته‌های محدودی دارند. مثلاً، کورمندی^{۴۵} و لایپ (۱۹۸۷)، و ایستون^{۴۶} و زمیجوسکی^{۴۷} (۱۹۸۹)، دریافتند که هر قدر پایداری بیشتر باشد، ERC بالاتر است.

در پایان دهه ۱۹۸۰ شماری از مطالعات به واپس‌نگری و ارزیابی دست‌آوردهای ۲۰ ساله از زمان انتشار اولین مطالعه بال و براون روی آوردند. هم‌رایی و اجماع کامل بین آنها وجود نداشت. ما دوباره به سراغ این ارزیابی‌ها و روندهای پژوهشی که پس از آن به منصف ظهور رسید باز خواهیم گشت. با وجود این، نخست اجازه دهید به مبحث سومین جریان عمده در پژوهش حسابداری بپردازیم.

پژوهش حسابداری اثباتی

پژوهش حسابداری اثباتی بعضاً با عناوین دیگری چون متون "نظریه قراردادهای" یا "پیامدهای اقتصادی حسابداری" خوانده می‌شود. این رویکرد فرض می‌کند که اطلاعات حسابداری نمی‌تواند صرفاً نتیجه اقدامات یا کنش‌های شرکت باشد، بلکه بخشی یکپارچه از شرکت و ساختار سازمانی اش است. این اطلاعات مبنایی برای تسهیم منابع، پرداخت پاداش و حقوق مدیریت، اندازه‌گیری شـرـوط محدودکننده قراردادهای بدهی^{۴۸}، و مانند این‌ها به دست می‌دهد.

بنابراین، مدیریت انتظار دارد اثرات اطلاعات مالی را بر تصمیمات زیر بداند: تصمیمات عملیاتی، سرمایه‌گذاری و مالی. گزینش روش‌های حسابداری گزینه. این بار هم محرک اصلی این رویکرد، که تا حدودی فراگیرتر است، ریشه در تغییرات متون مالی و اقتصادی داشت.

الزامات افشاءگری و مقرراتی

اقتصاددانان با آزمایش مقررات و اثرات آنها در صدد برآمدند تا این باور را زیر سؤال ببرند که انگیزه وضع تمام مقررات به نوعی با کالاهای عمومی در ارتباط است و مقررات فی‌نفسه رفاه اجتماعی را افزایش می‌دهند. بر این اساس، سیاستمداران و مقررات‌گذاران به عنوان افرادی نگرینسته

توازی بین استفاده از افق کوتاه مدت در برابر افق طولانی‌تر این است که در اولی ریسک اندکی وجود دارد که بازار بتواند به اطلاعات واکنش نشان دهد و بنابراین آزمون‌پذیری پایینی دارد. افق‌های طولانی‌تر از مزیت امکان‌نشستی اطلاعات برخوردارند، و بنابراین امکان واکنش زود هنگام بازار را دربردارند. افزون‌بر این، و از همه مهم‌تر، این امکان وجود دارد که به معنی داری و اهمیت یک پاره اطلاعاتی تا تاریخی بعدتر پی برده نشود. استفاده از افق‌های بسیار کوتاه‌تر این واکنش را نادیده خواهد گرفت. یافتن تکانه‌های پسااعلام^{۴۹}، که پیش از این تلویحاً گفته شد، بی‌ربطی این موضوع را افزایش می‌دهد.

آزمون رابطه بین پارامترهای خوش‌خبری/بدخبری و بازده‌های غیرعادی

مطالعات اولیه، که درباره‌شان بحث کردیم، شرکت‌ها را بر حسب نشانه‌ها و/یا بزرگای خطای پیش‌بینی سود به پرتفولیوهای خوش‌خبر/بدخبر گروه‌بندی می‌کردند. بنابراین در این مطالعات هیچ ملاحظه یا اندازه‌نظری صریحی از رابطه بین سود و بازده به دست داده و مشاهده نشد. مطالعات بعدی با معرفی ضریب واکنش سود^{۵۰} (ERC)، صراحتاً واکنش بازده‌های سهام را به سود مرتبط ساختند.

مطالعات ERC، واکنش‌های تفاضلی میان شرکت‌ها و واکنش‌های تفاضلی به اجزای گوناگون سود را آزمودند. افزون‌بر این، ERC آزمون صریح روابط بین قیمت‌ها و بازده‌ها را که در مدل‌های ارزش‌گذاری مالی نهفته است، امکان‌پذیر ساخت. کالینز و کوتاری (۱۹۸۹) نشان دادند، همان‌گونه که این مدل‌ها پیش‌بینی می‌کنند، متغیرهای ریسک و رشد برخی از تفاوت‌های همزمانی^{۵۱} ERC را تبیین می‌کند.

بعدتر پی برده شد که ERCها نوعاً کمتر از حد انتظار هستند. این یافته، علاقه‌مندی به مسئله "تداوم" یا "پایداری" را برانگیخت. بدین معنی که اجزاء سودها پایدار هستند و از این رو نهفته‌هایی را برای ارزش‌گذاری آینده و واکنش بازار در بر دارند، و افزون‌بر این گذرا هستند و ملازمات و

می‌شوند که به خاطر نفع شخصی شان به مقررات گذاری روی می‌آورند و از این رو انگیزه‌های خصوصی برای وضع مقررات خاص دارند.

از این منظر به الزامات افشاء نیز با دیدی انتقادی نگریسته شد. بنابراین دیگر بدهاهاً پذیرفته نمی‌شد که مزایای حاصل از افزایش الزامات افشاء حکما بر هزینه‌های فزونی دارد. افزون بر این، برخی حجت آوردند (حتی به طور خلاصه تشریح کردند) که شرکت‌ها انگیزه خصوصی دارند تا زمانی زیر بار تولید اطلاعات بروند که هزینه انتشار و تولیدشان از پاداش‌های بالقوه شان پیشی نگیرد. باور بر این بود که توازی هزینه/مزایا بر گزینش رویه‌های حسابداری تأثیر دارد. با وجود این، انگیزه‌های گزینش‌های حسابداری، هنوز مستلزم تبیین است.

نظریه کارگزاری

متون نظریه کارگزاری به عنوان نقطه آغازین این استدلال شناخته می‌شود. جوهره این نظریه، نفع شخصی را علت‌العلل انگیزش‌های کارگزاران اقتصادی معرفی می‌کند. بنابراین، مدیران در صورتی گام‌هایی را برای پیشینه‌سازی ارزش شرکت برمی‌دارند که برایشان نفع شخصی به همراه داشته باشد. افزون بر این، اگر مدیران قادر باشند در نبود افزارهای پیشگیری^۱، رفاهشان را با (۱) اختصاص منابعی افزون‌تر از پاداش‌ها و حقوق‌های توافق‌شده، یا (۲) شانه خالی کردن از وظایفشان، بالا ببرند، آنگاه سرمایه‌گذاران و بستانکاران نیز از تجهیز و تأمین منابع مالی شرکت خودداری خواهند کرد.

به همین قیاس، در نبود یک ابزار پیشگیری، مدیران قادر خواهند بود ریسک‌ها و فعالیت‌هایی را بپذیرند که به دارندگان اوراق قرضه به نفع دارندگان حق مالکانه ضرر برساند. بنابراین، به یک ابزار پیشگیری نیاز است تا اطمینان حاصل شود که مفاد توافق‌نامه‌ها (قراردادها)ی میان مدیران، سهامداران، و بستانکاران رعایت می‌شود. این بحث تا بدانجا پیش رفت که شرکت را به عنوان هستاری پنداشتند که مستقل نیست بلکه رشته‌ای از "قراردادها"ی (صریح یا تلویحی) بین طرف‌های گوناگون است، که هر یک درصد

پیشینه‌سازی نفع شخصی اش است. در این سناریو، نقش حسابداری فراهم آوردن یک افزار پیشگیری است تا فرایند قرارداد بستن به درستی عمل کند.

این رویکرد، فرایند حسابداری صورت‌های مالی را در مقام افزاری می‌نگرد که بر اساس آن، طرف‌های قراردادهای اهداف قراردادهای گوناگون را اندازه‌گیری، پایش‌گری، و اجرا می‌کنند.

بنابراین، همان‌گونه که قبلاً گفته شد، داده‌های حسابداری فی‌نفسه واقعیت را توصیف نمی‌کنند- بلکه در حقیقت واقعیت را تعریف می‌کنند، چرا که پیامدهای اقتصادی واقعی از ارقام گزارش‌ها نشأت می‌گیرند. فرضیه‌های خاصی که از رویکرد نظریه اثباتی به حسابداری نشأت گرفته‌اند و اغلب آزموده شده‌اند عبارت‌اند از:

فرضیه طرح‌های پاداش.

فرضیه شروط بدهی یا بدهی/حق مالکانه.

فرضیه فرایند سیاسی.

فرضیه طرح‌های پاداشی

قرارداد بین مدیران و سهامداران اساساً به عملکرد مورد انتظار مدیران و میزان پاداش آنان می‌پردازد. به موجب فرضیه‌های طرح‌های پاداشی، مدیران بر اساس چگونگی مدیریت شرکت پاداش دریافت می‌کنند. صورت‌های مالی (که اغلب صراحتاً در طرح‌های پاداشی مدیران شرکت به رسمیت شناخته می‌شوند) به عنوان ملاکی برای عملکرد شرکت به شمار می‌روند. بنابراین، نفع مدیریت شرکت در این است که سیاست‌های حسابداری "بلندپروازانه" یا "گشاده‌اندیش" را برای بهبود پاداش‌های خود برگزینند.

به موجب این دیدگاه، و با در نظر گرفتن فرضیه‌های بازار کار، بازار در اثر گزینش سیاست‌های حسابداری بلندپروازانه "تحمیق نمی‌شود". اما، نیروی برانگیزنده این گزینش‌ها پاداش مدیران را به خاطر گزارش سودهای بالاتر افزایش خواهد داد.

به همین قیاس، زمانی که برای پاداش مدیران حد پیشینه‌ای (در طرح‌های پاداش) در نظر گرفته می‌شود،

فرضیه‌های هزینه‌های سیاسی

بحث قبلی ما در خصوص مقررات گذاری تلویحاً حاکی از این است که فرایند سیاسی هزینه‌هایی را به شرکت تحمیل می‌کند. هرگاه سیاستمداران و مقررات گذاران قادر باشند منافعشان (یا منافع رأی دهندگان) را به هزینه دیگران افزایش دهند، در این صورت اغلب چنین خواهند کرد. در این فرایند، داده‌های مالی و چگونگی درک آنها، نقش مهمی بازی می‌کنند. چنانچه باور بر این باشد که یک شرکت یا یک صنعت مزایایی را برای عموم دارد، اما سودهای "شرم آور"^{۵۱} می‌سازد، آنگاه سودهای گزارش شده اش بررسی می‌شود تا معلوم شود آیا سودهای شرم آور گزارش شده اند. این شرکت‌ها ناگزیر متقاعد می‌شوند باید به سراغ روش‌های حسابداری بروند که سودهای گزارش شده شان را کاهش می‌دهد و از این رو ریسک سیاسی شان را پایین تر می‌آورد. برای مثال، در ۱۹۹۱ (زمانی که قیمت‌های نفت به خاطر بحران کویت بالا رفت) برخی شرکت‌های نفتی سودهای گزارش شده شان را با کمک "روش‌های کاهنده سود" کاهش دادند [نگاه کنید به هان^{۵۲} و وانگ^{۵۳} (۱۹۹۸)] و ذخایری را برای هزینه‌های زیست محیطی یا "تباهیدگی‌داری‌ها"^{۵۴} ثبت کردند. این ممکن است به اعمال فشارهایی از سوی شرکت‌ها برای کاهش قیمت‌ها (صنعت دارو) یا مقررات گذاری جهت وضع مالیات برای "سودهای بادآورده" (صنعت نفت) بینجامد.

به همین قیاس، کلویده^{۵۵}، پرات^{۵۶} و استاک^{۵۷} (۱۹۹۶) گزارش دادند روش‌های حسابداری کاهنده سودهای گزارش شده ممکن است به دلیل میل استفاده از روش‌های مشابه در اظهارنامه مالیاتی برگزیده شوند. حتی اگر روش‌های گزینه دیگری مجاز باشد، دردسر عدم پرداخت مالیات یا پرداخت مالیات کمتر در مقایسه با گزارش سود پایین‌تر در صورت‌های مالی بسیار اندک است. در این متون پژوهشی، فرضیه‌های هزینه‌های سیاسی اغلب در قالب فرضیه‌های اندازه‌آزمون شده‌اند. استدلال براین است که شرکت‌های بزرگ‌تر بیشترین تأثیرپذیری را از هزینه‌ها و فشارهای سیاسی دارند. هر قدر شرکتی بزرگ‌تر باشد، با احتمال بیشتری روش‌های حسابداری را بر خواهد گزید که سودهای پایین‌تری را

آنگاه اگر سود شرکت از سود مرتبط با پاداش بیشینه فزونی بگیرد، دیگر هیچ انگیزه‌ای برای افزایش سود وجود ندارد. مثلاً، هیلی^{۵۸} (۱۹۸۵)، دریافت که مدیران گرایش دارند تا سیاست‌های حسابداری را به دلیل انگیزه‌های طرح‌های پاداشی تغییر دهند و این تغییرات با آغاز یا تعدیل طرح‌های پاداش توأم است. با وجود این، هیلی گزارش کرد که به نظر می‌رسد مدیران سیاست‌های حسابداری را در صورتی تغییر می‌دهند که پاداش‌ها زیر آستانه کمینه یا بالای سقف بیشینه دوره جاری قرار داشته باشند.

فرضیه‌های شروط بدهی

دارندگان اوراق قرضه و دیگر بستانکاران می‌خواهند از بازپرداخت اصل و بهره طلبشان اطمینان یابند. آنان به منظور حفاظت از منافعشان شروطی را به استقراض کننده به صورت محدودیت پرداخت سود تقسیمی، بازخرید سهام، و صدور اوراق بدهی جدید تحمیل می‌کنند. این شروط محدود کننده اغلب بر مبنای اندازه‌ها و نسبت‌های حسابداری وضع می‌شود. شروط نوعی اغلب شامل حفظ سطوح قابل قبول سرمایه در گردش، پوشش بدهی، ارزش خالص، و متغیرهای مشابه است.

گزینه‌های حسابداری می‌توانند تأثیر زیادی بر اندازه‌های این متغیرها و متعاقباً نیز تعیین این که آیا شرکتی به لحاظ فنی از تعهدات بدهی قصور کرده است داشته باشند. فرضیه‌های شروط محدود کننده قراردادهای بدهی می‌گویند که مدیران انگیزه دارند روش‌های حسابداری را برگزینند که احتمال تخطی از این شروط را کمینه می‌سازد. عملاً، این فرضیه‌ها در قالب فرضیه‌های بدهی/حقوق مالکانه تبیین می‌شوند. بنابراین فرضیه‌ها شرکت‌هایی که از نسبت‌های بدهی به حق مالکانه بالاتری برخوردارند تمایل دارند سیاست‌های حسابداری را برگزینند که سود جاری را به قیمت فدا کردن سودهای آینده افزایش می‌دهند.

پژوهش‌های اخیرتر این اندازه‌ها را با لحاظ کردن شروط بدهی صریح پالایش کرده‌اند و هزینه انحراف و تخطی را برآورد کرده‌اند.

به دست می‌دهد و از این رو فشارهای سیاسی اش کاهش می‌یابد. صنعت نفت یک مثال بارز است. شرکت‌های بزرگ نفتی به طور یکسان از روش کوشش‌های ثمربخش استفاده می‌کنند، زیرا سودهای گزارش شده را کمینه می‌کند؛ اما در میان شرکت‌های کوچک‌تر استفاده از روش بهاگذاری کامل مرسوم‌تر است.

خلاصه پژوهش‌ها

فرضیه‌های طرح پاداشی، تعهدات بدهی، و هزینه‌های سیاسی، افزون بر طرح انگیزه‌های شرکت‌ها برای گزینش روش‌های حسابداری سودافزا (یا کاهنده سود) به مطالعاتی انجامیدند که اثرات داده‌های حسابداری را بر تصمیمات عملیاتی مدیران آزمایش کردند. برای مثال، پژوهش‌ها نشان دادند پیروی از این الزام که بهای تحقق و توسعه باید هزینه شود (SFAS 2) سود بسیاری از شرکت‌ها را پایین آورده است. طبق این یافته‌ها در صورتی که مدیران احساس کنند گزارش سود کم‌تر به پاداش‌شان لطمه می‌زند و/یا وضعیت شروط قراردادهای بدهی شرکت را به مخاطره می‌اندازد آن‌گاه حجم تحقیق‌ها و توسعه واقعی کارها را کاهش خواهند داد. شماری از مطالعات این موضوع را آزمایش کردند. نظریه حسابداری اثباتی نیز نهفته‌هایی را برای این بحث و پرسش (که پیش از این ذکر شد) در بر داشت که آیا استانداردارگذاران در تورها و کنکاش‌هایشان باید از دست‌آوردهای مطالعات مربوط به محتوای اطلاعاتی استفاده کنند. طرفداران استدلال می‌کردند که استفاده از چنین نتایجی به پذیرش این فرض بستگی دارد که (تنها) غایت‌داده‌های حسابداری ارزشگذاری شرکت است. اما اگر از داده‌های حسابداری به عنوان ابزارهای پایستگی نیز استفاده شود، روشن نیست که آیا بهترین اندازه برای ارزشگذاری همان ارزشی باشد که برای بهینه‌سازی کارکرد پایستگی ضروری است. نهایتاً، پژوهش حسابداری اثباتی محور تمرکز مطالعات مبتنی بر بازار را، که به موجب آنها واکنش‌های بازار نسبت به تغییرات اختیاری و اجباری حسابداری آزمایش می‌شود، گسترش داد. به جای آنکه بازده‌ها فقط تابعی از سودها در نظر گرفته شوند، اثبات شد که بازده شرکت‌ها ممکن است

علاوه بر سود به شماری از متغیرهای دیگر، مانند نسبت بدهی به حق مالکانه، اندازه و پاداش مدیران واکنش نشان دهد. مثلاً، تغییرات حسابداری سودافزایی می‌تواند واکنش مثبت بازار را برای شرکت‌هایی در پی داشته باشد که از نسبت‌های بدهی به حق مالکانه بالایی برخوردارند، چرا که اگر بدهی جدید بدون تأثیرپذیری از نسبت بدهی به حق مالی اخذ شود آنگاه افزایش سود گزارش شده امکان جابه‌جایی ثروت از دارندگان کنونی اوراق قرضه شرکت به نفع سهامداران را میسر می‌کند. از طرف دیگر در مورد شرکت‌های بزرگ، افزایش سود می‌تواند امکان هزینه‌های سیاسی را افزایش دهد، بنابراین به واکنش منفی بازاری انجامد.

پژوهش تجربی

همگان بر این باورند که اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ نقطه عطفی در مسیر پژوهش تجربی حسابداری بوده است. لو (۱۹۸۹) و برنارد (۱۹۸۹)، در مقاله‌های جداگانه‌ای بسیاری از نواقص و ضعف‌های پژوهش‌های مبتنی بر بازار را برشمردند. بدین منظور، آنان علاقه‌فزاینده در میان دانشگاهیان و کارورزان به مزایای این پژوهش‌ها را برشمردند. یافته‌های مشابه در اثر مشهور واتز^۱ و زبمرمن^۲ (۱۹۹۰) با عنوان واپس‌نگری ۱۰ ساله پژوهش حسابداری اثباتی آمده است. در ادامه، ابتدا دست‌آوردهای این دو مقاله واپس‌نگر بازنگری می‌شود، و سپس خلاصه‌ای از هنجارشکنی‌های EMH آورده می‌شود.

ارزیابی انتقادی یافته‌های پژوهش‌ها

کارهای لو و برنارد، هر دو، انتقادی از پژوهش‌های گذشته هستند. در نمایشگر ۱ خلاصه‌ای از دیدگاه‌های این دو آمده است و نشان می‌دهد که چقدر با هم سازگارند. آنان دریافتند که اگرچه یافته‌های برخی از پژوهش‌های اولیه سودمند است، اما در کل، دست‌آوردهایشان هیچ نقشی را در موارد زیر بازی نمی‌کنند:

- ۱- درک چگونگی و چیستی استفاده سرمایه‌گذاران از سودها؛ یا
- ۲- شور و کنکاش سیاست‌گذاران حسابداری.

لو شماری از دلایل را برای ناتوانی پژوهش‌های مبتنی بر بازار مطرح می‌کند و سپس مسیرهای پژوهش‌های آینده را ترسیم می‌کند. برنارد بر پیشنهادهای لو صحنه می‌گذارد.

ویکتور آل. برنارد پژوهش‌های بازار سرمایه در دهه ۱۹۸۰: بازنگری انتقادی، چاپ شده در کتاب توماس فرکا، با عنوان وضعیت پژوهش‌های حسابداری در آستانه ورود به دهه ۱۹۹۰ (اورباناچامپاین، دانشگاه ایلین وی، ۱۹۸۹)، ص ۱۲۰-۷۲

۱- پیشرفت ما در گرو این خواهد بود که به اتکاء کردن به مدل‌های ساده و پیش‌افتاده پایان دهیم... تزیق دانش سامانه‌های حسابداری و تحلیل‌گری بنیادی ضرورتی انکارناپذیر است...."

۲- غالباً اگر اندازه نمونه‌های بزرگ و آماره‌های پیچیده برای رسیدن به شناختی ژرف‌تر از رابطه میان متغیرهای حسابداری و میان و ارزش‌های اوراق بهادار قربانی شود سودمندتر خواهد بود."

۳- اتکاء پذیری بیشتر به مدل‌های صوری مطلوب‌تر خواهد بود...."

بروخ لو، در باب فایده مندی سودها و پژوهش‌های سود: درس‌ها و رهنمودهایی از دو دهه پژوهش تجربی، جورنال اکونومیکس ریسرچ (۱۹۸۹)، ص ۱۹۲-۱۵۳

۱- پژوهشگران از سودهای گزارش شده استفاده می‌کنند و آنها را از بابت دست‌ورزی‌های مدیریت، رخدادهای تصادفی سال به سال، یا اختیارمندی ذاتی بسیاری از اندازه‌های حسابداری و فنون ارزش‌گذاری تعدیل نمی‌کنند.

۲- بی‌دانشی یا کم‌دانشی نسبت به چگونگی نشر اطلاعات حسابداری در بازارگاه‌ها وجود دارد؛ یعنی آنچه در واقع کاری (تعدیلی) که تحلیل‌گران مالی در اطلاعات به عمل می‌آورند.

۳- لو دلیل می‌آورد که تمرکز پژوهش‌ها باید درباره کیفیت سود باشد. کیفیت سود دربردارنده تأثیرات اندازه‌های گزینه مبتنی بر GAAP بر سود و رابطه‌شان با مدل ارزش‌گذاری است.

شیوه به شرکت‌ها می‌نگرند).

میانگین‌گیری از سودهای گزارش شده در گذر زمان و آزمایش افق‌های زمانی طولانی‌تر زیرا سودهای سال‌های آینده بیش از اثر آنی سود یک دوره بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارند.

اجزای سود مورد استفاده در پژوهش باید شامل تمام تعدیلات ممکن (و نه تنها تعدیلات یک زمان) برای رسیدن به تحلیلی جامع‌تر و معنی‌دارتر باشند.

واپس‌نگری واتز و زیممن از متون حسابداری اثباتی به

یافته‌ها و تجویزهایی مانند بازنگری پژوهش‌های مبتنی بر بازار انجامید. آنان پس از بازنگری پژوهش‌ها، مدعی شدند که نتایج پژوهش‌ها عموماً با فرضیه‌های طرح‌های پاداشی و بدهی به حقوق مالی سازگارند. با وجود این، در خصوص

این دو پژوهشگر این ناتوانی را تا اندازه زیادی به ثبات کارکردی و شیفتگی برخی از پژوهشگران به فنون آماری پیچیده به قیمت فداکردن مدل‌سازی و تعیین روابط بنیادی ربط دادند. به زعم آنان این مطالعات صرفاً در صدد یافتن معنی داری آماری بودند حتی اگر نتایج‌شان معنی داری اقتصادی اندکی داشت یا اصلاً نداشت. با غفلت از مدل‌سازی، پژوهشگران به جای آزمودن مجموعه اطلاعاتی غنی‌تری که در دسترس سرمایه‌گذاران است به یک رقم یگانه، سود، روی آوردند. لو و برنارد، به دنبال انتقادشان رویکردی پژوهشی را پیشنهاد کردند که عناصر زیر را در بر دارد:

تحلیل دقیق‌تر مدل‌های ارزش‌یابی که به حسابداری و سود مربوط‌اند.

اندازه‌گیری روابط سود/بازده بر مبنای یکایک سهام به جای ارزیابی کلی پرتفولیو (زیرا تحلیل‌گران همواره بدین

فرضیه‌های هزینه سیاسی، نتیجه گرفتند که این هزینه‌ها فقط در مورد شرکت‌های بزرگ وجود دارند. این استنتاج از مطالعه صنعت نفت و گاز به دست آمد. با وجود این، آنان گزارش کردند با این نتایج اکثر پژوهش‌های اثباتی به معنی داری آماری انجامیده‌اند، اما در بسیاری از موارد، قدرت توصیفی یا معنی داری اقتصادی مدل‌ها پایین است.

واتز و زیمرمن در بحثی که به فرصت‌ها و مجال‌های پژوهش‌های آینده اختصاص دادند اشاره می‌کنند که اکثر مطالعات به انگیزه‌های مدیریت برای بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه پرداخته‌اند، آن‌سان که به نظر می‌رسد این انگیزه مشاهده پذیرترین (و آزمون پذیرترین) پدیده به شمار می‌آیند. با وجود این، آنان حجت آوردند که باید کوشش بیشتری به عمل آید تا رابطه بین نظریه و آزمون تجربی را برای تعیین این که آیا گزینش‌های مدیریت صرفاً خوش بینانه است، یا محرک آن ملاحظات کارایی درون ساختار سازمانی و/یا پویایی صنعت است تقویت کند.

هنجارشکنی‌های بازار

برخی پژوهش‌ها به شماری از هنجارشکنی‌ها دست یافتند که روایی E M H و نتیجه‌گیری‌های پژوهش‌های پیش‌گفته را زیر سؤال برد. برخی هنجارشکنی‌ها به رابطه بین سودها و بازده‌ها مربوط‌اند حال آن که برخی دیگر صرفاً مبتنی بر بازار هستند، افزون بر این، برخی هنجارشکنی‌ها به همپوشی با یکدیگر گرایش دارند. مثلاً، اثر شنبه و تکانه‌های قیمتی پس‌اعلام سود در مورد شرکت‌های کوچک اندازه بیشتر از دیگر شرکت‌ها گزارش شده است. در ادامه به شماری از این هنجارشکنی‌ها می‌پردازیم.

اثر ژانویه (فروردین)، شواهد تجربی حاکی از آن است که در ژانویه (فروردین) عملکرد بازار مساعد است. این تاثیرگذاری انحرافی آشکار از صورت ضعیف EMH است، زیرا آگاهی از این الگو به خرید سهام در آخر دسامبر و کسب بازدهی غیر عادی می‌انجامد.

تاثیر شنبه. پس از تعطیلات آخر هفته، در روز شنبه عموماً

قیمت‌های بازار بر آن هستند تا در سطوح پایین تر گشوده شوند. آگاهی از این مزیت، به راهبرد فروش در آخرین روز هفته قبل و خرید در صبح روز شنبه می‌انجامد.

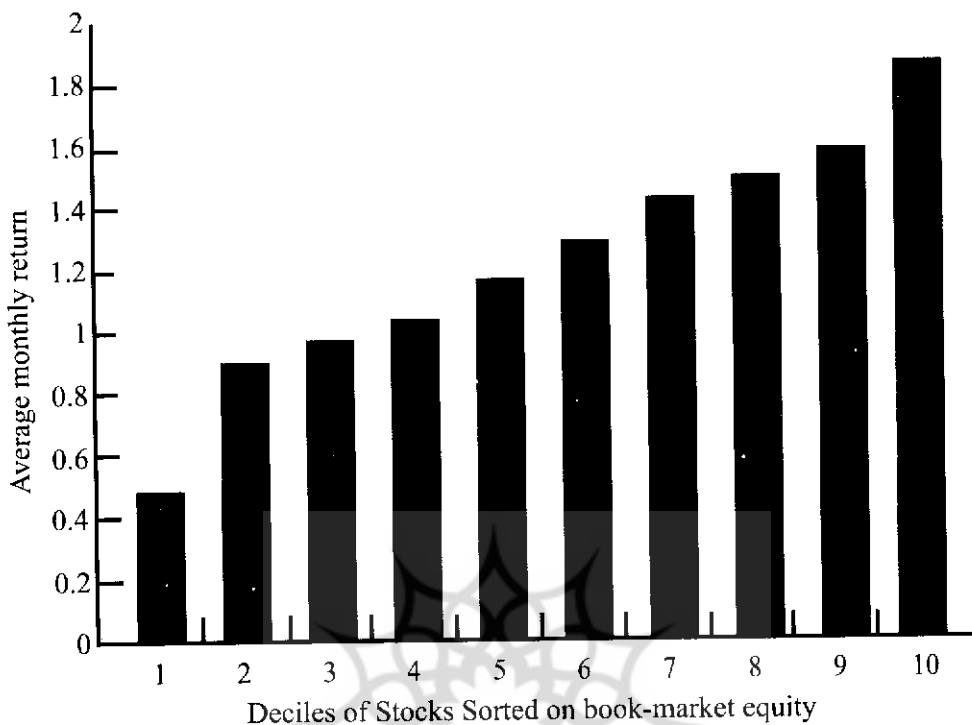
اثر اندازه. روندهای قیمت‌های شرکت‌های کوچک تر (که در اینجا بزرگی عموماً بر حسب جمع دارایی‌ها یا ارزش فعلی کل جریان‌های نقدی آینده‌شان اندازه‌گیری می‌شوند)، حتی اگر بازده‌ها از بابت ریسک تعدیل شوند، گرایش دارند تا عملکرد بهتری از بازار داشته باشند. این یافته حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری در پرتفولیوی مرکب از شرکت‌های کوچک یک راهبرد سرمایه‌گذاری سالم و درست است.

نسبت قیمت به سود. روندهای قیمت‌های شرکت‌هایی که نسبت‌های P/E پایینی دارند، حتی اگر بازده‌ها از بابت ریسک تعدیل شوند، گرایش دارند تا عملکرد بهتری از بازار داشته باشند. براین اساس، سرمایه‌گذاری در پرتفولیوی شرکت‌هایی که دارای نسبت‌های P/E پایین هستند یک راهبرد سرمایه‌گذاری سالم یا درست است.

نسبت‌های ارزش دفتری به بازار. فاما و فرنچ (۱۹۹۲) دریافتند که نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار یک پیش‌بینی گر نیرومند از بازده‌های میانگین است. پیکره ۳ (که مبتنی بر پژوهش فاما و فرنچ است) نشان می‌دهد شرکت‌هایی که دارای نسبت‌های ارزش دفتری به ارزش بازار بالاتری هستند بازده‌های ماهانه بالاتری از شرکت‌های دارای نسبت‌های پایین تر کسب کرده‌اند. بنابراین سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای نسبت‌های ارزش دفتری به ارزش بازار بالاتر درست تر به نظر می‌رسد.

تاثیر بریلوف. پروفیسور آبراهام بریلوف^{۶۱} در نشریه **بارونز** به صورت دوره‌ای از رویه‌های گزارشگری مالی برخی شرکت‌ها انتقاد کرده است. پس از انتشار این انتقادها قیمت‌های سهام عادی این شرکت‌ها کاهش‌های شدیدی را تجربه کرده‌اند [نگاه کنید به پیکره ۴ که برگرفته از مقاله **فوستر**^{۶۲} (۱۹۷۹) است] از آنجا که تحلیل **بریلوف** مبتنی بر اطلاعات در دسترس همگان است، به نظر می‌رسد قیمت بازار قبل از تحلیل **بریلوف** کاملاً تمام اطلاعات در دسترس را بازتاب نمی‌دهد.

پیکره ۳ شواهدی از تأثیر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار



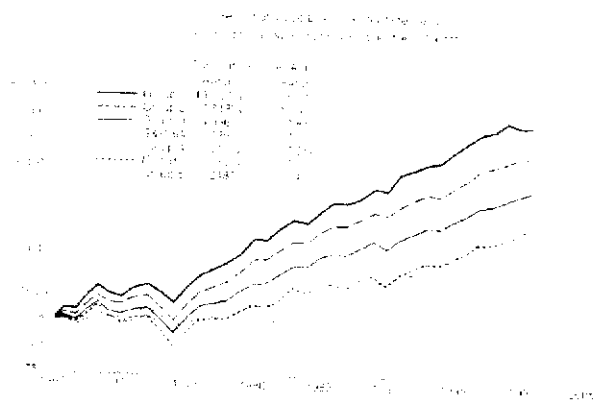
بیش واکنش گر^{۶۶} هستند و با یک راهبرد سرمایه گذاری مخالف خوان می توان سهام زیان ده تر را خرید و از خرید سهام پرسودتر اجتناب کرد.

لاکونیشاک^{۶۷} و همکارانش (۱۹۹۴) این برهان را به توصیف پدیده نسبت های ارزش های دفتری به ارزش های بازار تعمیم دادند. آنان حجت آوردند که وقتی سود یک شرکت کاهش می یابد، بازار واکنش بیشتری نشان می دهد، در نتیجه قیمت شدیداً به سمت پایین رانده می شوند (و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار بالا می رود). به همین قیاس، وقتی یک شرکت سودهای خوبی گزارش می کند، بازار قیمت های سهام را به بالا می راند (و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار پایین می آید). با گذر زمان، میزان بیش واکنش بر ملا می شود و روند قیمت ها معکوس می شود، و بازده میانگین بالا (پایین) تری را برای شرکت هایی به بار می آورد که دارای نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار بالا (پایین) تری هستند.

شرکت ولیو لاین^{۶۸}. پیکره ۵ عملکرد گروه های سهام را که توسط شرکت خدمات سرمایه گذاری ولیو لاین رتبه بندی شده است نشان می دهد. عملکرد مستمر و سازگار این گروه ها، به نسبت بازار، حاکی از آن است که ولیو لاین قادر است در بازار تأثیر بگذارد.

حرکت پسا اعلام. E M H قائل به این است که قیمت های سهام بی درنگ به اطلاعات جدید واکنش نشان می دهند. با وجود این، شواهد تجربی حاکی از آن است که تغییرات قیمتی تا مدتی پس از اعلام اولیه پابرجاست.

بازارهای بیش واکنش گر: راهبرد سرمایه گذاری مخالف خوان. دی بانانت^{۶۹} و تالر^{۷۰} (۱۹۸۵) دریافتند چنانچه سهام بر حسب عملکرد پنج سال گذشته شان (دوره مینا) رتبه بندی شوند، آنگاه در چند سال آینده شرکت های دارای عملکرد سرمایه گذاری بدتر (در دوره مینا) نسبت به شرکت های دارای عملکرد بهتر از عملکرد بهتری برخوردار خواهند بود. بنابراین بازارها



پیکره ۵ عملکرد گروه‌های ولیو لاین



پیکره ۴ اثر بریلوف: واکنش بازار برای ۲۸ سهم

تکانه‌های پس‌اعلام آورده‌اند. **بارتوف^۸**، **راداگریشنان^۹**، و **کرینسکی^{۱۰}** (۲۰۰۰) پی بردند که تکانه‌ها و حرکت‌های سهام شرکت‌های هلدینگ نهادی بزرگ کم‌تر است. فوستر برای ارزیابی توصیفی ممکن از تاثیر **بریلوف** می‌گوید که این تاثیر متاثر از دانش حسابداری برتر **بریلوف** و بینش‌های تحلیل‌گری وی از اطلاعات غیرهمگانی است، و از این رو از کارایی بازار سرمایه تخطی نشده است. بنابراین **بریلوف** با استفاده از مهارت‌های برترش می‌توانسته است سودی (رقابتی) را دست و پا کند. بنابراین به نظر می‌رسد به عوض بازار سرمایه آنچه بازار اطلاعات خوانده می‌شود می‌تواند توصیفی برای نتایج این پژوهش‌ها به دست دهد. رتبه‌بندی شرکت **ولیو لاین** مبتنی بر عملکرد متغیرهایی است که به آنها **تکانه‌های سود** و **شگفتی‌های سود** گفته می‌شود. اولی به تغییرات در سودهای سه ماهه در گذر زمان مربوط می‌شود، در حالی که دومی به انحراف و تفاوت بین سود واقعی و سود پیش‌سنجی شده مربوط است. چه این‌ها به عنوان تحلیل آماری چه بنیادی تلقی شوند به هر حال هنوز بحث‌انگیزند و ناروشن می‌نمایند. با این وجود، نتایج نشان می‌دهد که با تحلیل‌گری برتر و نیرومندتر می‌توان به نتایجی رسید که از عملکرد بازار بهتر است.

اگرچه تمام این هنجارشکنی‌ها نهفته‌هایی را برای تحلیل‌گران در بردارند، اما توصیف اثر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، اثر اندازه، اثر **بریلوف**، و نتایج شرکت **ولیو لاین** ارتباط مستقیم‌تری با نقش تحلیل‌گران مالی در بازارهای سرمایه دارد. دست‌آوردهای **لاکونیشاک** و همکارانش درباره ارزش دفتری به ارزش بازار در واقع رویکرد ارزش (و مخالف خوان) به سرمایه‌گذاری را بر اساس آراء **گراهام و داد** توجیه می‌کند: اگر بازار بیش‌واکنش نشان دهد آنگاه اوراق بهاداری یافت می‌شود که کم‌قیمت‌گذاری شده است. اثر اندازه، اغلب به این حقیقت منتسب است که شمار تحلیل‌گرانی که در جستجوی شرکت‌های کوچک‌تر هستند اندک است. بنابراین، اگر تمام اطلاعات این شرکت‌ها که در دسترس همگان است بی‌درنگ در قیمت‌های سهام ضبط نشوند، آنگاه کسانی که بر اساس این اطلاعات در زمانی زودتر مبادله کرده‌اند مجالی برای کسب بازده‌های غیرعادی به دست می‌آورند. کسب بازده‌های اضافی از پرتفولیوی شرکت‌های کوچک ممکن است بیانگر جبران هزینه و دشواری تحلیل شرکت‌های این زیرمجموعه باشد. برخی از پژوهشگران استدلال‌های مشابه را در خصوص

خلاصه و نتیجه گیری

در این مقاله، سه رویکرد به پژوهش حسابداری، شامل رویکرد کلاسیک، رویکرد پژوهش‌های مبتنی بر بازار، و رویکرد اثباتی تحلیل و مقایسه شد. همچنین دیدگاه‌های انتقادی به این رویکردها، که عموماً محصول واپس‌نگری پژوهش‌های حسابداری است، مطرح شد. سرانجام برخی شواهد تجربی پیرامون هنجارشکنی‌های بازار به دست داده شد.

بنابراین آنچه خواندیم می‌توان نتیجه گرفت که هنوز پژوهش‌های حسابداری نتوانسته‌اند به نظریه‌ای یگانه برای عرصه حسابداری دست یابند برای نیل به این منظور در آینده باید به طور مستمر عرصه‌های جدید پژوهش را درنوردید و روش‌شناسی‌ها و داده‌های پژوهشی را اصلاح و بالایش کرد.

منابع انگلیسی

- Forecast Errors*, " **Journal of Accounting Research** (Autumn 1979), pp.316-340.
- 6- **Beaver, William H., and Roland E. Dukes**, " *Interperiod Tax Allocation Earnings Expectations, and the Behavior of Security Prices*, " **The Accounting Review** (July 1972), pp.320-332.
- 7- **Beaver, William H., and Roland E. Dukes**, " *Interperiod Tax Allocation and -Depreciation Methods: Some Empirical Results*, " **The Accounting Review** (July 1973), pp.549-559.
- 8- **Bernard, Victor L.**, " *Capital Market Research During the 1980's A Critical Review*, " in **Thomas Frecka (ed.)**, **The State of Accounting Research as We Enter the 1990's**, pp. 72-120. Urbana Champaign: University of Illinois, 1989.
- 9- **Bodie, Zvi, Alex Kane, and Alan J. Marcus**, **Investments**, 4th ed. **Homewood, IL: Richard D. Irwin** 1999.
- 10- **Brown, Lawrence D., Paul A. Griffin, Robert L. Hagerman, and Mark E. Zmijewski**, " *An Evaluation of Alternative Proxies for the counting and Economics* (July 1987), pp.159-193.
- 11- **Brown, Lawrence D., Robert L. Hagerman, Paul A. Griffin, and Mark E. Zmijewski**, " *Security Analyst Superiority Relative to Univariate Time-Series Models in Forecasting Quarterly Earnings*, " **Journal of Accounting and Economics** (April 1987), pp.61-87.
- 12- **Chambers, R. J.**, " **Accounting Evaluation and Economic Behavior**. " **Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall**, 1966.
- 13- **Cloyd, C.B., J. Pratt and T. Stock**, " *The Use of financial Accounting Choice to Support Aggressive Tax Position: Public and Private Firms*, " **Journal of Accounting Research** (Spring 1996) , pp.23-43.
- 14- **Collins, Daniel W., and S.P. Kothari**, " *An Analysis of Intertmporal and Cross-sectional Determinants of Earnings Response Coefficients*, "
- 1- **Ball, Ray**, " *Anomalies in Relationships Between Securities' Yields and Yield-Surrogates*, " **Journal of Financial Economics** (June/September 1978), pp.103-126.
- 2- **Ball, Ray, and Philip Brown**, " *An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers*, " **Journal of Accounting Research** (Autumn 1968), pp.158-178.
- 3- **Bartov, E., S. Radhakrishnan, and I. Krinsky**, " *Investor Sophistication and Patterns in Stock Returns fter Earnings Announcements*, " **The Accounting Review** (January 2000), pp.43-64.
- 4- **Bathke, Allen W., Jr., and Kenneth S. Lorek**, " *The Relationship Between Time-Series Models and the Security Market's Expectations of Quarterly Earnings*, " **The Accounting Review** (April 1984) , pp.163-176.
- 5- **Beaver, William H., R. Clarke, and W.F. Wright**, " *The Association Between Unsystematic Security Returns and the Magnitude of Earnings*

the Effects of Special Accounting Items on Capital Market Equilibrium, " **journal of Accounting Research** (Autumn 1975),pp.220-256.

26- Gonedes, Nicholas J., "Corporate Signalling, External Accounting and Capital Market Equilibrium: Evidence on Dividends, Income and Extraordinary Item," **journal of Accounting Research** (Spring 1978), pp.26-79.

27- Han, Jerry C.Y.,and Shiing-wu Wang, "Political Costs and Earnings Management of Oil Companies During the 1990 Persian Gulf Crisis," **The Accounting Review** (January 1998),pp.103-117.

28- Healy,Paul M., "The Effect of Bonus Schemes on Accounting Decisions," **journal of Accounting and Economics** (April 1985),pp.85-107.

29- Joy, O.M., and C.P. Jones, "Earnings Reports and Market Efficiencies: An Analysis of the Contrary Evidence," **journal of Accounting Research** (Spring 1979),pp.51-63.

30- Kormendi, Roger, and Robert Lipe, "Earnings Innovations, Earnings Persistence, and Stock Returns," **journal of Business** (July 1987), pp.323-345.

31- Lakonishok, Josef, Andrei Shleifer, and Robert W. Vishny, "Contrarian Investment, Extrapolation and Risk," **journal of Finance** (December 1994), pp.1541-1578.

32- Lev, Baruch, "On the Usefulness of Earnings and Earnings Research: Lessons and Directions from Two Decades of Empirical Research," **journal of Accounting Research** (Supplement 1989), pp.153-192.

33- Lipe, Robert C., "The Information Contained in the Components of Earnings," **journal of Accounting Research** (Supplement 1986), pp.37-64.

34- Livnat, Joshua, and Paul Zarowin, "The Incremental Informational Content of Cash-flow Components," **journal of Accounting and**

journal of Accounting and Economics (July 1989), pp.143-181.

15- DeBondt, W., and R. Thaler, "Does the Stock Market Overreact?" **journal of Finance** (March 1985), pp. 793-805.

16- Dhaliwal, D., K. Subramanyam, and R. Trezevant, "Is Comprehensive Income Superior to Net Income as a Measure of Performance?" **journal of Accounting and Economics** (January 1999), pp.43-67.

17- Eastone, P., and M. Zmijewski, "Cross-Sectional Variation in the Stock Market Response to Accounting Earnings Announcements," **journal of Accounting and Economics** (July 1989), pp.117-141.

18- Eccher, Elizabeth A., "The Value Relevance of Capitalized Software Development Costs," **works paper, Sloan School of Management,** April 1996.

19- Edwards, E. O., and P. W. Bell, *The Theory and Measurement of Business Income.* University of California Press, 1961.

20- Fama, Eugene, "Efficient Capital Markets: A Review of Theory and Empirical Work," **journal of Finance** (May 1970) ,pp.383-417.

21- Fama, Eugene, and Kenneth R.French, "The Cross-section of Expected Stock Returns on Stocks and Bonds," **journal of Accounting and Economics** (February 1993),pp.3-56.

22- Foster, George, "Accounting Earnings and Stock Prices of Insurance Companies," **The Accounting Review** (october1975),pp.686-698.

23- Foster, George, "Briloff and the Capital Market," **journal of Accounting Research** (Spring 1979), pp.262-274.

24- Givoly, Dan, and Josef Lakonishok, "The Quality of Analysts' Forecasts of Earnings," **Financial Analysts Journal** (September/October 1984), pp.40-47.

25- Ginedes, Nicholas,J., "Risk, Information and

- 24- Lorek
- 25- Survey researches
- 26- Joy
- 27- Jones
- 28- Momentum
- 29- Gonedes
- 30- Ronen
- 31- Sadan
- 32- Write down
- 33- Lev
- 34- Lipe
- 35- Livnat
- 36- Zarowin
- 37- Dhaliwal
- 38- Subramanyan
- 39- Trezevant
- 40- Forecasting
- 41- Givoly
- 42- Lakonishok
- 43- Postannouncement
- 44- Earnings response coefficient
- 45- Cross sectional
- 46- Kormendi
- 47- Easton
- 48- Zmijewski
- 49- Debt covenant
- 50- Monitoring
- 51- Healy
- 52- Obscene
- 53- Han
- 54- Wang
- 55- Asset impairment
- 56- Cloyd
- 57- Pratt
- 58- Stock
- 59- Bernard
- 60- Watts
- 61- Zimmerman
- 62- Abraham Briloff
- 63- Foster
- 64- Value Line
- 65- DeBondt
- 66- Thaler
- 67- Overreactive
- 68- Lakoniskok
- 69- Bavtov
- 70- Radhakrishnan
- 71- Krinsky

Economics (May 1990), pp.25-46.

35- Penman, Stephen, "The Articulation of Price-Earnings Ratios and Market-to-Book Ratios and the Evaluation of Growth," **Journal of Accounting Research** (Autumn 1996), pp.235-259.

36- Ronen, Joshua, and Simcha Sadan, *Smoothing Income Numbers: Objectives, Means, and Implications.* Reading, MA: Addison Wesley, 1981.

37- Sterling, Robert R, *Theory of the Measurement of Enterprise Income.* Lawrence, KS: University Press of Kansas, 1970.

38- Watts, Ross, and Jerold L. Zimmerman, "Positive Accounting Theory: A Ten Year Perspective," **The Accounting Review** (January 1990), pp. 131-156.

پی نوشت



۱- این کار عمدتاً مبتنی بر اثر زیر است:

White herald I., Ashwinpaul C. Sondhi & Dov Fried, *The Analysis and Use of Financial Statements*, 3th Edition, John Wiley & Sons, Inc, 2003.

2- Financial economic theory

3- True reality

4- Anomaly

5- Normative view

6- Edwards

7- Bell

8- Chambers

9- Sterling

10- Face value

11- Graham

12- Dodd

13- Eugene Fama

14- William Beaver

15- Comovement

16- Fama

17- French

18- Ball

19- Brown

20- Marketplace

21- Dukes

22- Foster

23- Bathke